

شرح مختصر

أسماء الله الحسنى

(بهترین نام های الله - (جل جلاله)

استاد دکتور عبدالستار سیرت

طبع اول

۲۰۱۷ فبروری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الخالق، الباري، المصور ، له الأسماء الحسنة يُسَبِّحُ له ما في السموات والارض و هو العزيز الحكيم، والصلاه والسلام على المبعوث رحمة للعالمين، سيدنا و حبيبنا محمد و على آلـه الطيبين الطاهرين و اصحابـه الكرام المـيمـانـ و اتباعـه باحسـانـ الى يوم الـدـين.

از مظاهر رحمـتـ بـی پـایـان پـرـورـدـگـارـ جـهـانـ هـا بـیـانـ بـهـترـینـ نـامـ هـایـ اللهـ(عـزـوـجلـ) بـهـ منـظـورـ هـدـایـتـ بـنـدـگـانـ بـهـ سـوـیـ شـنـاسـائـیـ اللهـ(جـلـ جـلالـهـ) وـ اـیـمـانـ بـهـ اوـتـعـالـیـ وـ اـیـجادـ پـیـونـدـ رـاسـخـ مـیـانـ بـنـدـهـ وـ خـالـقـ اوـ استـ، اـیـنـ بـهـترـینـ وـ زـیـبـاـ تـرـینـ وـ نـیـکـوـ تـرـینـ نـامـهاـ درـ تـحـتـ عنـوانـ(الـاسـمـاءـ الـحـسـنـیـ)ـ وـ یـاــ أـسـمـاءـ اللهـ الـحـسـنـیـ)ـ درـ قـرـآنـ کـرـیـمـ وـ سـنـتـ مـبـارـکـ نـبـوـیــ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـ سـلـمــ ذـکـرـ شـدـهـ شـنـاسـائـیـ وـ اـعـتـقـادـ وـ تـفـکـرـ درـ معـانـیـ اـیـنـ نـامـهاـ بـخـشـ مـهـمـیـ اـزـ اـرـکـانـ اـیـمـانـ وـ عـقـیدـ مـؤـمنـ رـاـ تـشـکـیـلـ مـیدـهـدـ.

اللهـ(عـزـوـجلـ)ـ آـسـانـتـرـینـ وـ بـهـترـینـ طـرـیـقـ حـمـدـ وـ سـتـایـشـ خـودـ رـاـ بـهـ بـنـدـگـانـ خـودـ تـعـلـیـمـ دـادـهـ وـ فـرمـودـهـ استـ:ـ (الـحـمـدـللـهـ رـبـ الـعـالـمـینـ)ـ هـمـهـ سـتـایـشـ خـاصـ بـرـایـ اللهـ اـسـتـ،ـ پـرـورـدـگـارـ عـالـمـ هـاـ)ـ اـیـنـ کـلـمـاتـ قدـسـیـ اـزـ کـلـامـ رـبـ الـعـالـمـینـ تـاـ چـهـ حـدـ مـؤـجزـ،ـ مـعـجـزـ،ـ خـفـیـفـ وـ لـطـیـفـ کـهـ نـطـقـ آـسـانـ وـ زـبـانـ مـؤـمنـ رـاـ پـاـکـ مـیـ نـمـایـدـ وـ بـهـ آـنـ لـذـتـ وـ حـلـاوـتـ مـیـ بـخـشـدـ وـ قـلـبـ مـؤـمنـ رـاـ روـشـنـ وـ آـرـامـ مـیـ سـازـدـ،ـ درـ عـینـ حالـ اـیـنـ کـلـمـاتـ بـکـدـامـ پـیـمانـهـ بـاـ اـعـجـازـ وـ حـاوـیـ عـظـمـتـ وـ مـقـامـ الـوـهـیـتـ(الـلـهــ عـزـوـجلـ)ـ وـ پـهـنـایـ رـبـوـبـیـتـ رـبـ الـعـالـمـینـ اـسـتـ،ـ درـ هـمـیـنـ اـیـجـازـ وـ اـعـجـازـ الـهـیـ اـسـمـ اـعـظـمـ پـرـورـدـگـارـ(الـلـهـ)ـ ذـکـرـ شـدـهـ وـ (رـبـ الـعـالـمـینـ)ـ بـیـانـ رـبـوـبـیـتـ پـرـورـدـگـارـ بـاـ ذـکـرـ اـسـمـ(رـبـ)ـ اوـلـینـ نـامـ پـرـورـدـگـارـ جـهـانـ هـاـ اـسـتـ کـهـ بـهـ سـمعـ بـنـیـ آـدـمـ رـسـیـدـهـ وـ نـسلـ آـدـمـ درـ عـالـمـ اـرـوـاحـ بـهـ آـنـ آـشـنـایـیـ یـافـتـهـ اـسـتـ،ـ رـبـ الـعـالـمـینـ درـ آـیـهـ کـرـیـمـهـ "۱۷۲ـ سـوـرـةـ اـعـرـافـ مـیـفـرـمـایـدـ:ـ "وـإـذـ أـخـدـ رـبـلـكـ مـنـ بـنـيـ آـدـمـ مـنـ ظـهـورـهـمـ دـُرـيـتـهـمـ وـأـشـهـدـهـمـ عـلـىـ أـنـفـسـهـمـ أـلـسـتـ بـرـبـكـمـ قـالـوـاـ بـلـیـ شـهـدـنـاـ أـنـ تـقـولـوـ أـنـ تـقـولـوـ يـوـمـ الـقـيـامـةـ إـنـاـ كـنـاـ عـنـ هـذـاـ غـافـلـینــ .ـ وـ(بـیـادـ آـوـرـ اـیـ پـیـغمـبـرــ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـسـلـمـ)ـ

هنگامیکه پروردگارت از پُشت های فرزندان آدم ذریه(فرزندان) آنها را بر گرفت (پدید آورد) و ایشانرا بر خود شان گواه ساخت (و فرمود: آیا من (رب) پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی، گواهی میدهیم (که تو پروردگار ما هستی، این گواهی در عالم حقیقت و یا ارواح بخاطر آن بود تا مبادا) در روز قیامت بگوئید که ما واقعاً "ازین امر (پیمان و گواهی توحید) غافل بودیم"

در اولین وحی الهی و نخستین پیام نبوت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- (اقرأ باسم ربک الذي خلق...) کلمه مبارک (رب) دو بار ذکر شده و با اضافت آن به (کاف) خطاب پروردگار مهربان مخاطب محظوظ خود محمد مصطفی -علیه الصلاه والسلام- را مورد نوازش و محبت الهی قرار میدهد، و چون (ربوبیت) رب العالمین تربیه و نوازش ، خلقت و انعام ، اکرام و احسان وسایر مظاہر رحمت و عطای پروردگار را احتوا می کند، ذکر آن قبل از اسم مبارک و اعظم (الله) وارد شده و (الوهیت) یعنی معبدیت برحق الله و عظمت و قدرت و کبریائی اوتعالی در نتیجه روییت و نیز در اثر ایمان بذات معبد برحق (الله عزوجل) بنده را که با فطرت ایمان خلق شده است در حالت عقل و ادراک و رشد به عبادت (الله- جل جلاله) و امیدار و بنده احساس می کند که به (رب العالمین و الله عزوجل) ایمان راسخ دارد، و رسیدن به چنین مرتبه ایمان از طریق معرفت و آشنائی به مفهوم نام های مبارک (رب- و- الله) میسر میگردد. نام ها و صفات جلال و جمال و کمال پروردگار (عزوجل) که تجلیء معانی آن خطاب و نیاز بنده را به مقام پروردگارش آسان و روشن می سازد، بنده از نور معرفت اسماء و صفات الله (جل جلاله)، خالق و رازق و پروردگار خود را می شناسد، و به هر آنچه که پروردگارش از وی خواسته است معرفت حاصل می نماید. نام های الله- تبارک و تعالی- به عنوان (اسماء الله الحُسْنَى- الاسماء الحُسْنَى- نیکو ترین نام ها) یاد شده کلمه (اسماء) جمع (اسم) است و اسم همان لفظی است که بر مُسمی و یا به معنی و مفهومی دلالت می کند و کلمه (الحُسْنَى) مؤنث (الاحسن) به معنی بهترین یا نیکو ترین است، زیبائی و نیکو بودن اسماء و یا عدم آن بسته به حُسن معانی و جمال مفاهیم آن و یا به عدم حسن و جمال معانی و مدلولات اسماء می باشد، اسمای خوب و بد به اساس حُسن و قبح معانی آن وجود دارد، اما به ارتباط نام های مبارک (الله) از آنجا که نام ها و صفات اوتعالی حاوی معانی و صفات جمال و کمال مطلق رب العالمین است و آثار آن در کائنات پروردگار آشکارا دیده می شود، طبیعت و خلقت بدیع و زیبا دلیل کمال و جمال صفات آفریدگار مُبدع است، بناء" در مورد اسماء و صفات (الله- عزوجل) بجز وصف (احسن و حُسنی- زیباترین و نیکوترین) وصف دگری وارد شده نمیتواند.

الأسماء الحسنة در قرآن کریم:

عنوان (الأسماء الحسنة) به وصف نام‌ها وصفات (الله - عزوجل) در چهار سوره قرآن کریم به این شرح ذکر شده است:

۱- (سوره اعراف - آیه ۱۸۰) وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَدَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيِّجْرَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - وخاص برای الله - عزوجل - نیکوترين نام‌ها است، پس (هنگام ندا و تضرع و دعا) او تعالی را به همان نام‌ها یاد کنید، و کسانی را که در نام‌های او (جل جلاله) انحراف و تحریف می‌کنند ترک بگوئید، بزودی آنها بجزای اعمال شان خواهند رسید.

ازین آیه مبارکه چند مطلب قابل درک است:

الف - بهترین و زیباترین و نیکوترين نام‌ها مخصوص الله - عزوجل - می باشد.

ب - نام‌های الله بهترین معانی و نیکوترين مفاهيم را احتوا می کند.

ج - بنده در حالت حمد و ستایش و یا راز و نیاز می‌تواند بهریک یا چند نام از اسمای حسنی پروردگار خود را یاد کند.

د - کسانیکه در نام‌های خداوند تحریف و یا از صدق و حق انحراف نموده اند چنانکه مشرکین نام‌های

خدایان باطل و بُت هایشانرا از نام‌های مبارک الله با تحریف و انحراف مشتق نموده اند و نام‌های (لات و عزی و منات را از الله و عزیز و منان) گرفته بودند، اینچنین کجروان و منحرفین از توجه بندگان مؤمن بدور رانده شوند و به جزای اعمال شان رسیدنی هستند.

۲- (سوره إسراء - آیه ۱۱۰) قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيَّاً مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ . بگو (ای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - !) الله را بخواهید یا رحمان را ، (هردو مخصوص ذات پاک الله است) بهر کدام او تعالی را بخواهید و بخواهید (مانعی ندارد) و او (جل جلاله) دارای نام‌های نیکو و بهترین نام‌ها است. دعا به پیشگاه پروردگار و یاد الله به ذکر یک یا چند نام از اسماء حسنی صورت گرفته می‌تواند. در میان اسمای حسنی نام (الله - رحمان) که در آیه مبارکه مقارن یکدیگر ذکر شده است خصوصیت خاص دارد؛

(الله اسم علم ذات اقدس متعال معبد بحق و مختص بذات الله است و لفظ(الله) از نظر قواعد صرف عربی تثنیه و جمع ندارد و همیشه مفرد و به جز الله به غير الله تعلق نمی گیرد. و (رحمان) صیغه مبالغه در رحمت بمعنى رحمت بزرگ و اسم عام جميع انواع رحمت و اسم مختص به الله سبحانه و تعالى است و تسمیه هیچ مخلوق به اسم(رحمان) جواز ندارد، و نیز رحمان لفظ مفرد و غير قابل تثنیه و جمع است، سائر اسمای حسنی این خصوصیت راندارند.

۳- (سورة طه آیه ۸) الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنی - الله - نیست معبدی بحق بجز او(تعالی) خاص برای او است بهترین و نیکوترين نام ها، از آغاز این سوره مبارکه که آیه اول آن فقط همین دو حرف (طه - طاها) از رموز اعجاز قرآن کریم است تا ختم آیه مبارکه هشتم که به (له الأسماء الحسنی) خاتمه میابد مطالب معجز به ارتباط قدسیت و مقام و اهداف نزول قرآن کریم و نیز عظمت و کمال قدرت مطلق خالق زمین و آسمان ها و مالک کائنات و دارنده بهترین نامها، الله (جلت عظمته) بیان شده است، آیه مبارکه شماره (۸) توحید الله عزوجل - را با وصف یگانه معبد بحق و دارای نیکوترين نام ها ثابت می سازد.

اعجاز لفظی و روحی وقدسیت و عظمت مفاهیم کلمات و آیات این سوره مبارکه (مخصوصاً "هشت آیه اول آن) عمر فاروق - رضی الله عنہ - را از دشمن ترین حالت بدوسیت ترین و بازوی نیرومند رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم) تبدیل نمود و در روزیکه عمر بن الخطاب رض به قصد قتل پیامبر اکرم (ص) برآمده بود همین آیات معجز سوره (طه) قلب سنگ و تاریک عمر رانم و روشن ساخت و عمر دشمن، عمر فاروق - رضی الله عنہ، شد.

۴- (سورة حشر - آیه ۲۴ ختم سوره) هُوَ اللَّهُ الْحَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْخُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَاٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ .

او الله است، خالق (اندازه گیرنده همه چیز بر وفق اراده و مشیت او تعالی) آفریدگار کائنات، صورتگر و نقش آفرین جهان، دارنده زیبا ترین و نیکوترين نام ها، هر آنچه که در آسمان ها و زمین است تسبیح و تقدیس او تعالی را میگویند، او (جلت قدرته) غالب مقتدر (در همه احوال) با حکمت و تدبیر (در همه امور) است.

تسبیح و تقدیس و به پاکی و عظمت یاد نمودن الله (تبارک و تعالی) در قرآن کریم با ذکر کلمه (اسم) الله و بدون ذکر آن وارد شده است.

چنانکه در همین آیه کریمه(۴) سوره حشر لفظ (یسّح له) بدون ذکر اسم- ادای تسبیح و تعظیم او تعالی را افاده می کند، اما در آیه کریمه(فَسَيِّخْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ- الواقعه ۷۴ و ۹۶) خداوند بر پیامبر اکرم امر میفرماید که : تسبیح و تعظیم پروردگارت را که بزرگ است با ذکر نام او تعالی ادا نما - و در سورة (اعلی ۱-۱) خداوند کریم بر پیغمبر(ص) امر میفرماید (سبح اسم ربک الأعلی) تسبیح و تقدیس نام پروردگارت را که اعلی و بزرگ است انجام بدہ.

بانزول آیه(فَسَيِّخْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ) رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- فرمودند: آنرا در رکوع خود قرار دهید، و با نزول آیه(سبح اسم ربک الأعلی) فرمودند: آنرا در سجود خود قرار دهید، از همین رو امت محمدی - صلی الله علیه وسلم- هنگام رکوع در نماز (سبحان ربی العظیم) و در سجود نماز (سبحان ربی الأعلی) میگویند. در هردو صورت کلمه(اسم) در تسبیحات رکوع و سجود ذکر نمی شود، و این میرساند که مراد از اسم در چنین موارد و معانی اسمای حسنی ذات مسمی است چنانکه(الله) هم اسم است و هم مسمی، بروایت امام بخاری(رح) از ابن عباس - رضی الله عنهم- در باره (و كان الله عزيزا" حکیما- و- غفورا" رحیما) پرسیده شد فرمود: او تعالی خود را به آن (نام ها) مسمی ساخت و او تعالی چنان هست، پس نامهای خداوند از جانب خداوند وضع شده و بما از طریق وحی جلی در قرآن کریم و وحی خفی در سنت نبوی- صلی الله علیه وسلم - رسیده است و اطلاق هیچ نام برای الله تعالی در خارج از آنچه که در قرآن و سنت ذکر شده است جواز ندارد، و این دلیل آنست که نام های الله و معانی الأسماء الحسنی قدیم است و توقیفی یعنی متوقف به ورود آن در نصوص قرآنکریم و سنت نبوی است، شناسائی و دانستن نام های الله بخشی از عقیده اسلامی و ضرورت ایمان به الله در هر سه شعبه ایمان (الوهیت و ربویت و ایمان به اسماء و صفات الله) است . ذکر الله ، عبادت الله و محبت الله و دُعا و تضرع ببارگاه الله از طریق همین اسماء الله الحسنی صورت میگیرد و خطاب الله بکدام اسم خارج از اسمای مذکور در نصوص قرآن کریم و سنت نبوی (ص) ولو از لحاظ معنی مرادف یکی از اسمای حسنی باشد جواز ندارد مثلا" ما می توانیم در دعا به پروردگار خود: یا کریم یا جواد! بگوئیم مگر نمیتوانیم بگوئیم: یا سخی، یا سخاوتمند !

ترجمه معانی الأسماء الحسنی:

از آنجا که بهترین نام های الله کلمات قرآنی و الفاظ مربوط به وحی الهی است و دارای خصوصیت اعجاز و اشکال فنی لغوی خاص می باشد ترجمة کامل آن بزبان های غیر عربی ممکن نیست و اگر این کار ممکن می بود بلاغت و فصاحت و قدسیت و عظمت الفاظ قرآن و اعجاز لفظی و معنوی آن از بین میرفت. هرگاه خواسته باشیم (بسم الله الرحمن الرحيم) را که حاوی سه نام بزرگ الله است به فارسی ترجمه کنیم و بگوئیم (بنام خداوند بخشندۀ مهریان) این ترجمة، معنی کامل الفاظ و نظم کلمات (بسم الله الرحمن الرحيم) را افاده نمی کند - کلمه (خداوند) معادل (الله) شده نمیتواند و نیز (بخشاینده مهریان) مفهوم کامل (الرحمن الرحيم) را افاده نمی کند - در خصوصیت و اعجاز لفظ (الله و رحمان) قبلًا در شرح مختصر (آیه ۱۱۰ - سوره اسراء - قل اذْعُوا اللَّهَ أَوِ اذْعُوا الرَّحْمَنَ) تذکر به عمل آمد اما (رحم) با رحمان فرق دارد و رحیم هم به معنی راحم و صاحب رحمت دائمی و هم به معنی مرحوم (رحمت شده) و هم به معنی (رحم) یعنی قربت وارد شده و قابلیت تشیه و جمع را دارد و در حالیکه از نام های خداوند است اما تسمیه مخلوق هم بنام رحیم جواز دارد با فهم اینکه خداوند رحیم به معنی کامل و مطلق بوده و بنده به مفهوم محدود رحیم یا مرحوم یا دارای رحم یا قربت شده می تواند ، اما نام های (الله و رحمان) طوریکه قبلًا توضیح شده است بكلی فرق دارند و تسمیه هیچ مخلوق به این دو نام جواز ندارد و لفظ (الله و رحمان) هر کدام مفرد و غیر قابل تشیه و جمع و هردو نام مخصوص الله (عز وجل) می باشد.

بناء" عبارت (بنام خداوند بخشاینده مهریان) ترجمة کامل (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) نبوده بل به خاطر ضرورت و تسهیل استفاده ناطقین بزبان های غیر عربی ترجمة برخی از اجزای معانی (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) و دیگر الفاظ قرآنی جواز دارد و عبارت (بنام خداوند بخشاینده مهریان) از همین قبیل است، پس ترجمة قرآن که اسماء الله الحسنی نیز از الفاظ قرآنی است عبارت از تعبیر برخی از معانی الفاظ قرآن در حدود درک و فهم مترجم است که بزبان دیگر افاده میشود و ترجمه به هیچ صورت قرآن گفته نمیشود و حتی اگر آن تعبیر معانی قرآن بزبان عربی به غیر الفاظ قرآن باشد آنهم قرآن نیست و اگر کسی یک ترجمه را قصد "بحیث قرآن بشناسد این خود نوعی از تحریف مفهوم قرآن است و قرآن در چنین موارد وعید بسیار شدید دارد.

تحقیق تعداد و تحدید آسماء الله الحسنی (بهترین نام های الله)

- طوریکه قبله" ذکر شد اسمای نیکوی الله(عزّوجل) در نصوص قرآن کریم و احادیث صحیح رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- وارد شده و از آنجا که اکثر اسماء صبغة صفت الله(سبحانه و تعالی) را دارند و نیز از بیان مظاهر قدرت، فعل، خلق و تقدیر الهی برخی اسماء و صفات او تعالی متجلی میگردد و این مفاهیم در سرتاسر نصوص قرآن و سنت منتشر و شایع گردیده است از آنرو در تحدید نام‌ها و تعداد مجموعی آن نظریات علمی مختلف وجود دارد.

"بروایت ابوهریره- رضی الله عنه- رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: (انَّ اللَّهَ تَسْعَهُ وَتَسْعِينَ أَسْمَاءً مِّائَةَ إِلَّا وَاحِدًا)، من احصاؤها دخل الجنه) صحیح البخاری (۲۷۳۶). به تحقیق الله (عزّوجل) نود و نه نام دارد، یک کمتر از یکصد نام، هر کسی که به شمار و حفظ و تفکر در معانی آن پردازد داخل بهشت گردد.

در انجام این حدیث مبارک ترمذی و حاکم از طریق الولید بن مسلم از شعیب نود و نه اسم از اسماء الحسنی را ذکر نموده اند و این میرساند که رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- بعد از بیان تعداد اسماء و رقم (۹۹) هر یک آن نام هارا تحدید و تعیین نفرموده اند و چون نام‌ها در نصوص قرآن کریم و احادیث صحیح وجود دارد ترمذی و سائر علماء به جمع و تحدید اسماء هر کدام به اساس برداشت و استفاده و استفاده خود از نصوص قرآن و سنت فهرستی از بهترین نام‌های الهی را ترتیب داده اند و به اینصورت از یکسو فهرست نام‌ها به نودونه منحصر نمانده و از جانب دیگر در اصل و الفاظ نامها نیز تفاوت دیده می‌شود.

اکثر دانشمندان و مفسرین در مورد هشتاد نام که در قرآن کریم به صورت مکرر و با وضاحت تمام وارد شده اند اتفاق کامل دارند و تفاوت در اشتقاق نام‌ها از الفاظ قرآن کریم و یا ورود آن در احادیث نبوی به عمل آمده است، برخی از علمای علوم قرآن در عدد (۹۹) نیز موافقت دارند اما در فهرست آن (۹۹) تفاوت در نام‌ها دیده می‌شود.

"مثلاً" (رب العالمين) در یک جدول اسماء وجود دارد و در دیگری موجود نیست و یا در یک فهرست اسم (الملک) وارد شده و در فهرست دیگر (الملک-المليك-مالك يوم الدين) آمده است، در یک جدول نام های (قادر، مقتدر) ذکر شده اما (قادر) ثبت نشده ولی در یک فهرست دیگر (قادر- مقتدر- وقدیر) هرسه نام ذکر شده است، این دانشمندان باوجود تفاوت در ایراد نام ها در مجموع (۹۹) اتفاق دارند اما برخی از علماء از جمله (ابن العربي) تا (۱۷۶) نام و برخی از علماء معاصر تا (۲۹۰) نام از الفاظ قرآن کریم استخراج نموده اند.

ازین مطالعه بر میآید که عدد (۹۹) برای تحدید و انحصار نبوده بل به منظور تشویق در حفظ و تفکر در مفاهیم آن ذکر شده است، و مراد حدیث چنین است که: اگر کسی از میان نام های زیاد الله تبارک و تعالی (۹۹) نام را حفظ کند داخل بهشت میگردد.

و سعیت ساحة الأسماء الحسنی (نیکوترین نام های الله عز وجل) در دعای رفع غم و اندوه که بروایت امام احمد و صحیح ابن حبان عبدالله بن مسعود- رضی الله عنه- از رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- نقل نموده به وضاحت منعکس شده است:

متن دعای رفع غم و اندوه: اللهم انى عبدك ، ابن عبدك ، ابن امتك ، ناصيتي بيديك ، ما ض في حكمك ،
عدل في قضاؤك ، أسألك بكل اسم هولك ، سميت به نفسك ، او انزلته في كتابك ، او علمته احدا من
خلقك او استأثرت به في علم الغيب عندك ، ان تجعل القرآن العظيم ربيع قلبي ، و نور صدري ، وجلاء حزني و
ذهاب همي -

الله: من بندة توام، فرزند بندة تو، فرزند کنیز تو، سرمن (زندگی و سرنوشت من) در دست قدرت تو است،
فرمان تو در حق من قطعی و نافذ است، حکم و امر تو در حق من عدالت است، از تو مسئلت دارم، به (حرمت)
هرنام تو که خود را به آن مسمی فرموده ای، یا آنرا در کتاب خود نازل کرده ای، یا آنرا به یکی از مخلوق خود
تعلیم داده ای، یا آنرا در علم غیب نزد خود برگزیده ای (از تو میخواهم) که قرآن عظیم را بهار قلب من و نور
سینه من و دوری غم و نابودی اندوه من بگردانی.

اسماء الله الحسنى (نام های نیکوی الله) در حالیکه از لحاظ تعداد ، محدود نمی باشد اما در تشخیص نامها ضوابط و قواعدی وجود دارد، و از جمله وجوب موصوف بودن (اسم الله) به صفت حسن و جمال و کمال است و هر اسمی که در مسمی صفت کمال و جلال و جمال را افاده نه نماید نام الله بوده نمیتواند و آیه کریمه (ولله الأسماء الحسنى) همین وصف و کمال را مخصوص نام های الله میداند و مفهوم حسن و کمال در نام های الله ذکر صفات کمال و اوصاف جلال و عظمت و حمد و شنا و تعظیم الله است و مطابق آن الله (عزوجل) از همه چیز و همه مخلوق بی نیاز است و همه چیز و همه مخلوق نیاز مند او تعالی است.

از خصوصیت نام های نیکوی الله تعبیر بندگی و عبادت بندگان و اضافت کلمه (عبد) به نام های الله است مانند: عبدالله- عبدالرحمان- عبدالقيوم.... و این نوع تعبیر در غیر نام های نیکوی الله جواز ندارد مثلاً "درست نیست اگر گفته شود: عبد القائم- عبد القاضی، عبد المهنـدـس..... همچنان دعا و تضرع به بارگاه الله که بذکر اسمای الله و صفات کمال و جلال او تعالی صورت می گیرد ایجاب همین ضوابط و قواعد را می نماید. در ذکر نام های نیکوی الله از طریق اشتقاق از الفاظ قرآن کریم، علمای علوم قرآن این ضوابط را درنظر گرفته اند.

برخی از نام های الله - عزوجل - از طریق احادیث صحیح رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - داخل اسماء الله الحسنى گردیده و نام های: المنان- الدیان- الشافی- المحسن- المعطی- السبوح، ازان جمله می باشند، این اسماء به نظر بعضی از مفسرین از روی اشتقاق از الفاظ قرآن کریم نیز تثبیت شده می تواند.

شمار و شناخت و تفکر در مفاهیم اسماء الله الحسنى ایمان بنده را به پروردگارش قوی و راسخ میگردداند، بنده، خالق خود را می شناسد و ذکر و حفظ و فهم معانی اسماء و صفات الله (جل جلاله) بنده مؤمن را به حمد و ستایش و تعظیم و تمجید و محبت پروردگارش و امیدار و جلال و جمال و عظمت پروردگار در دل بندۀ مومن همواره ثابت و راسخ و پایدار میماند.

با این بیان مختصر از جمله چند جدول اسماء الله الحسنى دو فهرست نام های نیکوی الله - عزوجل - را انتخاب و در شرح مختصر (۹۹) نام از خلال همین دو جدول ویژتر مطابق روایت ترمذی که از همه مشهورتر است، به توفیق الهی می پردازیم:

اسماء الله الحسنى

نيكوترين نام های الله

-جل جلاله-

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

اللهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمِّنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَابُ الرَّزَاقُ
الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمَعْزُ الْمَذِيلُ السَّمِيعُ
الْبَصِيرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الْلَّطِيفُ الْخَيْرُ الْخَلِيمُ الْعَظِيمُ الْغَفُورُ
الشَّكُورُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْحَفِيقُ الْمُقِيتُ الْحَسِيبُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ
الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ الْوَاسِعُ الْحَكِيمُ الْوَدُودُ الْمَجِيدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيدُ الْحَقُّ
الْوَكِيلُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ الْمُحْصِي الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ الْمُحْيِي
الْمُمِيتُ الْحَيُّ الْقَيُومُ الْوَاحِدُ الْمَاجِدُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ
الْمُقَدَّمُ الْمُؤَخِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْوَالِيُّ الْمُتَعَالُ الْبَرُ التَّوَابُ
الْمُنَتَّقِمُ الْعَفُوُ الرَّءُوفُ مَالِكُ الْمُلْكُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الْمُقْسِطُ
الْجَامِعُ الْغَيِّيُّ الْمُغْنِيُّ الْمَانِعُ الْضَّارُ التَّافِعُ الْثُورُ الْهَادِيُّ الْبَدِيعُ الْبَاقِي
الْوَارِثُ الرَّشِيدُ الصَّابُورُ

أسماء الله الحسنى

٣. الرحيم	٢. الرحمن	١. الله الذي لا إله إلا هو
٦. مالك يوم الدين	٥. الملك	٤. رب العالمين
٩. السلام	٨. القدس	٧. الملك
١٢. العزيز	١١. المهيمن	١٠. المؤمن
١٥. الخالق	١٤. المتكبر	١٣. الجبار
١٨. الفاطر	١٧. الباري	١٦. الخلاق
٢١. الغفار	٢٠. الغافر	١٩. المصور
٢٤. القهار	٢٣. القاهر	٢٢. الغفور
٢٧. الفتاح	٢٦. الرزاق	٢٥. الوهاب
٣٠. العلام	٢٩. العليم	٢٨. العالم
٣٣. الحكيم	٣٢. البصير	٣١. السميع
٣٦. الخبير	٣٥. اللطيف	٣٤. الحكم
٣٩. الشاكر	٣٨. العظيم	٣٧. الحليم
٤٢. الأعلى	٤١. العلي	٤٠. الشكور
٤٥. الحافظ	٤٤. الكبير	٤٣. المتعالي
٤٨. الحبيب	٤٧. المقيت	٤٦. الحفيظ
٥١. المرقيب	٥٠. الأكرم	٤٩. الكريم
٥٤. الواسع	٥٣. المجيب	٥٢. القريب
٥٧. الشهيد	٥٦. المجيد	٥٥. الودود

٦٠. الحبيط	٥٩. المبين	٥٨. الحق
٦٣. المتنين	٦٢. القوي	٦١. الوكيل
٦٦. الحميد	٦٥. المولى	٦٤. الولي
٦٩. القيوم	٦٨. الحي	٦٧. الحسي
٧٢. الصمد	٧١. الأحد	٧٠. الواحد
٧٥. المقتدر	٧٤. القادر	٧٣. القدير
٧٨. الظاهر	٧٧. الآخر	٧٦. الأول
٨١. التواب	٨٠. البر	٧٩. الباطن
٨٤. الغني	٨٣. الرفوف	٨٢. العفو
٨٧. بديع السموات والأرض	٨٦. الهدادي	٨٥. النور
٩٠. الصادق	٨٩. الوارث	٨٨. النصير
٩٣. المستعان	٩٢. الكافي	٩١. الجامع
٩٦. الشافى	٩٥. الديان	٩٤. المنان

٩٧- المحسن

٩٨- المعطى

٩٩- السبوج

١١- بـ

هو الله الذي لا إله إلا هو

الله (جل جلاله)

(۱)

بزرگترین و معروف ترین و یگانه اسمی که الله تبارک و تعالی آنرا بذات اقدس خود تخصیص داده واولین اسمی که سائر اسمای زیبای الله به همین اسم اعظم (الله) حیثیت صفت آنرا دارند، الله اسم علّم ذات رب العالمین است، هیچ شک و اختلافی وجود ندارد که این اسم مبارک بجز ذات اقدس الهی کدام مسمای دیگر داشته باشد، الله مخصوص ذات الله است، شعار ایمان و کلید داخل شدن در دائرة توحید همین اسم اعظم (الله) است، در ذکر و دعای بنده به بارگاه پروردگار بلندترین مقام به همین اسم (الله) تعلق دارد، انتقال از کُفر به شرف اسلام از طریق (لا اله الا الله - و اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا" رسول الله) صورت میگیرد و هیچ اسم دیگر از اسمای نیکوی الله به عوض اسم (الله) در توحید و شهادت توحید مقام ذکر یافته نمیتواند چنانکه ممکن نیست بجای (لا اله الا الله - لا اله الا الرحمن) گفته شود، در حالیکه (الرحمن) نزدیکترین نام به (الله) است و بجز الله نام هیچ مخلوق بوده نمیتواند اما نسبت به (الله) حیثیت صفت خاص (الله) را دارد و تمام اسمای حسنی هم نام و هم صفت برای الله جل جلاله - است و الله یگانه اسم علم ذات واجب الوجود و رب العالمین است.

دروصف الله گفته میشود که: الله کریم است رحیم است و علیم است اما گفته نمیشود که: کریم الله است یا رحیم الله است - به جز (الله و رحمان) سائر اسمای حسنی به مخلوق الله نیز به معنای محدود اطلاق شده می تواند و خطاب کریم و رحیم و بصیر برای انسان جواز دارد در حالیکه عین کلمات در جمله اسمای حسنی شامل است البته به ارتباط نام های الله معانی این کلمات مطلق و کامل و در مورد مخلوق محدود و ناقص می باشد.

اسم (الله) در اصل از کلمه (الله) مشتق گردیده است، همزه وسط کلمه بخاطر تخفیف حذف شده و دو لام بهم جمع و لام اول به لام دوم ادغام شد و لفظ جلاله (الله) تلفظ گردید.

کلمه(الله) از نظر لغت به معنی (مألوه) یعنی معبود و قابل عبادت و پرستش وارد شده و چون کلمه از لحاظ صرف عربی تثنیه و جمع دارد (الهین و آلهه) از آنرو (آلهه) به معبودان باطل بت پرستان و مشرکین اطلاق گردید و (الله) بر حق و واحد ذات اقدس (الله) عزوجل می باشد.

این مطلب در آیه ۱۶۳ سوره بقره ذکر شده (وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ - وَمَعْبُودٌ شَمَامَعْبُودٍ يَكْتَأْسِتُ، نِيَسْتُ مَعْبُودٍ بِجزِّ اُوتَعَالِيٍّ كَه بخشايندۀ مهربان است) اسم اعظم (الله) که اسم علم مفرد و مختص به معبود بحق (الله) است و الله - عزوجل - آنرا خودش بخود تخصیص داده است، الله سبحانه و تعالی - هنگامیکه ذات اقدس خود را به موسی - عليه السلام - معرفی مینمود فرمود: (إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي - طه ۱۴ - به تحقیق من الله هستم، هیچ معبودی بحق جز من نیست پس مرا عبادت کن) و خطاب به رسول اکرم محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - فرمود (فَلَمْ يَكُنْ لِّلَّهِ أَحَدٌ - اخلاص - بگو او الله، یکتا و یگانه و لاشریک است)

اسم (الله) لفظ مفرد و مختص بذات رب العالمین است و قابلیت تثنیه و جمع ندارد و مفهوم آن یگانه معبود بحق و تنها مستحق عبادت است و هیچ معبودی غیر اوتعالی نیست و هر عبادت به غیر اوتعالی باطل است، این مفهوم در آیات کریمه (الله لا اله الا هو - و الله لا اله الا هو الحی القيوم) به صورت مکرر تاکید شده است.

تخصیص مقام الوهیت و ربوبیت و مفاهیم تمام نام های زیبای الله - عزوجل - به نحوی بسته به مفهوم اسم اعظم (الله) است و الله، اساس اسماء و اوصاف و افعال خالق آسمان ها و زمین و کائنات است.

در اسم (الله) برخی از علماء خصوصیات لطیفی ذکر نموده اند، از قبیل: هرگاه حرف (الف) از اسم (الله) حذف شود، بقیه (الله) می باشد که آنهم مفهوم (خاص برای الله) را افاده می کند چنانچه در آیه کریمه (الله مافی السموات وما فی الارض) این مفهوم آشکار است، و اگر از لفظ باقیمانده لام اول (ادغام شده) حذف شود به صورت (له) باقی میماند و آنهم مفهوم (خاص برای او یعنی (الله) را افاده می کند مانند (له ملک السموات والارض) و هرگاه لام دوم هم حذف شود آنگاه (هو) با اضافت (واو) زائد بدست میآید و آنهم ضمیر راجع به (الله) است مانند (قل هو الله احد).

دعا و تضرع به بارگاه الله(جل جلاله):

در دعاو تضرع و عجز و نیاز ببارگاه الله -عز وجل - در الفاظ قرآن کریم و احادیث نبوی(ص) لفظ (الله) مکرر ذکر شده است و معنی(الله) یا الله ! است که هنگام طلب و آرزو و اظهار عجز و بندگی و اقرار قدرت و عظمت الله -عز وجل - بکار برده می شود(قل اللَّهُمَّ مَا لَكَ مِنْ شَاءٍ إِلَّا مُلْكُكَ تُؤْتِي مُلْكَكَ مَنْ شَاءَ... آل عمران/۲۶) اسم (الله) در رأس اسماء الله الحسنی و اساس تمام اسماء الله بیشتر از هر اسم دیگر در قرآنکریم ذکر شده و (۲۷۲۴) بار در کلام الله مجید وارد شده است.

با بیان مختصر اسم اعظم (الله) و دعای(الله) این دعای رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم - را هر کدام در حق خود ببارگاه پروردگار مهریان عرضه میداریم:

"اللَّهُمَّ اجْعِلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا، وَعَنْ يَسَارِي نُورًا، وَتَحْتِي نُورًا، وَأَمَامِي نُورًا، واجعل لی نورا"- صحیح البخاری/۳۱۱۶

اللهی ! یا الله! در قلب من نور یغروز (قلب مرا روشن بساز) و از جانب راست من نور و از طرف چپ من نور (عنایت بفرما) در زیر(پای) من نور و پیش روی من نور و برای خودم نور ارزانی بفرما (مرا از هر جهت در پناه امن و نور رحمت خود نگهدار) آمین

برحمتك يا ارحم الراحمين

الله (جل جلاله)

الرحمن ، الرحيم

(٢) - (٣)

رحم و رحیم دو اسم از اسماء الله الحسنی و در عین حال دو صفت از صفات الله - عزوجل - می باشد، در باره این دو اسم و صفت قبله" در شرح ایه(۱۱۰ سوره اسراء: قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ) و نیز در بحث (ترجمه معانی الاسماء الحسنی) بیان مختصری ایراد گردید، رحم و رحیم هردو از اصل (رحمت) است تقاض یافته و مفهوم رحمت در ساحة مخلوق همدردی و دلسوزی و رقت قلب و ترحم بر یکدیگر را افاده می کند اما پنهانی رحمت خالق شامل ساحة وسیع انعام و احسان الله - جل جلاله - به تمام مخلوق اعم از مؤمن و کافر و خوب و بد و سائر اجزای کائنات در دنیا بوده و در آخرت رحمت الهی نصیب مؤمنان می باشد، از آنجا که در اسم (رحم) مفهوم مبالغه در رحمت به معنی رحمت بزرگ و اسم عام جمیع انواع رحمت و انعام و احسان الهی وجود دارد، این اسم (رحم) مختص به الله سبحانه و تعالی گردیده و تسمیه هیچ مخلوقی بنام (رحمان) جواز ندارد، اما وصف و اسم (رحیم) با رحمان فرق دارد، الله رحیم مطلق و کامل است و بنده نیز رحیم به معنی راحم یا مرحوم و یادواری رحم یعنی قرابت بوده می تواند.

در وصف الله به (رحم و رحیم) مراتب تعظیم و تمجید و ستایش الله به عمل می آید و الله سبحانه و تعالی بر حمت خود طریق آسان و جامع حمد و ستایش خود را به بندگانش تعلیم داده و فرموده است: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حدیث صحیح فرموده است: هنگامیکه بنده (الحمد لله رب العالمین) بگویید، الله - جل جلاله - میفرماید: بنده من حمد و ثنای مرا گفت، و هنگامیکه بنده (الرحمن الرحیم) گفت، الله کریم و رحیم میفرماید: بنده من مرا ستایش کرد، ثنا و صفت مرا ادا نمود.

اسم (الرحمن) در قرآن عظیم(۵۷) بار ذکر شده اما اسم (رحیم) بیش از (۹۰) بار در کلام الله مجید وارد شده است.

الله (جل جلاله)

الملک

(۴)

ملک به معنی پادشاه و فرمانروای مالک همه چیز و متصرف و مقتدر در همه امور از جمله نامهای نیکوی الله - سبحانه و تعالی - می باشد و الله - عز وجل - در قرآن کریم به صورت مکرر خویشتن را به همین نام و وصف ذکر فرموده است:

- فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ - المؤمنون- ۱۱۶- الله بزرگ و والا مقام، پادشاه حقیقی و راستین است، هیچ معبدی (بحق) جز او نیست، صاحب عرش کریم است.

- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ - الناس- ۱- ۲- بگو (ای پیغمبر!) پناه می برم به پروردگار مردمان، به پادشاه، مالک و فرمانروای مردمان - صفت پادشاهی موقت و غیر واقعی در حیات دنیا نیز مشاهده میگردد و افرادی بنام پادشاه، امیر و رئیس مالک قصر هاو اموال و جاه و فرمان میگردند اما دو سرنوشت در انتظار شان است یا آن قصرها و اموال و جاه و فرمان به زوال مواجه می شوند و یا خود شان از میان میرونند و ملک و فرمان بدست دیگران میرسد و در آنجا نیز پایدار نخواهد بود. پادشاهی و فرمان الله - جل جلاله - به صورت مطلق شامل آسمان ها و زمین و همه اجزای کائنات باقدرت و تصرف کامل است (وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - المائدہ- ۱۷) فرمانروائی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است خاص برای الله است، هرچه بخواهد می آفریند، و الله بر همه چیز توانا است. این وصف پادشاهی راستین و فرمانروائی مطلق برای الله - عز وجل - به الفاظ : ملک - ملیک - مالک و مالک الملک یاد شده از جمله در آیات کریمه (قلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ... آل عمران ۲۶) و (فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عَنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ - القمر- ۵۵) و مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - الفاتحه) هر کدام این الفاظ به ارتباط عین مفهوم ذکر شده است ، البته پادشاهی روز جزا مخصوص ذات کبیرائی الله بوده و هیچ فرمانروائی دیگر در (یوم الدین) وجود ندارد و در روز قیامت الله ندا میفرماید (لمن الملک الیوم؟) و خود مالک الملک جواب میدهد (الله الواحد القهار - غافر- ۱۷)

کلمه (ملک) در قرآن کریم (۱۱) بار و (ملکا") دوبار، مالک و مالک الملک (۳) بار و (ملیک)

یکبار ذکر شده است.

الله (جل جلاله)

القدوس

(٥)

(القدوس) از جمله اسمای حسنی و نام های مبارکی است که الله- سبحانه و تعالى- خویشن را به بندگان خود به آن معرفی فرموده است: (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ ... الحشر - ٢٣) او الله ، ذاتی است که هیچ معبدی بحق جز او وجود ندارد، اوتعالی فرمانروا، پاک ، منزه، بی عیب و نقص است.

القدوس: به معنی مبارک، پاک از همه انواع نقص و عیب، و منزه از داشتن قرین و اولاد و امثال، و ممدوح به محاسن و فضائل و موصوف به صفات کمال و جلال است.

قدس به مفهوم طهارت و پاکی وارد شده و نام بیت المقدس به معنی، خانه و مکانی که مردم خویشن را از طریق عبادت دران و به یمن قدسیت آن پاک می سازند از همین کلمه گرفته شده است. جبرئیل- عليه السلام- بنام (روح القدس) یاد شده (وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ - البقره- ٨٧) بخاطریکه پاک خلق شده و فرشته نورانی است و قرآن پاک را از جانب الله- تبارک و تعالی- به قلب پاک رسول اکرم- صلی الله عليه وسلم- میرساند.

در انتخاب نام و وصف (قدوس) از جانب خداوند دعوت مخلوق و بندگان به تقدیس و تسبیح و تمجید الله- سبحانه و تعالی- است و این تقدیس و تسبیح و تمجید از جمله مقدسین عبادتی است که اهل زمین و آسمان ها و تمام اجزای کائنات به وسیله آن به تنظیم و تقدیس پروردگار شان می پردازند، (يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - الجمعة- ١-)

آنچه که در آسمان ها و زمین است به تسبیح و تقدیس الله مشغول اند، آن ذاتی که پادشاه حقیقی و فرمانروا، پاک و منزه، غالب و با حکمت است.

کلمه (القدوس) در قرآن کریم دوبار، و(المقدس) دوبار، و (روح القدس) چهار بار ذکر شده است.

الله (جل جلاله)

السلام

(٦)

از نام های مبارک و نیکوی الله - جل جلاله - السلام است (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ)

السَّلَامُ... الحشر (٢٣)

معنی سلام از نظر لغت: امان، اطمینان ، ارامش ، سلامت، نجات و صلح است، و الله السلام مفهوم سلامت از هر عیب و نقص، و صفت کمال او تعالی را در ذات وصفات وافعال افاده می کند، و الله السلام یعنی بخشاینده امن و سلامتی برای بندگان و مخلوق در دنیا و آخرت می باشد. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از سلام نماز که شعار برآمدن از شعائر نماز است همواره می گفتند: (اللهم انت السلام، و منك السلام، تبارکت ياذالجلال والاكرام - صحيح مسلم - ٥٩١)

الهی! تو سلام هستی، و سلام از جانب تو است. تو ای صاحب جلال و احسان (بر بندگان و مخلوق) چه بزرگ و بزرگوار و دارای برکات زیاد هستی، السلام بحیث نام و صفت الله - سبحانه و تعالی - به مفهوم سلام حقیقی و کامل و سلامت از هر نوع شریک و شبیه و نقص و عیب در الوهیت و ربوبیت و در اسماء و صفات او تعالی است، اما سلامت در مورد مخلوق و بندگان و حتی پیامبران به مفهوم نسبی و غیر کامل است و چون انسان طبیعتاً محتاج است و همه احتیاجات خود بخود بدست نمی آید و انسان در روابط فامیلی و اجتماعی و اقتصادی به سعی و تلاش ضرورت دارد، از آنرو سلامت و آرامش کامل در حیات دنیا که اصلاً "دارالسلام" نیست بلکه دار عمل و امتحان است میسر نخواهد بود و البته سلامت حقیقی برای انسان مؤمن در جنت نصیب خواهد شد و یکی از نام های بهشت (دارالسلام) است و پروردگار مهربان بندگان مؤمن خود را به دارالسلام (خانه امن و سلامت بهشت) دعوت میفرماید (وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ - یونس - ٢٥) کلام الهی و نظام و احکام الله و هر آنچه از جانب او تعالی رسیده است و میرسد سالم و کامل و بی عیب است، الله السلام دین مقدس و کامل و خاتم خود را بنام (اسلام) پسندیده است. کلمه (السلام) با مشتقات آن (١١٣) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

المؤمن

(٧)

الله - سبحانه و تعالى - در جمله اسمای حسنی و نیکوترين نام های خود اسم و وصف (مؤمن) را پسندیده است (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ - الحشر - ٢٣)

او الله ، آن ذاتی که هیچ معبدی بحق جز او نیست، او پادشاه حقیقی، پاک و منزه، سلام و مؤمن است. مؤمن از نظر لغت به امن و امان و تصدیق ارتباط دارد، مفهوم الله المؤمن پروردگار امان بخش و امن دهنده است، امن ضد خوف و آمن شخص دارای امن و راحت می باشد، و آیه کریمه (وَآمَنَهُمْ مِنْ حَوْفٍ - قریش - ٤) مفهوم امن بخشیدن پروردگار را افاده می کند.

معنی دیگر (المؤمن) تصدیق کننده و دارنده ایمان است و ایمان در تمام تعاریفات و مباحث خود از مفهوم تصدیق دور نخواهد بود.

مفهوم الله (المؤمن) و برخی از وجوه تصدیق الله - جل جلاله - :

۱- الله - سبحانه و تعالى توحید وصفات خود را تصدیق فرموده است ، چنانچه میفرماید: شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... آل عمران - ١٨) الله گواهی داده است به اینکه نیست معبدی بحق جز او تعالی.

۲- تصدیق رسالت پیامبران الله به وسیله آیات کریمه قرآن کریم و اظهار معجزات آنها و تأیید و نصرت پیامبران و عقوبت دشمنان و مخالفین و مجرمین رسالت ایشان.

۳- تصدیق بندگان مؤمن الله در روز قیامت - (اسماء الحسنی - د. عمر سلیمان) لفظ (المؤمن) بحیث نام نیکوی الله یکبار در سوره حشر ذکر گردیده اما مؤمن و ایمان و آمنوا و مؤمنین و مؤمنات وسائل مشتقات ایمان بیش از چهارصد بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

المُهَمِّمُ

(۸)

درجمله نام های نیکوی الله و أسماء الحسنی که الله (جل جلاله) آنرا بخود پسندیده است (المُهَمِّمُن) میباشد

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمِّمُ - الحشر - ۲۳)

او الله ، ذاتی که هیچ معبد بحق جز او نیست، پادشاه و فرمانروا، پاک و منزه، سالم از هر عیب و نقص، امان بخش و تصدیق کننده رسالت پیامبران و اعمال بندگان، حافظ، ناظر و مراقب امور خلق و کائنات است.

مهیمن به معنی دارای هیبت ، قدرت و رقابت و تصرف در امور است، اما مهیمن بحیث یکی از اسماء و اوصاف الله - سبحانه و تعالی - چنین تفسیر شده است که تمام اعمال، اقوال ، ارزاق و آمال خلق در دست تصرف و مراقبت و قدرت کامل الله - جلت قدرته - می باشد و این وصف و این کمال قدرت و علم به جز پروردگار و آفریدگار جهان هادر شخص یا مقام دیگری سراغ شده نمیتواند.

لفظ (المهیمن) یکبار در قرآنکریم در جمله اسماء الحسنی ذکر شده و یکبار دیگر به شکل (مهیمنا") به ارتباط جامعیت و حقانیت و امتیاز قرآن کریم وارد شده است: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَمِّمًا عَلَيْهِ ... المائدہ - ۴۸)

وبرتو (ای پیغمبر!) کتاب (قرآن) را بحق نازل کردیم، در حالیکه کتب پیشین را تصدیق می کند و شاهد و نگهبان (اصول و حقائق) آنها است.

الله - جل جلاله - شاهد و حافظ و مراقب احوال و امور خلق و کائنات است و کتاب الله (قرآن کریم) شاهد و حافظ حقائق و اصول اصلی کتب آسمانی پیشین است.

الله (جل جلاله)

الْعَزِيز

(٩)

الله تبارک و تعالی در سلسله اسماء الحسنی ذات اقدس خود را چنین معرفی میفرماید: **لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** – آل عمران ۱۸) نیست معبد بحق بجز اوتعالی که عزیز (غالب ، قوی) با حکمت است.

(وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ – الشعراe-٩) و به تحقیق پروردگار تو بدون شک عزیز(مقتدر، و توانا)مهربان است. و الله به صیغه امر فرموده است: (فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ – البقره- ٢٠٩) پس بدانید که الله غالب با حکمت است.

الْعَزِيز که نام مبارک و زیبای الله تعالی است معنی دارنده قوت، غلبه و رفت و اقتدار و امتناع را افاده میکند، این اوصاف مخصوص مقام پروردگار است و آن بندگان که الله خواسته باشد بخشی ازین عزت را به آنها عنایت فرماید، مانند این آیه کریمه: (وَلَلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ -المنافقون-٨) عزت و رفت خاص برای الله است و برای رسول او و برای مؤمنان، و لکن منافقین نمیدانند) درین آیه مبارکه تردید قاطع آن منافقین که عزت را به مال و جاه و اعتبارات دنیوی نسبت میدانند وارد شده و اختصاص عزت به مفهوم حقیقی به الله و اعطای عزت به رسول خدا و مؤمنان صالحان تأکید گردیده است.

عزت و عزت النفس با تکبر و غرور فرق دارد در عزت احساس به کرامت و مقام گرامی انسانیت است با فهم حقیقت نفس انسانی، اما در کبر و غرور انکار حقوق و ارزش ها و جهل انسان در حقیقت نفس انسانی است.

الله العزیز این نام مبارک خود را در کلام مجید مقارن (الحكيم) و یا مقارن (الرحیم) ذکر فرموده مانند آیه کریمه(وَإِنْ تَعْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ – المائدہ ۱۱۸) و آیه کریمه(وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ – الشعراe-٩) و این میرساند که عزت و قدرت الله عز وجل - مقرن به حکمت و عدالت و همچنان رحمت اوتعالی است.

لفظ (**الْعَزِيز**) و مشتقات آن بیش از یکصد بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

الجبار

(۱۰)

در همان آیه کریمه شماره (۲۳) سوره حشر (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ . . . الْجَبَارُ الْمُتَكَبِّرُ) الله -عز وجل-، نام و وصف جبار را بخود پسندیده است.

جبار مبالغه صاحب جبر است و جبر مقابل کسر به مفهوم اصلاح و جبران کسر و کمبود ضعفاء و بینایان و مظلومان و مریضان و محتاجان می باشد.

الجبار به اصل الاجبار نیز ارتباط دارد، و در اجرار خصوصیت قهر و شکوه و جبروت محسوس است و الله الجبار صاحب کبریاء و عظمت و قدرت مطلق تنفیذ اراده و تقدير خود است و امر الله جبار فقط یک کلمه مرکب از دو حرف (گن) در سرتاسر نظام هستی و خلق جهانها قابل تنفیذ می باشد.

در ساحة مکلفیت های شرعی و دینی، الله -عز وجل- نظام و شریعتی را که به بندگان خود پسندیده است در آن موارد اوامر و نواهی دارد و اطاعت اوامر پاداش و ترک آن عقوبت خواهد داشت. اما در فعل یا ترک یک امر دینی اجبار وجود ندارد، عظمت و شکوه و کبریائی الله جبار -عز وجل- همه اجزای کائنات را به شمول آسمان ها و زمین و آنچه که در میان آنها است در قبضة قدرت جبار خود قرار داده است (أَلَّا كُلُّ الْخَلْقُ وَالْأُمُرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ - الاعراف- ۵۴) آگاه باشد که آفرینش و تدبیر (جهان هستی) خاص برای او (بفرمان اول تعالی) است، پاک و با عظمت و دارای برکات فراوان است الله (الجبار) که پروردگار جهان ها است.

کلمه (جبار) نام و وصف بنده به مفهوم جبار بر نفس و شهوت و جبار بر شیطان در محل مدح واقع شده می تواند اما جبار به معنی متکبر و مغorer برای بنده صفت مذموم است.

کلمه (جبار) بحیث یکی از اسماء حسنی یکبار و به صورت عام ده بار در قرآن کریم ذکر شده است.

الله (جل جلاله)

المُتَكَبِّر

(۱۱)

المتكبر به معنی العظیم و ذوالکبریاء یعنی بزرگ و صاحب کبریاء و عظمت و برتر از صفات مخلوق و بندگان است و مفهوم کمال ذات و کمال وجود را افاده می کند و این وصف بجز ذات اقدس الله متعال به احدی سراغ شده نمیتواند، الله - سبحانه و تعالی - یگانه کامل و بزرگ در ذات و صفات و افعال خود بوده نام متكبر و صاحب کبریاء تنها سزاوار او تعالی است، او جل جلاله یکتا و یگانه است، شریک و مثال ندارد، او بی نیاز است و همه به او نیاز دارند، او تعالی فرموده است: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ...) و (وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - الجاثیه- ۳۷) و خاص برای او تعالی است عظمت و کبریائی در آسمان ها و زمین و او غالب توانا، با حکمت است.

به احدی غیر از ذات الله متعال جواز ندارد که خود را متكبر بداند زیرا صفت کمال در ذات و وجود در حق مخلوق وجود ندارد و انسان که در حقوق و کرامت انسانی باهم مساوات دارند، نمیتوانند بر یکدیگر اعمال تکبر نمایند و یا خود را شریک الله متكبر بدانند، در غیر آن و عید شدیدی در کتاب الله متعال در حق متكبرین وارد شده: (أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثُوَى لِلْمُتَكَبِّرِينَ - الزمر- ۶۰) آیا در جهنم جایگاهی برای متكبرین نیست؟

کلمه (المتكبر) در ردیف برخی از اسماء الله الحسنی در آیه(۲۳) سوره حشر ذکر شده است:

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ).

المتكبر بحیث نام و وصف الله متعال یکبار و در حق بندگان متكبر در مقام ذم و نکوهش شش بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

الخالق، الباري، المصوّر

(۱۲) (۱۳) (۱۴)

در آفرینش هستی و کائنات این سه نام و وصف پروردگار مفهوم بهم نزدیک دارند، خلق اشیاء تقدیر و اندازه گیری و طرح ایجاد مطابق اراده و مشیت خالق است، تنفیذ تقدیر خالق و ایجاد آنچه که خالق اشیا اراده فرموده است به اسم و وصف الباری تعلق می‌گیرد، صورت بخشیدن و نقش آفرینی و نظام تفصیلی جهان هستی واجزای کائنات به قدرت الله المصوّر صورت می‌گیرد.

هر سه نام و وصف الله- تبارک و تعالی - در آیه کریمه (۲۴) سوره حشر به همین ترتیب ذکر شده، (هُوَ اللَّهُ
الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...) او الله ، ذاتی است که خلقت اشیا و جهان هارا اراده و تقدیر فرموده، آفریدگار جهان هستی از حالت نیستی، شکل دهنده و صورت بخش جهان خلقت است، نیکو ترین نامها ازان او تعالی است.

دو نام دیگر در برخی از فهرست های اسماء حسنی در ردیف همین سه نام فوق ذکر شده و عبارت اند از: خالق و فاطر، خالق مبالغه خالق است و دلالت به کثرت مظاهر خلقت و قدرت خالق می نماید و در آیه کریمه (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَالَقُ الْعَلِيمُ -الحجر-۸۶) وصف خالق ذکر شده است.

فاطر نیز به معنی خالق است و در آغاز سوره فاطر این کلمه ذکر شده است (الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ...)

جهان خلقت و مظاهر آفرینش آفریدگار بزرگ پهنانی غیر قابل حساب و بالاتر از توان انسان است و با تمام عجز و تصرع و ایمان راسخ به این کلام معجز الهی پناه می بریم: (فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ- المؤمنون-۱۴).

الله (جل جلاله)

الغافر، الغفور، الغفار

(١٦) (١٥) (١٧)

رب العالمين - جل جلاله - در کتاب کریم خود در سلسله نام های نیکو و اوصاف کامله او تعالی سه نام (غافر - غفور - غفار) را از ماده (غفر و غفران) ذکر فرموده است، غفران به معنی ستر و پوشانیدن گناهان و بخشايش آن بوده (غافر الذنوب) بخشاينده گناهان می باشد. مفهوم ستر و بخشايدن گناهان در (غفور) بيشتر از (غافر) و در (غفار) بيشتر از غفور خواهد بود و (الغفار) مبالغه در غفران و بخشايش است و غفور و غفار هردو بسیار بخشاينده و كثیر الغفران می باشد و چنین وصف ستر و عفو گناهان بندگان به جز الله متعال در قدرت هیچ مخلوق نخواهد بود
(وَمَن يَعْفُرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ -آل عمران- ١٣٥) و كیست که گناهان را بیامرزد بجز الله متعال؟

هر سه نام (غافر، غفور و غفار) به صورت مکرر در آیات قرآن کریم وارد شده (غافر الذنوب و قابل التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذِي الطُّولِ - سورة غافر - ٣) الله، که بخشنده گناه و قبول کننده توبه، دارای عذاب سخت ، صاحب احسان و انعام است.

(إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ - البقرة- ١٩٩) به تحقیق الله بخشاينده مهربان است.

(اسْتَغْفِرُوا رَبِّكُمْ إِنَّهُ كَانَ عَفَّاً - نوح- ١٠) از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید، یقینا" که او تعالی بسیار آمرزنده است.

استفاده از دروس این نامهای مبارک بnde و خاصتا" بندگانه کار را و امیدارد تا از طریق توبه و استغفار و اعمال صالحه از بارگاه پروردگار بسیار آمرزنده طلب آمرزش کند و خصلت پوشانیدن گناه و عفو و گذشت را در روابط اجتماعی میان بندگان نیز رعایت نماید.

الله (جل جلاله)

القَهْرَ

(۱۸)

القاهر و القهار از اسماء الله الحسنى است، القهار مبالغة القاهر و ماخوذ از قهر و غلبه و سلطه و قدرت بزرگ می باشد، القاهر صاحب قهر و القهار دارای بسیار قهر به معنی استیلاء و قدرت مطلق بر همه چیز از صفات الله تعالى بوده و در آیات مبارکه قرآن کریم بارها تکرار شده است:

(وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْجَبِيرُ - الأنعام-۱۸) و او است الله، غالب و مقتدر بر بندگان خود و او است حکیم (در تدبیر امور) و آگاه (به همه احوال).

(قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ- الرعد-۱۶) بگو (ای محمد- صلی الله علیه وسلم- الله آفریننده همه چیز و ارعالی یکتا(و) صاحب قهر و قدرت بزرگ است.

وصف قاهر و قهار الله تعالى طغيان و تجاوز ستمنگاران و پادشاهان و رؤسای مستبد را درهم می شکند و قدرت انتقام و ظلم آنها را از بین می برد ، استعمال قهر و غلبه از جانب بندگان می باید که به ضد نفس اماره بالسوء و شهوت و طغيان نفس خود شان بکار بوده شود نه در مقابل ضعفاء و بیچارگان و مظلومان، که در آن صورت قهر الله قهار بسوقت شان رسیده سر ظلم شانرا به ذلت خم و دست تجاوز شانرا یکباره کوتاه خواهد ساخت.

کلمه (القاهر) دو بار و (القهار) شش بار در قرآن کریم ذکر شده است.

الله (جل جلاله)

الوهاب

(۱۹)

الوهاب مبالغه الواهب به معنی بخشنده و بسیار بخشنده از جمله اسماء الله الحسنی است و الله- عز وجل - آنرا بخود پسندیده و در کتاب کریم خود ذکر فرموده است: (وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ - آل عمران-۸) و بما از بارگاه خویش رحمت عنایت فرما، همانا توئی بسیار بخشنده.

بخشن (یا(به)) در روابط بشری اعطای چیزی بدون عوض و تمیلک آن به موهووب له است، اما عطا (یا و مواجب الله الوهاب حدود و قیود ندارد و او تعالی که مالک آسمان ها و زمین است و خزان و گنجینه های آسمان ها و زمین در دست تصرف او است بهر پیمانه که می بخشد در برابر رحمت و کبریائی او ناچیز است و هر اندازه از عطا (یا و مواجب او تعالی از خزانه ملک او کم نسازد.

از موابح الهی برای بندگانش موهبت حیات، عقل، قلب، سمع و بصر، طعام و شراب، فامیل و اولاد وسائل نعمت های الله الوهاب است، ذریه صالحه از موابح بزرگ او تعالی است و پروردگار بزرگ بر انبیاء عليهم السلام در برابر موهبت ذریه صالحه منت گذاشته و فرموده است (وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي دُرْرَتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ- العنكبوت-۲۷) وما به ابراهیم- عليه السلام، اسحاق و یعقوب- علیهم السلام- را عطا کردیم و در اولاد و خانواده او نبوت و کتاب (آسمانی) قرار دادیم. (وَوَهَبْنَا لِدَاؤُودَ سُلَيْمَانَ نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ- ص- ۳۰) ما به داؤود- عليه السلام- سلیمان- علیه السلام- را عطا کردیم، او بنده بسیار خوب بود، واقعا" که او بسیار توبه کننده بود. به ذکریا - علیه السلام- یحیی- علیه السلام- را عنایت فرمود (وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى- الأنبياء- ۹۰)

از کلام پروردگار این دعا و نیاز به بارگاه بی نیاز تقدیم است: (رَبَّنَا لَا تُرْغِبْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ- آل عمران-۸) ای پروردگار ما! دلهای مارا به باطل میل مده بعد از آنکه مارا هدایت فرمودی و بما از بارگاه خویش رحمت عنایت فرما، همانا توئی بسیار بخشنده.

الله (جل جلاله)

الرzaق

(٢٠)

الرزاقي مبالغة الرازي به معنى روزي دهنده و بسيار روزي بخش که نام و صفت الله متعال است و در قرآن کريیم بارها با مشتقات کلمه (رزاقي) ذکر شده است: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمُتَّيِّنُ - وَالذَّارِيَاتِ - ٥٨) به تحقيق الله، او خود بسيار روزي رسان، صاحب نيري کامل و قدرت مطلق می باشد، الله الرزاقي که خالق تمام مخلوقات و سائر اجزای کائنات است متکفل رزق و روزي تمام مخلوق زنده جان بوده و فرموده است: (وَمَا مِنْ دَائِيَةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا - هود-٦) و هیچ جانور و زنده جانی در زمین نیست مگر اینکه رزق و روزي او بر عهده الله روزي رسان است. (هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَإِنَّى تُؤْفَكُونَ - فاطر-٣) آيا غير از الله متعال کدام آفریدگاري وجود دارد که به شما از آسمان و زمین روزي برساند؟

(ابدا" موجود نیست) هیچ معبدی بحق جز او تعالی وجود ندارد، پس چگونه منحرف می شوید؟

در حالیکه الله متعال هم خلق نموده و هم رزق میدهد، آيا سزاوار عبادت نیست؟ یقینا" غير او تعالی احدي مستحق عبادت نمیباشد.

و سعی رزق و ضيقی آن هردو در دست قدرت الله است، و سعی رزق دلیل محبویت انسان نزد پروردگار و ضيقی رزق علامه عدم رضائیت او تعالی از بنده نمیباشد، بل هردو حالت برای امتحان بنده است، دارای زیاد و و سعی رزق گاهی سبب غرور و تکبر گردیده و نعمت خداوند سبب مصیبت میگردد و نیز ممکن است ضيقی رزق باصبر و تلاش مشروع بانجامد و خوشنودی الله رزاقي حاصل شود (اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ - الرعد-٢٦)

الله متعال روزي را برای هرکس که بخواهد فراوان و برای کسیکیه خواسته باشد ضيق و کم میگردنند. اندازه تلاش و مساعی هرکس از طریق کار بستن به اسباب و لوازم و عدم چنین تلاش و مساعی و پیمانه اعتماد به توفیق خداوند از جمله اسباب و سعی رزق خواهد بود.

الله (جل جلاله)

الفتاح

(۲۱)

الفتاح مبالغه فاتح و از ماده فتح به معنی گشایش، پیروزی، حکم و داوری میان مردم است.

الله - سبحانه و تعالی - نام و وصف (فتاح) را بخود پسندیده و در کلام مقدس خود آنرا ذکر فرموده است، در سوره سبا - آیه ۲۶ - می فرماید: (فَلَمْ يَجْمِعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحَ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ) (ای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - به کسانیکه درمورد حق با تو مجادله می کنند) بگو: پروردگار ما (در روز رستاخیز) مارا گردhem جمع می کند، سپس در میان ما بحق حکم میفرماید و او تعالی یگانه داور و حاکم دانا است.

از معانی اسم مبارک (الفتاح) چنانکه (الخطابی) می گوید: ذاتی که ابواب رحمت و رزق و روزی را برای بندگان خود می گشاید و دروازه های بسته از امور و احوال شانرا باز می کند و دلها و چشمان بصیرت شانرا برای پذیرش حق کشوده و روشن میدارد.

فتح ابواب رزق و رحمت الله کریم و رحیم بروی بندگان و سائر اجزای کائنات اسباب حیات، عزت و کرامت و صلاح و سعادت و هدایت و توفیق بندگان را فراهم می سازد.

داخل شدن ایمان در قلوب مؤمنان و صدور طاعت رحمان و اعمال صالحه از جانب بندگان از آثار فتح ابواب رحمت الهی است، با فتح ابواب علم پروردگار (الفتاح العلیم) سینه ها و قلوب بندگان خود را به نور دانش و علم روشن می سازد و رهنمائی مردم را برای آنها آسان می گردد.

الفتاح (الفتاح) در سوره فاطر - ۲ - میفرماید: (مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٌ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلٌ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . الله (الفتاح) هر (دوازه) رحمتی را که برای مردم بگشاید هیچکس نمیتواند آنرا بیندد، و آنچه که الله آنرا باز دارد و منع کند هیچکس جز او تعالی نمیتواند آنرا رها کند، و او (جل جلاله) توانا و با حکمت است. کلمه (الفتاح) در قرآن کریم یکبار و مشتقات لفظ (الفتح) بیش از (۳۰) بار تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

العليم

(٢٢)

به ارتباط نام و وصف (العليم) در برخی از تفاسیر و فهرست های اسماء الله الحسنی سه نام (العالیم- العلیم- العلام) ذکر شده است، و الله- سبحانه و تعالی- خویشن را بهر کدام این نام ها و اوصاف معرفی فرموده است: در سوره رعد- ٩- میفرماید: (عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ- الله دانای پنهان و عیان، بزرگ و برتر و والا و منزه است. در سوره بقره- ٢٤٤- فرموده است: (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ- و بدانید که الله شنوا، دانا است). در سوره توبه- ٧٨- میفرماید: أَمَّ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّمُ الْعُيُوبِ- آیا ندانسته بودند که الله به یقین اسرار و سخنان پنهانی آن "منافقین" را میداند؟ و بدون شک الله به همه غیب ها "اسرار و امور نهانی" بسیار دانا است). الله (العليم) در پنهانی علم الهی و احاطه کامل آن به تمام آنچه که در آسمان ها و زمین و در اعماق سینه ها است میفرماید: (وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا- الطلاق- ١٢- و بدون شک آگاهی وعلم الله همه چیز را فرا گرفته است) و همچنان فرموده است: (قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبَدُّوْ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- آل عمران- ٢٩- بگو" ای پیغمبر- صلی الله عليه وسلم- "اگر پنهان دارید آنچه که در دلهاش شما است یا آشکار سازید الله آنرا میداند و هر آنچه در آسمان ها و در زمین است خداوند به آن آگاه است، و الله بر همه چیز توانا است) الله کریم و علیم انسان و بندگان خود را نیز از نعمت (علم) بهره مند ساخته و بر آنها چنین منت میگذارد: (الرَّحْمَنُ عَلَمَ الْقُرْآنَ حَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَمَهُ الْبَيَانَ - الرحمن- ٤- الله بسیار مهربان، قرآن را تعلیم داد، انسان را بیافرید، به او بیان و سخن گفتن را آموخت) درجات علم و دانش بشری مشهود است و همیشه در توسعه دیده میشود اما در مقایسه با علم الله العلیم نسبت قطره به بحر خواهد بود و الله فرموده است: (وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قِلِيلًا- الاسراء- ٨٥- و جز اندکی از علم به شما داده نشده است) ایمان به علم الله و احاطه آن به جهان نهان و عیان و زمین و آسمان از یکسو در دل بنده خوف مراقبت و نظارت الله دانا و توانا را ایجاد می نماید در عین حال امید و اطمینان پروردگار حامی و حافظ خود را در هر حال و هر امر در دل می پروراند و به آن اتکاء میکند. سبحانک لاعلم لنا الا ماعلمنا انک أنت العلیم الحکیم.

الله (جل جلاله)

القابض، الباسط

(٢٤) (٢٣)

القابض و الباسط از مصدر القبض و البسط اشتقاق یافته، قبض و بسط دو مفهوم متضاد دارد.
قبض به معنی گرفتن و قبضه کردن و بdst آوردن و بسط، دست گشودن و باز کردن و امتداد و نشر اشیا است.
القابض و الباسط دو اسم از اسماء الله الحسنی است که از احادیث مبارک نبوی گرفته شده در وصف قابض مفهوم
گرفتن و حِرمان و در وصف باسط معنی گشایش و عطا نهفته است، الله القابض به قهر و حکمت و عدالت خود در
قبض ارواح و ارزاق و قلوب بندگان می پردازد، الله الباسط به رحمت و کرم خود توسعه ارزاق و نشر فرحت و
سعادت در دلهای بندگان را میسر می سازد، عموماً هردو وصف قابض و باسط باهم ذکر می گردند و هریکی که به
نهائی وصف الله گفته نمیشود، عقیده به اینکه الله -جل جلاله- قبض و بسط اشیا و کائنات را در دست قدرت خود
دارد بنده را و میدارد تا در نهایت تلاش و مساعی زندگی، خویشن را تسليم اراده و تقدير الله - قابض و باسط -
بنماید، و هرگاه گشایش در امور و ارزاق و احوال خود به بیند به شکران و ادای حقوق نعمت و عطای پروردگار
پروردگار پناه می برد و این ایمان در وی تقویه میابد که سرنوشت انسان درین دنیا و آن جهان بدست قدرت الله
رحمان است.

از مواردی که وصف (قبض و بسط) در قرآن کریم ذکر گردیده این آیات کریمه است:

(مَنْ ذَا الَّذِي يُنْفِرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَنَا فَيُضَعِّفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يُفْيِضُ وَيُسْطِعُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. البقره-٢٤٥) - کیست که برای
الله قرض دهد قرض حسن (در راه الله انفاق نماید) پس خداوند آنرا بیفزاید دوبرابر و چندین برابر، والله ضيق میسازد
و میگشاید (روزی بندگان را) و به سوی او باز گردانیده شوید)
(اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَقَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ- الرعد-٢٦) - الله - سبحانه و
تعالی - روزی کسانی را که خواسته باشد وسعت می بخشد و از کسانی را که بخواهد ضيق سازد، و (کافران به
آسایش) در زندگانی دنیا خوشنود شوند در حالیکه حیات دنیا نسبت به آخرت جز متاع ناچیزی نیست.)

الله (جل جلاله)

الخافض الرافع

(٢٥) (٢٦)

الخافض و الرافع از مصدر (الخافض و الرفع) گرفته شده مفهوم هر کدام ضد دیگر است- خفض به معنی پایین کردن و نرمی و انکسار و ذلیل ساختن، و رفع بلند ساختن و اعزاز و اکرام و تقدیر مقام و منزلت مؤمنان و اهل تقوی و احترام است.

خفض و رفع در خصوصیات بشری و اخلاق مؤمن در معامله و برخورد با نفس و شیطان و اهل معصیت از خصوصیت (رفض) و با مؤمنان و صاحبان حقوق و احترام از مفهوم (رفع) استفاده می شود، در تعبیر قرآنی (خفض) به معنی تواضع و نرمی به رحمت به مقام پدر و مادر امر شده و فرزند مکلف است در برابر والدین بال تواضع و انکسار خود را فرود بیاورد و مقام خود را پایین کند تا منزلت والدین بلند شود(وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلُّ مِنَ الرَّحْمَةِ...الاسراء-) نرمی و رحمت در برابر مؤمنان به رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- نیز امر شده قرآن کریم میفرماید: (وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ-الشعراء-٢١٥- به پیروان خود از جمله مؤمنان بال (رحمت و تواضع) خود را فرود آور) واقعه قیامت که حتماً واقع شدنی است در سوره واقعه به وصف (خافضه رافعه) یاد شده، گروهی در آن روز به ذلت و پایین برده شوند و گروهی بدرجات بلند ارتقا یابند.

الخافض و الرافع به معنی کامل و مطلق دو اسم از الاسماء الحسنی و دو وصف الله متعال است. الله الخافض اقوام و عناصر ستمگر و متجاوز و اهل معصیت را ذلیل و زبون میگرداند و الله الرافع مقام مؤمنان و اهل حق و تقوی و دانش را بلند می سازد (يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ -المجادلة ١١) الله -جل جلاله- مقام و منزلت کسانی را که از جمله شما ایمان آورده اند و درجات کسانی را که به آنها علم داده شده است (مقام دانشمندان را) بلند می سازد. (اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ... الرعد-٢- الله -متعال- همان ذاتی است که آسمانها را بدون پایه ها که شما آنها را می بینید بر افراسته و بلند ساخته است).

الله سبحانه و تعالى خطاب به عیسیٰ علیه السلام فرموده است: (بِاعیسیٰ انی متوفیک و رافعک الی...-آل عمران ٥٥- ای عیسیٰ! همانا من بر گیرنده تو ام و بردارنده تو ام بسوی خودم...)

عقیده به اینکه رافع و خافض حقيقی و کامل الله -جل جلاله- است و عزت و ذلت برای اهل هر کدام از جانب الله رسیدنی است ایمان بnde را به قدرت مطلق خالق توانا و اینکه سرنوشت انسان به اساس عقیده و عمل هر کس در دست قدرت و عدالت الهی است تقویه می بخشد.

الله (جل جلاله)

المعز المذل

(۲۷) (۲۸)

(المُعَزْ) به معنی عزت بخش و عزیز سازنده و نصرت و یاری دهنده و (المذل) ذلت بخش و ذلیل گرداننده و خوار کننده است، المعز و المذل دو اسم فاعل از مصدر (العزّة و الذلة - العزّ و الذلّ) گرفته شده و به اسمای (العزیز - الحکیم - القوی - القدیر - الرحیم - الوهاب...) ارتباط دارد، و مشتقات (عزّة و عزیز) در قرآن کریم بیش از یکصد بار و مشتقات (ذلة و ذل) بیست و سه بار تکرار شده است، مفهوم معز و مذل بحیث دو اسم از اسماء حسنی که غالباً باهم ذکر می شوند اینست که عزت و ذلت هردو برای کسانیکه بروی عقیده و عمل مستحق هر کدام باشند از جانب الله (جل جلاله) و نیز بهر که خواسته باشد داده میشود، الله - سبحانه و تعالی - عزت را به طاعت، و ذلت را به معصیت مربوط ساخته طاعت و عبادت الله بحیث نوری که حجاب میان بنده و پروردگارش را از بین می برد و بنده را به خالقش نزدیک می سازد، بالعکس معصیت و گناه بنده را از الله (عز وجل) دور ساخته و در نتیجه بذلت و خواری گرفتار میگردد.

این مطلب که عزت و ذلت از جانب الله بهر که خواسته باشد رسیدنی است، در آیه مبارکه (۲۶ سوره آل عمران) چنین افاده میگردد: "قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ إِنْ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتَعْزِيزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُنْذِلُ مَنْ تَشَاءُ يَدِكَ الْخَيْرُ... بِكَوْ (ای پیغمبر!) ای الله! ای مالک ملک! تو هر که را خواهی ملک و قدرت بخشی و از هر که خواهی ملک و قدرت را باز پس میگیری، و هر که را خواهی عزت و سر فرازی بخشی و هر که را خواهی ذلت و خواری دهی، همه خیر و نیکویی در دست قدرت تو است."

الله متعال پروردگار عزیز است، او تعالی قدرت مطلق دارد که بندگانی از مخلوق خود را تا مقام نبوت و رسالت و کرامت عزت بخشد و اقوامی را به سبب کفر و نافرمانی شان گرفتار غصب و خشم خود نماید، او تعالی میفرماید: (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ - الصافات - ۱۸۰ - پاک و منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه (مشرکان) توصیف می کنند) و در موارد غصب و خشم فرموده است: (وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ... البقره - ۶۱ - آل عمران - ۱۱۲ - ذلت و خواری بر آنها مقرر شده است) وَلَهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ - المناقون - ۸ - عزت و مقام بلند خاص برای الله و پیامبر او و مؤمنان است.

الله (جل جلاله)

السميع البصير

(٢٩) (٣٠)

سمع و بصر يا شنیدن و دیدن (شنوائي و بینائي) به ارتباط مخلوق دو حاسه از جمله حواس بوده و انسان و مخلوق زنده از طريق گوش و چشم می شنود و می بیند و حدود شنیدن و دیدن مربوط به سلامت و قدرت اين حواس و وسائل است، اما سمع و بصر الله متعال دو وصف قائم بذات او تعالي است، حدود و قيود ندارد- مطلق و كامل است. سمیع و بصیر دو اسم جلیل و مبارک و معروف از اسماء الله الحسني است، هیچ صدا، هیچ ندا، هیچ دعا و هیچ راز و نیاز و هیچ نالش و فریاد از احاطه شنوائي الله سمیع بیرون نیست و الله سمیع همه را می شنود و شنیدن یک صدا صدای دیگر را اخلاق نمی کند و همچنان همه مخلوقات وسائل اجزای کائنات و هر عمل و هر حرکت در دائره بینائي مطلق الله بصیر داخل و هیچ ذره ای در وجود ازان بیرون بوده نمیتواند.

الله - جل جلاله - در پهلوی آنکه بارها و بارها ذات اقدس خود را در قرآن کریم متصف به وصف سمیع و بصیر یادنموده است به بندگان خود امر میفرماید تا پروردگار شانرا به همین اوصاف بشناسند در غیر آن بندۀ در شناسائی پروردگار خود مقصّر خواهد بود.

(وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ-البقره ٢٤٤ - وبدانيد که الله شنوا، دانا است) وَأَنْقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ-البقره ٢٣٣ - واز الله بترسید وبدانيد که الله به همه کردار شما بینا است).

الله - سبحانه و تعالی - هنگام بیان قدرت و عظمت و تمجید و ستایش ذات کبریاپی خود وصف سمیع و بصیر خویشتن را ذکر میفرماید (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ -الاسراء ١- پاک و منزه است آن ذاتی که بندۀ اش (محمد - صلی الله علیه وسلم) را در وقتی از شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که ماحول آن را مبارک و با برکت ساخته ایم برد تا برخی از آیات و نشانه های قدرت خود را به او نشان بدیم، به تحقیق که او تعالي شنوا، بینا است).

در سوره مجادله ماجراهی مناقشه و مجادله (خوله بنت ثعلبه) با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در امر سوگند (ظهار) که از جانب شوهرش (او س بن الصامت) صادر شده بود، هنوز مجادله و صحبت خاتمه نیافته بود که الله السمیع البصیر این آیه کریمه را نازل فرمود: قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَ كُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ - المجادله ١- به راستی الله - سبحانه و تعالی - سخن زنی را که در باره شوهرش با تو (ای پیغمبر) مجادله می کرد و به سوی الله شکایت مینمود شنید و الله گفتگوی شمارا می شنید، به تحقیق و بی شک که الله شنوا، بینا است.

ایمان به وصف سمع و بصیر الله سبحانه و تعالی و اسمای مبارک السميع البصیر پهنانی احاطه و کمال قدرت و عظمت الله - عزوجل - را در اذهان و قلوب مؤمنان ترسیخ و تثیت می نماید و هنگامیکه او تعالی همه اقوال و اسرار مارا می شنود و همه احوال و اعمال مارا می بیند و هیچ ذره و اشاره ای از قدرت سمع وبصر الهی پوشیده نیست، چگونه ممکن است که در غفلت ازان سمع و بصر و بصیرت و اعمال ما مغایر ایمان راسخ ما به الله السميع البصیر باشد؟

رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در تعریف (احسان) فرموده اند: (ان تعبد الله کانک تراه فان لم تكن تراه فانه يراک) الله - سبحانه و تعالی - را چنان عبادت کنی گویا که او تعالی را می بینی و اگر تو نتوانی به بینی پس یقیناً که او تعالی ترا می بیند.

یقین ما به اینکه الله - سبحانه و تعالی - شنوا و بینا است، همچنانکه مارا متوجه اعمال و اقوال ما می سازد توکل و اعتماد مارا به پروردگار ما تقویه می نماید، در برابر مصیبت و ظلم اطمینان داریم که یاری او تعالی باما است و دعای مارا می شنود و قبول میفرماید. او تعالی فرموده است (وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - الانفال - ٦١ -) برالله توکل کن یقیناً که او (تعالی) شنوا - دانا است.

ربنا عليك توکلنا، انک أنت السميع العليم.

الله (جل جلاله)

الحكيم - الحكم

(٣٢) (٣١)

ازجمله نام های مبارک الله (عزوجل) که خویشن را به آن مسمی فرموده است: **الحكيم**- و- **الحكم** است، هردو اسم در آیات کریمه قرآن کریم بارها وارد گردیده، به ارتباط (**الحكيم**) در آیه (١٨) سوره آل عمران خداوند میفرماید: **لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**- نیست معبدی بحق بجز اوتعالی، او غالب باحکمت است) و در آیه (٦٢) سوره آل عمران فرموده است: **وَمَا مِنْ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**- و نیست هیچ معبدی بحق جز الله و بی شک که او تعالی غالب باحکمت است)، در آیه (١٨) سوره انعام فرموده است: **وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ**- واو است غالب و مقتدر بر بندگان خود و او است حکیم (در تدبیر امور) و آگاه (به همه احوال) لفظ (**حکیم**) تدبیر اوضاع و احوال و اجرای امور و ایجاد اشیا را به کاملترین صورت و به حد اعلی کمال و اتقان و بدون هیچ نوع عیب و نقصان افاده می کند، کلمه (**حکمت**) که وضع هر چیز در محل مناسب آن گفته شده نسبت آن به **حکیم مطلق** (عزوجل) به معنیء بهترین صورت خلقت و کامل ترین مفهوم تدبیر و تقدیر امور و اشیا از جانب آن خالق **حکیم خواهد بود.**

صفت کمال مطلق همچنانکه در ساحة خلقت اشیا و تدبیر و تقدیر امور از جانب پروردگار **حکیم مشهود** است کلام الهی و آیات کتاب الله متعال نیز دارای همان وصف احکام و اتقان و اعجاز می باشد و از همین رو الله **حکیم** کتاب خود را بنام (**کتاب حکیم** و **قرآن حکیم**) ذکر نموده است (الر تلک آیات الکتاب **الحکیم** - یونس ۱-الف-لام-را-این آیات کتاب **حکیم** (محکم و دارای **حکمت**) است) و (یس- و **القرآن الحکیم** - یس ۱- ۲- یاسین- قسم به **قرآن حکیم**)

معنی دیگر (**حکیم**) **حکم و حاکم** است یعنی الله **حکیم** مالک **حکم** میان بندگان خود بوده و اوتعالی **حاکم** مطلق در امور خلق و بندگان خویش می باشد و در اموریکه **حکم** آنرا بخود اختصاص داده است هیچ قدرت و هیچ کس نمیتواند در آن تصمیم بگیرد و **حکم** کند. **أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِينَ**- الانعام- ۶۲- آگاه باشید که **حکم** و فرمان مخصوص خداوند است و اوتعالی سریع ترین حسابگران است) - (**إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لَهُ أَمْرًا لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَاهُ** یوسف- ۴۰- فرمانروائی و **حکم** مخصوص الله است امر فرموده است که جز اوتعالی رانه پرستید) **حاکمیت** و فرمانروائی الله **حکیم** از طریق تطبیق شریعت اوتعالی و **تحکیم** قرآن کریم و سنت نبوی- صلی الله علیه وسلم- تحقق میابد.

اسم(حکم) به معنی صاحب حکم و داور در آیه(۱۱۴) سوره انعام وارد شده: (أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفْصَلًا – "ای محمد- صلی الله علیه وسلم-! به مشرکین بگو: "آیا من غیر از الله داوری بخواهم؟ وحال آنکه او است که کتاب (قرآن) را که در آن همه چیز به تفصیل بیان شده به سوی شما نازل فرموده است).

ایمان و عقیده به هردو اسم(حکیم و حکم) در حالیکه قناعت و آرامش روحی و فکری بنده را فراهم می سازد و خالق و پروردگار بنده و کائنات با چنین دلائل آشکار قدرت و عظمت سزاوار آنسست که حکیم باشد و حاکم باشد و حکم و داور باشد و بنده به حکم و عدالت اتو تعالی پابند و قانع و راضی باشد و در عین حال فرمانروایی و حاکمیت و عدالت (احکم الحاکمین و اسرع الحاسبین) خوف و یم تجاوز از حدود احکام الهی و حساب سریع اعمال بندگان را در اذهان و افکار آنان ایجاد می نماید، و همه میدانند که عدالت الله حکیم و حساب روز جزا آمدنی است.

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ- الزلزله- ۸-۷) پس هر کس به اندازه و وزن یک ذره عمل خیر انجام داده باشد (پاداش نیک) آن را می بیند، و هر کس به اندازه و وزن یک ذره عمل شر کرده باشد(جزای) آن را می بیند.

الله (جل جلاله)

العدل

(٣٣)

کلمه(عدل) از نظر لغت به معنی انصاف و وضع شی در موضع آن و ضد مفهوم(ظلم) وارد شده و(ظلم) البته وضع شی در غیر موضع آن و تجاوز از حد انصاف و عدالت است.

در قرآن کریم بارها در تحقیق عدالت و جلوگیری از ظلم امر شده و بیشترین تأکید در نکوهش و نفرین از ظلم به عمل آمده است، چنانچه بزرگترین و بدترین گناه (شرک) به ظلم عظیم تعبیر شده. خداوند در سوره لقمان ۱۹- میفرماید: (إِنَّ الشُّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ- بدون شک که شرک واقعاً ظلم بزرگ است) و در سوره فرقان ۵۸- فرموده است: (وَمَن يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذْهَبَاً كَيْرِيَاً- وهر کس از شما ظلم کند عذاب بزرگی به او می چشانیم). در امر عدالت، الله متعال میفرماید: (وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ- النساء- ۵۸- وهنگامیکه میان مردم حکم نمودید "در مقام حاکم قرار داشتید" به عدالت حکم کنید).

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ- النحل- ۹۰- به تحقیق الله متعال به عدل و احسان... امر میفرماید).

در نظام خلقت و شریعت الهی مفهوم عدالت به وضاحت متجلی است و خداوند عادل ظلم را بخود و بندگان خود تحریم نموده و اوتعالی در احکام و افعال خود از ظلم منزه و پاک است.

مرادف کلمه(عدل) در قرآن کریم لفظ (قسط) وارد شده، خداوند در سوره (مائده- ۴۲) فرموده است: (وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ- واگر میان آنها حکم نمودی پس به عدالت حکم کن، حقاً که خداوند عادلان را دوست میدارد).

کلمه(عدل) به معنی (عادل) و لفظ(قسط) به معنی (مقسط) هم از نظر لغت و هم از فحوای آیات قرآنی وارد شده و از همین لحاظ در فهرست (الاسماء الحسنی) بروایت ترمذی هردو اسم (عدل و مقسط) از جمله نامهای زیبای الله ذکر شده است، اسم(عدل) به معنی عادل به وصف کلام الهی در قرآن کریم نیز ذکر شده و خداوند در سوره (انعام- ۱۱۵- میفرماید: (وَتَمَتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلٌ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) و کلام پروردگار تو صادقانه و عادلانه بحد تمام رسید، هیچکس نمیتواند کلمات اورا تبدیل نماید، او است شنوا(به گفتار) دانا(به احوال).

اللطیف

(۳۴)

در سلسله بهترین نام های پروردگار ما که خویشن را به آن مسمی فرموده است (اللطیف - یا لطیف) میباشد، لطیف یا صاحب لطف بحیث نام و وصف الله (عز وجل) مفهوم نیکی و احسان و توفیق و تحقیق مصالح و منافع بندگان و مخلوق را بالطف و مهربانی زیاد افاده می کند، و نیز اسم مبارک لطیف آگاهی بر ابعاد و دقائق و اسرار امور و مصالح بندگان را احتوا می کند و فقط پروردگار لطیف میداند که بنده به چه محتاج است و خیر او در کجا است؟ به لطف و احسان و توفیق الهی آنرا براورده می سازد و بنده به آثار رحمت و لطف پروردگارش دست میابد بی آنکه اسباب و اسرار آنرا دانسته باشد، این مفهوم از آیه مبارکه (اللهُ أَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ -الشوری-۱۹-) بخوبی در ک میگردد، الله به بندگان خویش لطیف و مهربان است، هر که را خواسته باشد روزی میدهد و اوتعالی توانا (و) غالب است. مظاهر لطف و مهربانی الله (عز وجل) در خلقت انسان از مرحله جنین در رحم مادر تا تمام ادوار زندگی و در تمام اجزای خلقت و کائنات روشن و آشکار است و با اندک تفکر در دلائل قدرت و علائم حکمت قادر حکیم نشانه های لطف و احسان پروردگار در ک میگردد و هر قدر تفکر و دقت عمیق تر و آموزش علمی بیشتر با ایمان راستین به وحدانیت و قدرت خداوند صورت بگیرد دلائل عظمت و قدرت و مراتب لطف و مرحمت الهی اضافه تر روشن میگردد، به ارتباط این امر خداوند کریم میفرماید: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٌ لَأُولَى الْأَلْبَابِ -آل عمران-۱۹۰- به تحقیق که در آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز نشانه های روشنی است برای خردمندان).

صفت لطف خداوند و نام مبارک (لطیف) غالباً با اسماء و اوصاف (اللطیف الخبیر - العلیم الحکیم - القوی العزیز) مقارن بوده و این میرساند که لطف و مهربانی الله متعال توأم با آگاهی مطلق و علم کامل و حکمت و قدرت بی نهایت اوتعالی است و ایمان به هریک این اسماء و صفات در حالیکه امید و اطمینان بنده را به لطف و مهربانی پروردگار تقویه می بخشد در عین حال قدرت و عظمت و علم و حکمت مطلق اوتعالی در ذهن و نهاد بنده رسوخ میابد و بنده در همه احوال پروردگارش را حاضر و ناظر میداند.

الله (جل جلاله)

الخبر

(٣٥)

پروردگار ما(جل جلاله) در موارد زیادی در قرآن کریم خویشن را بنام مبارک (خبر) مسمی فرموده مانند آیه مبارکه (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ-البقره-٢٣٤-و الله به همه کردار تان آگاه است) و آیه مبارکه (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاءِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَبِيرٌ-الحجرات-١٣-یقیناً گرامی ترین شما نزد الله با تقوی ترین شما است، بدون شک الله دانا(بهمه احوال) آگاه (به همه اسرار) است).

دربرخی از آیات قرآن کریم نام های مبارک (علیم خبیر) باهم و فرین همدیگر ذکر شده است، هرگاه یکی ازین دو نام و دو وصف به تنهائی ذکر شود معنی هردو را افاده می کند و آن علم محیط و کامل خداوند در همه امور و همه احوال است، اما ذکر هردو نام (علیم خبیر) باهم هر کدام تفسیر جداگانه دارد و (علیم) به معنی وسیع علم مطلق خداوندو(خبیر) نوع خاص علم یعنی آگاهی در حقائق و اسرار نهانی امور و احوال بندگان است.

نام و وصف(خبیر) با اسم و صفت(بصیر) نیز باهم ذکر شده مانند آیه مبارکه (إِنَّ اللَّهَ بِعَبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ -فاطر- ٣١-یقیناً الله به (امور و احوال و اعمال) بندگانش خوب آگاه (و) بینا است). این اوصاف و اسماء بخوبی میرساند که هیچ ذره ای در قلمرو خلقت و کائنات و بندگان الله متعال اعم از ملک و جن و انسان از احاطه نظر و علم خداوند بیرون و پوشیده نیست و هرگاه نیازی در دل بند خطور کند قبل از آنکه آنرا بر زبان بیاورد الله (عالی مافی الصدور) آنرا میداند و اگر خواسته باشد آنرا بر آورده سازد.

ایمان به این اسماء مبارک و عقیده به اینکه الله متعال علیم و خبیر است، خبیر و بصیر است اعمال و احوال و اقوال بندگان در دائره همین عقیده تنظیم خواهد شد و هیچ بنده فکر نخواهد کرد که ذره ای از امور و احوال او در ظاهر و باطن از علم و حساب خداوند پوشیده بماند.

(وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ -الحشر-١٨- واز الله بترسید(خویشن را از عذاب خداوند نجات دهید) یقیناً که الله به آنچه انجام میدهید آگاه است).

الله (جل جلاله)

الحليم

(٣٦)

صفت (حلم) به معنی ضبط نفس و قدرت عفو و گذشت و فروبردن قهر و غصب است در برابر هر عامل خشم و گناه و یا جهالت و سرکشی که عموماً "موجب برآشتنگی و عدم تحمل می‌گردد، شخص در حالت ضعف که از ناتوانی گذشت نماید به صفت (حلم) نایل نمی‌گردد و (حليم) آنست که باداشتن قدرت مجازات، عفو کند و بر خشم و غصب غالب آید.

الله (جل جلاله) در جمله بهترین نام‌ها و اوصاف مبارک خود می‌فرماید که او تعالی، حليم است. (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ - البقره-٢٣٥- وبدانید که الله آمر زنده حليم است). صفت (حلم) در مورد پروردگار مهربان عفو و رحمت او تعالی را افاده می‌کند، همین صفت عفو و رحمت الله متعال سبب شده است که با وجود فساد و گناه بندگان خداوند به آنها روزی و نعمت میدهد و در جزای اعمال شان در دنیا شتاب نمی‌ورزد، چنانچه او تعالی می‌فرماید: (لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ إِمَّا كَسَبُوا لَعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابَ-الكهف-٥٨- اگرپروردگار منکران آیات خود را بخاطر آنچه که انجام داده اند مؤاخذه می‌کرد حتماً) بزودی و بدون تأخیر عذاب الهی را بر آنها نازل می‌نمود) حلم و صبر و ستر خداوند حتی شامل دشمنان او تعالی گردیده و در حالیکه آن دشمنان کفر می‌ورزند و به الله یگانه شریک می‌آورند و آیات او (عزوجل) را قبول ندارند بازهم به آنها مهلت میدهد و ندامت شانرا می‌پسند و دروازه رحمت خداوند در برابر توبه و مراجعت آنها باز است.

صفت حلم الله - سبحانه و تعالى - در قرآن کریم به اسم و صفت (غفور، غنى، علیم و شکور) وصل شده چنانچه می‌فرماید: (وَاللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ-البقره-٢٢٥- وَاللَّهُ عَنِيٌّ حَلِيمٌ- البقره ٢٦٣ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ - النساء-١٢- وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ- التغابن-١٧) هریک این صفات به مفهوم حليم ارتباط مستقیم دارد، بخشایش و حلم دارای یک اصل است، و وصف (غنى) میرساند که حلم خداوند از احتیاج و ضرورت نیست و خداوند بی نیاز است، و پیوند حليم و علیم از آنست که حلم و عفو خداوند از بی خبری و عدم آگاهی نیست، بل علم خداوند علیم بر همه مخلوق

و بندگان او تعالی احاطه کامل دارد، انفاق در راه خدا و اعمال خیر از نظر الله پوشیده نیست و الله شکر گزار صاحبان این اعمال است. و خداوند علیم از احوال بندگان آگاه است، و الله بصیر اعمال بندگان را می بیند، و الله سميع اقوال و دعای بندگان را می شنود، او تعالی حليم و غفور است، او غنى و بى نياز است و همه به او نيازدارند. الله حليم(عزوجل) طوريكه اسم و وصف حليم را بخود پسندide است بر بندگان صالح و برگزيدة خود نيز اين وصف را می پسندد، چنانچه در وصف يك پيامبر بزرگ خود(ابراهيم- عليه السلام) می فرماید: (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلُمْ أَوَّاهُ مُنِيبٌ - هُوَ الْمُؤْمِنُ الْأَقْوَاعُ). ابراهيم بسيار حليم و بربار و بسيار آه و تضرع كننده به پيشگاه پروردگار، توبه گارو روی آورنده به سوی آفرييدگار بود.

پيامبر عظيم و معظم ما رسول اكرم محمد مصطفى- صلی الله عليه وسلم- بلندترین مقام حلم و عفو و گذشت را داشتند و حتى در برابر كفر و اذىت و دشمنى و قتال دشمنان خود به عوض قهر و غصب و انتقام و مجازات در حق آنها دعای مغفرت ميکردند و می گفتند: (اللهم اغفر لقومی فانهم لا يعلمون- الهی قوم مرا(دشمنان مرا) بیخش بخاطريكه آنها نميدانند).

الله (جل جلاله)

العظيم

(٣٧)

الله-عزوجل- در جمله بهترین نامهای اوتعالی نام و وصف(العظيم) را بخود پسندیده است. ترجمه معنای(العظيم) به کلمه(بزرگ) مفهوم کامل(العظيم) را افاده نمی کند اما به منظور سهولت تعبیر آنرا به(بسیار بزرگ) یاد می کنیم و نیز خوشبختانه کلمه(عظيم) در زبان های خود ما استفاده می شود و میتوانیم بگوئیم که الله بسیار بزرگ است و يا الله عظیم است. الله عظیم میفرماید:

(فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ- الواقعه-٩٦- پس ای پیامبر- صلی الله علیه وسلم- بنام پروردگارت که عظیم است تسیح بگوی- پروردگار بسیار بزرگ خود را پاکی و تقدیس یاد کن) هنگامیکه این آیه کریم درختم سوره (الواقعه) نازل شد و الله- عزوجل- به تقدیس و تعظیم و تسیح ذات عظیم خود امر فرمود، رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم- اصحاب شانرا هدایت دادند تا این دستور الهی را در رکوع نماز هایشان قرار دهند و از همین رو مسلمانان جهان از قرن ها به اینطرف هنگامیکه در رکوع میروند(سبحان ربی العظیم) میگویند. خداوند بزرگ در آیه الكرسى فرموده است:

(وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَكُوُدُهُ حَفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ- البقره-٢٥٥- احاطه کرسی و پهناي علم اوتعالی آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهبانیء آنها بر او آسان و بدون مشقت است و او تعالی از همه بالاتر و باعظم است). الله- عزوجل- باصفت عظمت و جلال و کمال و کبریائی خود بسیار بزرگ و عظیم است، اوتعالی در همه چیز و همه حال عظیم است، در ذات خود و در اسماء و صفات خود، در قدرت خود، در رحمت خود، در عطا و انعام خود، در عفو و بخشایش خود، در ایجاد و خلقت خود، در جبروت و کبریائی خود عظیم است و عظیم مطلق که هیچ عظمت و بزرگی مانند عظمت اوتعالی نیست.

رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم- همیشه تسیح و تعظیم و تقدیس پروردگار شانرا به اسم عظیم اوتعالی مینمودند و مخصوصا "هنگامیکه ناراحت می بودند و یا به مشکلی مواجه می شدند میگفتند: لا اله الا الله العظیم

الحليم - لا اله الا الله رب العرش العظيم. وصف(عظيم) را پروردگار بزرگ به اخلاق برگزیده پیامبر محبوب خود محمدمصطفی - صلی الله علیه وسلم - عنایت فرموده و میفرماید: (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ حُلُقٍ عَظِيمٍ - القلم ۴ - و به تحقیق که تو ای محمد - صلی الله علیه وسلم - دارای خلق عظیم هستی-) واین میرساند که تعظیم رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - جزء تعظیم پروردگار است.

سبحان الله و بحمدہ سبحان الله العظیم

وصلی الله و سلم علی النبی الکریم و علی آله و صحبه اجمعین.

الله (جل جلاله)

الشاكر - الشكور

(٣٩) (٣٨)

الشكور مبالغة الشاكر و هردو از بهترین نام های الله- سبحانه و تعالى- است، مصدر هردو اسم کلمه(شكرا) است و شاکر یعنی شکر گزار و شکور بسیار شکر گزار می باشد، الله- عزوجل- در قرآن کریم در حالیکه خویشن را به نام و وصف (شاکر و شکور) ذکر میفرماید، بندگان خود را به ادای شکر(در برابر نعمت های خود، امر می نماید: **فَإِذْ كُرُونَيْ أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرْوَا لِيْ وَلَا تَكْفُرُونَ-البقره-١٥٢-** پس مرا یاد کنید تا شمارا یاد کنم و شکر نعمت مرا بجا آرید و کفران نعمت نه نمائید).

بنده شکر گزار شکر پروردگار خود را به زبان و به قلب و به عمل بجا می آورد، عقیده و احساس قلبی مؤمن و ذکر آن بزیان و تمثیل آن در عمل در دائره ایمان و عبادت بنده را در برابر آفریدگارش شکر گزار می سازد، و شکر الله شاکر و شکور در آنست که شکر و ذکر و عبادت بنده را قبول بفرماید و دربرابر قول و فعل اندک پاداش بزرگ عنایت نماید، خطا و گناه بنده را بیخاید، نعمت های فراوان خود را برای بندگان شکر گزار افزایش بخشد(**لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ**- ابراهیم -٧- اگر شکر گزار باشید حتما" نعمت های خود را به شما افزوون کنم).

الله شاکر و شکور این نام و صفت مبارک خود را قرین نامها و صفات(علیم، غفور، حلیم) ذکر می فرماید: (**فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ-البقره-١٥٨-** **إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ شَكُورٌ-الشوری-٢٣-** **وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ-** التغابن ١٧) معانی این اسماء و اصول آن بهم پیوند بسیار نزدیک دارند از احاطه علم کامل و مطلق الله- عزوجل- هیچ قول و عمل انسان پوشیده نمانده، به خیر آن الله شاکر و شکور پاداش نیک و وافر میدهد و از شر آن الله غفور و حلیم(اگر بخواهد) عفو میفرماید.

ایمان و عقیده به این اسماء و صفات خداوند پیوند بنده و پروردگارش را راسخ تر وقوی تر می سازد، و قلب و زبان و عمل بنده سپاسگزار نعمت ها و الطاف الله شاکر و شکور خواهد بود.

الله (جل جلاله)

العلی - الاعلی - المتعال

(٤٠) (٤١) (٤٢)

الله - جل جلاله - در کتاب محفوظ و جلیل خود خویشن را به رسمه نام و وصف (العلی - الاعلی - المتعال) ذکر فرموده است، معانی این اسماء و صفات بهم نزدیک بوده و از مصدر (علو و علاء) به معنی بلندی و رفعت و جلال و عظمت استقاق یافته اند، از آیات کریمه که این اسماء دران وارد شده است:

(لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ - الشوری - ٤) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ملک او است و او بلندتر و بالاتر از همه و بسیار بزرگ است). (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى - الاعلی - ١) به تعظیم و پاکی یاد کن نام پروردگارت را که بسیار بالاتر از همه چیز و از هر مقام است) با نزول این امر، رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - تسبیح (سبحان ربی الاعلی) را در سجده نماز مقرر فرمودند. (عَالَمُ الْعَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ المُتَعَالِ - الرعد - ٩) او تعالی داناو آگاه جهان غیب و آشکار، بزرگ، برتر و والا و منزه است).

مفهوم عظمت و جلال و کبریابی و برتری که از نام های (العلی الاعلی المتعال - يا - المتعالی) بر می آید هر یک این اوصاف والا در ذات اقدس الله (تبارک و تعالی) در اسماء و صفات او تعالی، در قدرت و قهر قادر مطلق صدق می کند، او تعالی برتر و بالاتر و بلند مرتبه و بسیار بزرگ از همه و هر چیز است و هیچ مثال و شباہتی به جلال و عظمت ذات و صفات او تعالی وجود ندارد.

(ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم - واژه هرچه گفته اند و شنیده ایم و خوانده ایم)

عقیده و ایمان به این اسماء و صفات (العلی - الاعلی - المتعال) مؤمن را و میدارد تا تسبیح و تعظیم و عبادت خود را خاص به الله (جل جلاله) ادا نماید، خاص به او تعالی اتکاء و توکل کند، تنها از او بخواهد و تنها از او برتسد، بالاتر و برتر ار مقام و قدرت او مقام و قدرتی نیست و او است الله العلی، الله الاعلی، الله المتعال (جلت عظمتی).

الله (جل جلاله)

الكبير

(٤٣)

پروردگار جلیل و عظیم خویشتن را به اسم ووصف مبارک (الکبیر) یاد فرموده و به پیامبر برگزیده خود محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - امر نموده است: (یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنِّزْ رَوْبَكَ فَكَبِيرٌ-المدثر ۱-۳-۳) ای جامه بسر کشیده! (ای پیامبر بحالت خواب آرمیده!) برخیز، پس (مردم را از عذاب الهی) برحذر کن و بیم بد، و پروردگارت را به عظمت و کبریائی یاد کن).

اسمای مبارک (الکبیر - العلی - المتعال - العظیم...) بارها در قرآن کریم قرین همدیگر ذکر شده و معانی آن عظمت و جلال و کبریائی و علو شان و مقام مالک الملک و رب العالمین را افاده می کند، پروردگارجهان ها میفرماید: (فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ-غافر-۱۲- پس حکم وداوری و فرمان فقط از الله والا مقام وعظیم الشأن وبزرگ است.

(إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْاً كَبِيرًا-النساء-۳۴- به تحقیق الله بلند مرتبه و بزرگ است). تکبیر (الله اکبر) ایمان به عظمت و جلال و کبریائی پروردگار و یاد آن عظمت و بزرگی شان و مقام به قلب و زبان مؤمن است، هنگامیکه مؤمن (الله اکبر) میگوید قلب او پر از احساس قدرت و عظمت و مقام والای پروردگارش گردیده هر بزرگ و قدرت دیگر در نظرش خورد و کوچک میگردد، از هیچکس نمی ترسد و یگانه بیم او از الله بزرگ، و یگانه اتکای او پروردگار توانای او است. یاد بزرگی و جلال و عظمت الله متعال یعنی تکبیر (الله اکبر) برجسته ترین شعار اسلامی است.

در آذان، در نیماز، در روز و در شب، در جهاد و غزا، در صلح و صفا، در سفر و حضر، در حج و عمره و در همه احوال و اوضاع شعار (الله اکبر) از قلب مؤمن بر میخیزد و بر زبان او جاری میگردد، قلب مؤمن را نیرو می بخشد، عزم اورا راسخ می سازد، اتکاء و اطمینان اورا تقویه می نماید.

(به خاطر دارم در دهه تجاوز عسکری اتحاد شوروی دهه (۱۹۸۰) بر افغانستان و موج قیام ملت مجاهد افغان یک افسر روس گفته بود: ما از هر حیث نسبت به افغان ها نیرومند هستیم و انواع اسلحه مارا آنها ندارند اما آنها یک سلاح دارند که ما نداریم و آن "الله اکبر" است) الله اکبر ولله الحمد.

الحافظ - الحفيظ

(٤٤) (٤٥)

الله (عزوجل) در کتاب کریم خود خویشتن را به نام ووصف (حافظ و حفیظ) ذکر فرموده است. او تعالی میفرماید: (فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ - یوسف-٦٤) پس الله بهترین حافظ و نگهبان است و او تعالی مهربان تراز همه مهربانان است. (إِنَّ رَبِّيَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِظٌ - ہود-٥٧) به تحقیق پروردگار من بر همه چیز نگهبان، ناظر و آگاه است). کلمه (حفظ) معنی نگهداشت و حمایت شیء یا اشیاء را از ضیاع و زوال افاده می کند و (حافظ) مفهوم حامی و نگه دارنده و مواذب را میرساند اما (حفیظ) مبالغه حافظ است و معنی حفظ در حفیظ بحد کمال و زیادت حفظ است، حفظ و حافظ در اوصاف بشری به مفاهیم زیادی از قبیل حفظ اموال، حفظ اسرار، حفظ حقوق، حفظ ناموس و حفظ استقلال و همچنان حافظ املاک و حافظ قرآن و حافظ امانات و غیره بکار برده میشود، اما حافظ و حفیظ بحیث اسماء و صفات الله متعال مفهوم کامل و مطلق حفاظت و حمایت و نظارت رب العالمین را از همه کائنات و از کافه اجزای خلقت افاده می نماید، ذره ای از آسمانها و زمین و آنچه در آنها است و هیچ ذره ای از اعمال بندگان و حیات آنها از قلمرو حفاظت و مراقبت و آگاهی پروردگار حفیظ بیرون نیست، به ارتباط حفظ آسمانها و زمین خداوند میفرماید: (وَلَا يَؤُودُه حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ - البقره-٢٥٥) و نگهبانی آسمانها و زمین بر او تعالی آسان و بدون مشقت است و او است از همه بالاتر، والامقام و با عظمت).

از معانی حفظ و حمایت پروردگار حفیظ، حفظ تمام ساحه های خلقت و کائنات از تباہی و زوال است تاوقتی که او تعالی خواسته باشد - او تعالی حافظ کتاب خود از هرنوع تغییر و تبدیل است، و میفرماید: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ - الحجر-٩) ماخود قرآن را نازل کردیم و حتما "ماخود نگهبان آن هستیم" خداوند حفیظ حافظ اعمال بندگان و آگاه افعال و احوال و مافی الصدور آنها است. حفاظت و حمایت خداوند حفیظ شامل بندگان صالح و مقرب درگاه الهی است و آنها را از گمراهی و تباہی و از رفتگی برای شیطان باز میدارد، و این مصدق حديث مبارک نبوی است که میفرماید: (احفظ الله يحفظك - الله را حفظ کن ترا حفظ می کند) حفظ الله از جانب بنده حفظ اوامر و اطاعت او تعالی است و آنگاه بنده در ساحه حفظ و حمایت پروردگار قرار می گیرد.

الله (جل جلاله)

المُقيّت

(٤٦)

المُقيّت یکی از اسماء الله الحسنى است که الله متعال خویشن را در کتاب کریم خود به آن معرفی فرموده است. معنی(المُقيّت) آفریننده و بخشنده(قوت و اقوات) یعنی رزق و ارزاق مخلوقات است، اقوات یا ارزاق که به قدرت و رحمت پروردگار به بندگان و خلائق میرسد به صورت غذا و نیاز های بدنی سلامت جسمی و رمق حیات آنها را تأمین می نماید، در عین حال اقوات و ارزاق نیاز های روحی و معنوی مخلوق را از قبیل معرفت و سلامت فکری انسان برآورده می سازد.

المُقيّت به معنی صاحب قدرت کامل در خلق و اعطای قوت و توزیع آن مطابق حکمت و تدبیر الهی می باشد، از خصوصیت اقوات قابلیت حفظ آن بر اساس احتیاج مخلوق است و ازین لحاظ اسم(المُقيّت) مانند(الحفیظ) مفهوم نگهبان و ناظر توانا را افاده می کند.

كلمة (مُقيّت) بحسب نام وصفة الله (جل جلاله) درین آیه کریمه ذکر شده است:

(مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيّتاً- النساء- ٨٥- کسیکه در امر نیکوئی شفاعت(سفراش و کمک) می نماید از(پاداش) آن بهره ای خواهد داشت و کسیکه در امر ناشایسته ای وساطت و سفارش نماید در(گناه) آن سهم می گیرد و الله (متعال) بر هر چیز ناظر و توانا است)

ایمان و عقیده به این نام و وصف پروردگار بnde را به قدرت و ربویت رب العالمین بیشتر معتقد می سازد و قدرت و نظرات الهی را در کسب و جمع و صرف ارزاق و اقوات و حدود حرام و حلال آن در نظر و عمل رعایت می نماید.

الحسيب

(٤٧)

الحسيب بحیث یکی از بهترین نام های الله متعال در قرآن کریم به دو معنی وارد شده است: یکی به مفهوم ناظر و محاسب و دیگر به معنی کافی و بسنده، یعنی الله - عزوجل - محاسب و مراقب اعمال بندگان در همه احوال بوده و هیچ ذره ای از کردار و هیچ حرفی از گفتار و هیچ حالتی از اندیشه و تفکر بندگان از احاطه محاسبه و نظارت الله متعال بیرون نیست. معنی دوم (الحسيب) که کافی و بسنده و کفايت کتنده است به این مفهوم که الله - سبحانه و تعالی - به قدرت و عظمت و کبریائی خود به حمایت و رعایت و نصرت بندگان مؤمن در برابر هر حادثه و هر دشمن و هر مشکل کافی است و بنده مؤمن با ایمان و اعتماد کامل به قدرت و حمایت پروردگار مانع و مشکلی در ایفای واجب و مسئولیت های خود نمی بیندو از هیچ قدرت دیگر هراسی ندارد و به هیچ قدرتی غیر از پروردگارش اتکا نمی کند، و شعار بنده مؤمن در هر حالت (حسبی الله ونعم الوکيل) می باشد (الله به من کافی است و او است بهترین حامی و کار ساز). در مورد (الحسيب) به معنی ناظر و محاسب، خداوند میفرماید (وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا- النساء- ٦-
والله برای محاسبه (خلق) کافی است). (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا- النساء- ٨٦- به تحقیق که الله حساب گیرنده همه چیز است) حساب خداوند در روز حساب، دقیق و کامل و سریع به عدالت مطلق و علم مطلق الله متعال صورت می گیرد (لا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ- غافر- ١٧- امروز (روز جزا و روز حساب) هیچ ظلم و ستم و جود ندارد، بدون شک الله سریع الحساب و زود شمار است). الحسیب به مفهوم کافی و بسنده در آیات کریمه به صورت متعدد وارد شده و از جمله خداوند متعال میفرماید: (حَسِيبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ- آل عمران- ١٧٣- الله بما کافی است و او تعالی بهترین حامی و کارساز است) ایمان و عقیده به اینکه الله عزوجل ناظر و محاسب اعمال و احوال بندگان است پهنانی علم مطلق و عدالت کامل و حقیقت روز جزا و روز حساب را بخاطر میدهد و بندگان خود است بنده به غیر الله تسلیم نخواهد شد و یگانه اتكاء و امید و یگانه بیم و هراس او از خالق بینا و توانا خواهد بود و بس.

الله (جل جلاله)

الجليل

(٤٨)

اسم (الجليل) به همین لفظ در جمله اسماء الله الحسني در قرآن کریم وارد نشده اما در حدیث معروف ترمذی بحیث یکی از بهترین نام های الله متعال ذکر شده است، الجلیل اسم موصوف به صفات جلال است و لفظ (جلال) دوبار در سوره (الرحمن) به صورت ذیل وارد شده است: (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانِ. وَيَنْقُي وَجْهَ رَبِّكَ دُوَّالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ-الرحمن-٢٦-٢٧- هر آنچه و هر کس که بر روی زمین است فنا و نابود میگردد و تنها ذات باعظمت و گرامی پروردگار تو باقی میماند و بس) (تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ-الرحمن-٧٨- نام پروردگار باعظمت و بزرگوار تو مبارک و گرامی است) (جلال) به معنی بزرگی مقام و عظمت شأن و قدرت الله متعال درین دو آیه مبارکه ذکر شده و هنگامیکه در برخی از احادیث قدسی خداوند سوگند یاد مینماید میفرماید: (فعزتی و جلالی - سوگند به عزت من و جلال من).

در ادب ذکر نام (الله) که خود لفظ (جلاله) گفته میشود عموماً "مقارن اسم مبارک" (الله) عبارت (جل جلاله) علاوه میگردد. اسم (الجليل) که صفت مشبهه بمعنی فاعل است از مصدر (جلال و جلاله) گرفته شده مفهوم صاحب جلال و بزرگی و عظمت قدر و شأن را افاده می کند، والله الجلیل : (عظيم القدر بجلاله و كماله في ذاته و جميع صفاتـ الله بزرگ مقام و دارای عظمت در جلال و كمال و در ذات و جميع صفات او تعالى است)

اسم (الجليل) در حالیکه در برخی از مطالعات علمی (اسماء الله الحسني) شامل فهرست آن اسماء نیست و همچنان تشخیص اسم از اشتراق مصدر آن در مورد (الاسماء الحسني) بخاطر توقیفی بودن این اسماء متعارف نیست اما در مورد (الجليل) که مفهوم آن مرادف (ذی الجلال) است و آن در متن آیه کریمه سوره (الرحمن) وارد شده و نیز به دلائل خصوصیت ذکر و مقام لفظ (جلال و جلاله) اسم (الجليل) وارد فهرست حدیث روایت ترمذی می باشد.

به رسمیت عقیده به اسم (الجليل) بنده را به استحضار عظمت مقام و شأن و قدرت بزرگ الله جلیل و امیدار و بنده به آن اتكاء می کند و (جل جلاله) را با نام الله از دل بر زبان میراند.

الكريم - الْاَكْرَم

(٤٩) (٥٠)

از جمله (اسماء الله الحسنی) که الله متعال خویشن را در کتاب کریم خود به آن معنی میفرماید: (الکریم- و - الْاَكْرَم) می باشد. (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمُ؟ الانفطار-٦- ای انسان! چه چیز ترا فریفته و در برابر پروردگار بزرگ و مهربانت مغور ساخته است؟) (أَقْرَأْ وَرِبُّكَ الْأَكْرَمُ . الَّذِي عَلِمَ بِالْقُلُمِ-العلق-٣-٤- بخوان و پروردگار تو از همه بزرگوارتر و بخشنده تر است، آن پروردگاری که انسان را به وسیله قلم نوشتن آموخت) کریم به معنی جواد و بخشنده، کریم به معنی عزیز و غالب و کریم به معنی بزرگ و مهربان، و هریک این اوصاف به کاملترین و بزرگترین مفهوم بنام الله کریم صدق می کند، الله کریم است و الله اکرم است و اکرم بخشنده تر و مهربان تر و بزرگوارتر که مثال او و برتر از او وجودندارد واژه هم برتر و بزرگتر است. خداوند کریم این وصف کریم را به کتاب خود قرآن کریم داده و میفرماید: (إِنَّهُ لَقُرْآنُ كَرِيمٌ - فِي كِتَابٍ مَكْتُوبٍ- الواقعه-٧٧- ٧٨- همانا این کتاب واقعا" قرآن کریم(قرآن گرانقدر و بزرگ مقام) است، در کتابی پنهان و محفوظ (لوح محفوظ) قرار دارد). وصف کریم به عرش الهی و جبرئیل امین و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم- نیز عنایت شده است: (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ-المؤمنون-١١٦- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ- التکویر-١٩- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلٍ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ- الحاقه-٤٠- ٤١) ترجمه معانی آیات کریم: هیچ معبدی بحق جز اوتعالی نیست، پروردگار عرش کریم (عرش عظیم) است. به تحقیق این کتاب (کلام خداوند و تبلیغ رسول کریم(جبرئیل) علیه السلام به محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم است. بدون شک این قرآن (کلام خدا است و به) گفتار رسول کریم (محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم) تبلیغ میشود و هیچ گاه گفتار کدام شاعر نیست و شما کمتر ایمان مباورید. کرم وجود و بخشایش الله کریم حدود و نهایت ندارد، عطا و احسان و انعام اوتعالی شامل همه مخلوق او است به حقدار و بی حق، به خواسته و ناخواسته، به گناهکار و آراسته به همه می بخشد، عفو می کند، انعام و احسان مینماید، اوتعالی کریم و اکرم مطلق است، ایمان و عقیده به الله کریم امید راسخ و اتکای کامل را در قلوب بندگان تقویه می کند و بنده آنچه میخواهد از پروردگار کریم خود میخواهد.

الله (جل جلاله)

الرقيب

(٥١)

(الرقيب) يکی از بهترین نام های الله متعال است و در کتاب کریم خداوند بحیث نام و وصف اوتعالی ذکر شده است: (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا- النساء-١- بدون شک الله(متعال) مراقب(اعمال و احوال) شما است). (وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا- الأحزاب-٥٢- و الله بر همه چیز مراقب و نگهبان است)

رقب به معنی حافظ، ناظر، شاهد، و نگهبان وارد شده و مفهوم آن بحیث نام و وصف الله سبحانه و تعالى- پنهانی علم محیط الله متعال را در همه اشیا و همه اعمال و همه احوال و نظارت و مراقبت شامل و کامل و دقیق اوتعالی را بر تمام خلقت و کائنات افاده می کند، هیچ ذره ای از خیرو شر از دائره رقابت و علم الله- عزو جل- بیرون نیست، خداوند می بیند، می شنود، میداند و از اعمق سینه ها و دلها آگاه است.

غرس صفت(رقب) و رقابت و نظارت خداوند بر اعمال و احوال بندگان در قلوب مؤمنان و عقیده و ایمان به اینکه الله رقب است، بینا، شنوا و آگاه است جرأت گناه را از بنده سلب می کند و احساس بیم و حیا از خداوند رقیب در دلش زنده می شود و بنده را به طرف تقوی سوق میدهد.

وسائل گناه و انحراف مخصوصا" از طریق تکنالوژی معلومات در عصر حاضر که متأسفانه به عوامل فساد تبدیل شده است و به همان اندازه که سرعت و سهولت معلومات و اوضاع را فراهم می کند، خطر انحراف و شیوع فحشاء و گناه را آماده ساخته است، استفاده از خیر و محاسن این وسائل و جلوگیری از شر و فساد آن فقط از طریق غرس مبادی اخلاق و ترسیخ عقیده رقابت و نظارت خداوند بر اعمال احوال بندگان در اذهان و افکار مؤمنان و مخصوصا" طبقه جوان آنها ممکن شده می تواند.

فَاللَّهُ حَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. -یوسف- ٦٤-

الله (جل جلاله)

القريب - المجيب

(٥٢) (٥٣)

نام های زیبا و دلنشیں (القريب و المجيب) هردو از اسماء الله الحسنی بوده و در قرآن کریم در جوار همدیگر ذکر شده اند الله متعال میفرماید: (فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُّحِيطٌ) - هود-٦١- (هنگامیکه پیامبر خدا صالح علیه السلام - قوم خود (قوم ثمود) را به عبادت و توحید الله واحد دعوت می نماید و از شرک و نافرمانی خداوند باز میدارد و به آنها چنین تعلیم میدهد: پس از الله طلب آمرزش کنید و سپس به سوی او برگردید (توبه کنید) به تحقیق که پروردگار من (به بندگان خود) نزدیک و اجابت کننده است. الله متعال به بندگان خود قریب است، نزدیک است و دور نیست، دعا و تضرع و آه و ناله بنده را می شنود و آنرا می پذیرد و اجابت میفرماید، قربت و اجابت بهم رابطه مستقیم دارند و این رابطه درین آیه کریمه منعکس شده است: (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ يَعْتَقِي فَإِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ أَحِيلُّ ذِعْنَةَ الدَّاعِ إِذَا دُعَانِ) - البقره-١٨٦- وچون بندگان من از تو (ای پیامبر - صلی الله علیه وسلم) در باره من بپرسند پس به تحقیق که من به آنها نزدیکم، اجابت نمایم دعای دعاکننده را اگر مرا بخواند). قریب و مجیب دو نام امید بخش و دو منبع اتکا و اطمینان که قلوب بندگان را نیرو می بخشد و بنده را از اسارت یأس و نا امیدی رهائی می بخشد. قربت و اجابت و یانزدیکی پروردگار به بندگانش و پذیرفتن دعای آنها، نزدیکی و احاطه علم خداوند، احاطه رحمت و بخاشایش خداوند و شنیدن صدا و دعای بندگان و قبول و پذیرفتن آنرا افاده می کند. الله قریب و مجیب اعمال و احوال بندگان خود را می بیند، صدا و دعای آنها را می شنود و از خواطر و افکار درون دلهای آنها باخبر است، دعا و نیایش که ناشی از ایمان و اخلاص بنده باشد طرف اجابت و پذیرش الهی قرار می گیرد و دعا و توبه هر یک بندگان و حتی بندگانه گاربه نزد پروردگار مهربان از صدای تسبيح ملائک محبوتر است. دعا و نیایش پروردگار، یگانه پناه و امید بندۀ مؤمن است و خاستا" در حالت اضطرار و یأس که بنده همه چیز را از دست داده باشد از بزرگترین انسان ها تا بندگان ناتوان و فقیر فقط به دعا و نیایش خداوند پناه می برند. ابراهیم علیه السلام - هنگامیکه در میان آتش انداخته می شد (حسبی الله ونعم الوکیل) گفت و آتش سرد و آرام شد. حضرات نوح و یونس و زکریا علیهم السلام و سید انبیا محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - در حالات بسیار مشکل و اضطرار بداعا و اتکاء بر حمت پروردگار بزرگ و مهربان پرداختندو الله قریب و مجیب، دانا و بینا و شنوای احوال و دعای آنها بود و بهریک اجابت فرمود و هر کدام در محل نوازش و پذیرش الله متعال قرار گرفتند، این قربت و اجابت الله (القريب و المجيب) مخصوص پیامبران و برگزیده گان نیست بل شامل تمام بندگان مؤمن و حتی اهل گناه و عصیان نیز می باشد.

الله (جل جلاله)

الواسع

(۵۴)

الواسع به معنی گشایشگر و فراگیرنده و صاحب پهنانی وسیع و فراخیکی از نام‌های نیکوی پروردگار است. اسم و وصف(الواسع) در قرآنکریم عوماً "قرین علم، حکمت، مغفرت و رحمت خداوند ذکر شده و این میرساند که مفهوم وسعت و احاطه در هریک این اوصاف؛ بی‌پایان و فراگیر است.

الله متعال میفرماید: (إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ —البقره- ۱۱۵ - به تحقیق خداوند(به رحمت خود) به همه جا محیط و به هرچیز دانا است). (وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا—النساء- ۱۳۰ - و خداوند صاحب نعمت و رحمت بی‌پایان(و در تدبیر امور بندگانش) حکیم است). (إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَعْفَرَةِ—النجم- ۳۲ - بدون شک که پروردگار تو مغفرت و آمرزش گسترده و فراخ دارد). (وَرَحْمَتِي وَسِعْتُ كُلَّ شَيْءٍ—الاعراف- ۱۵۶ - و پهنانی رحمت من همه چیز را فرا گرفته است).

مثال‌های وسعت و گشایش مربوط به نام مبارک الله(الواسع) در قرآن کریم و در پهنانی بی‌پایان خلقت و قدرت الله-عزوجل- اندازه و حدود ندارد، وسعت در وجود و کرم و رزق و روزی پروردگار به بندگان و مخلوق زنده جان و حتی به زمین و هوای و نبات همواره مشهود است، از پهنانی علم خداوند هیچ ذره‌ای در عالم خلقت او تعالی پوشیده نیست، خداوند همه را می‌بیند و هرچیز را میداند و از هر بیان و نهان آگاه است.

ساحة احکام و شریعت الهی بر مبنای حکمت و رحمت خداوند همان وسعت و قواعد روشنی دارد که نیاز حیات مسعود دنیا و آخرت بندگانش را تأمین می‌نماید.

نام و صفت(الواسع) در جمله (اسماء الحسنی) و عقیده و ایمان به آن دروازه‌های وسیع امید و اطمینان و اتكاء رابروی بندگان باز می‌کند و مخصوصاً "هنگامیکه بنده در مشکل و مصیبت واقع شود، مورد ظلم و ستم قرار بگیرد- فقر و ذلت اورا تهدید نماید، روی به پروردگار گشاده رحمت می‌نماید و دست نیاز بدرگاه بی‌نیاز بلند می‌کند، به رحمت او تعالی پناه می‌برد، و یقین دارد که دست رحمت اورا نجات بخشد(فُل إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ —آل عمران- ۷۳- بگو(ای محمد ص) بزرگی و فضل(هدایت و توفیق و مدد) به ید قدرت و اراده و حکمت خداوند است، بهر که خواسته باشد آنرا عنایت فرماید، ساحه نعمت و عطا خداوند نهایت وسیع است و او تعالی از احوال بندگان خود بخوبی آگاه است.

الله(جل جلاله)

الودود

(٥٥)

الودود نام دلنشین و امید بخش از (اسماء الله الحسنی) به معنی بسیار دوستدار و مهربان و دارنده محبت و لطف وافر به بندگان مؤمن و صالح پروردگار است، الله متعال بندگان خود را دوست دارد، به اولاد آدم (انسان) نسبت به اکثر مخلوقات برتری داده و آنرا در محل اعزاز و تکریم قرار داده است: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ .. الْأَسْرَاءِ -٧٠- و به تحقیق ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم) تکریم و گرامی داشت انسان با اعطای نعمت عقل، دانش، اراده، نیروی کار و ابتكار و قدرت بیان و نگارش و سائر عوامل برتری انسان بر همه مخلوقات (به استثنای فرشتگان) فراهم گردیده و با این همه پروردگار ودود قامت رسا و بهترین شکل و صورت زیبا را نصیب انسان فرموده است، او تعالی میفرماید:

(لَقَدْ خَلَقْنَا إِلِّيْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَفْوِيمٍ -الْتَّيْنِ -٤- بدون شک ما انسان را در بهترین شکل و زیباترین نظام (از لحاظ جسم و روح) آفریده ایم).

از مظاهر محبت و لطف پروردگار به بندگانش بر گزیدن پیامبران عظام و فرستادن کتب و هدایات آسمانی و عوامل نجات انسان از گمراهی و تباہی است، بندگان صالح و مقرب درگاه الهی در دنیا و آخرت فضیلت و مقام خاص دارند، اما دروازه رحمت و بخشایش پروردگار به بندگان گنه کار و گمراه نیز باز است اگر به سوی خالق ودود برگردند، خداوند دوست دارد توبه و نیایش بنده اش را پذیرد.

صفت و نام(ودود) در قرآن کریم یکبار مقارن وصف (رحیم) ذکر شده(إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ -هود- ٩٠- بدون شک پروردگار من بسیار مهربان، بسیار دوستدار بندگان مؤمن و برگشته به سوی خالق شان است.)

باردیگر (الودود) با (الغفور) یکجا وارد شده(وَهُوَ الْعَفُورُ الْوَدُودُ -البروج- ١٤- و ارعالی بسیار آمرزنده برای بندگانی که از گناه توبه کنند و بسیار دوستدار مؤمنان است).

عقیده به این نام های مبارک دروازه های امید و اطمینان دلهای مؤمنان را همواره باز نگه میدارد و یأس و نامیدی را از ساحة حیات بندۀ مؤمن از بین می برد.

الله (جل جلاله)

المجيد

(۵۶)

المجيد مبالغة الماجد يعني دارای مجد و بزرگواری وفضل و کرم وافر است، کلمه (مجد) در لغت عربی به معنی مروت و سخاء، کرم و شرف و وسعت عطا و احسان وارد شده و (ماجد) دارنده این صفات گفته میشود، اما (مجید) مفهوم مبالغه در مجد و عطا و بزرگواری و سخا و انعام و احسان وافر را افاده می کند.

الله متعال در جمله اسماء الله الحسنی نام مبارک (المجيد) را که از نظر معنی مانند نام های (جلیل و کریم و وهاب) است بخود پسندیده و آنرا وسیله تعظیم و اجلال مقام ستوده و بزرگواری خویش گردانیده است.

الله عزوجل نام و وصف (مجید) را در قرآن برای خود و کتاب جلیل خود و عرش عظیم خود تخصیص

داده است.

او تعالی میفرماید: (رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَحِيدٌ-هود-۷۳-رحمت وبرکات الله بر شما و شامل حال شما اهل بیت (ابراهیم علیه السلام) است یقینا" الله شایسته ستایش وثنا، بزرگوار و صاحب فضل و احسان بزرگ است.

(قَ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ-ق-۱-ق از حروف مقطوعه و از اسرار قرآن کریم است و علم آن فقط نزدپروردگار است- سوگند به قرآن مجید یعنی قرآن شریف و دارای مجد و عظمت و اعجاز بزرگ).

(وَهُوَ الْعَفُورُ الْوَدُودُ، دُوَالْعُرْشِ الْمَجِيدُ-البروج-۱۴-۱۵- و او تعالی بسیار آمرزنده و بسیار دوستدار و مهربان برای بندگان مؤمن است، صاحب عرش مجید و دارای مجد و عظمت و مقام بلند است).

ایمان به الوهیت و ربوبیت الله متعال و رب العالمین مستلزم تعظیم و تمجید و تسبيح و تهلیل و تکبیر او تعالی است و از کمال لطف و رحمت الهی وسائل و الفاظ و آداب این امور ایمانی از جانب پروردگار مهربان تشخیص و تحدید گردیده است، اسماء الله الحسنی و صفات خداوند هر کدام فصلی از فصول تعظیم و تمجید الله متعال را احتوا میکند در حدیث صحیح وارد شده است: هنگامیکه بنده مؤمن در نماز خود (الحمد لله رب العالمین) میگویید، رب العالمین میفرماید: بنده ام حمد مرا گفت، و چون (الرحمن الرحيم) بگویید، الله مهربان میگویید: بنده ام مرا ستایش نمود، و هنگامیکه (مالك یوم الدین) بگویید، الله مجید میفرماید: بنده ام مرا تمجید کرد، حقاً او تعالی شایان بزرگترین تمجید و تعظیم و ستایش است.

الله (جل جلاله)

الباعث

(٥٧)

(الباعث) به همین صیغه اسم فاعل در جمله اسماء الله الحسنی در قرآن کریم وارد نشده اما در حدیث معروف ترمذی ذکر یافته است و از همین رو در برخی از فهرست های مرتبه در بهترین نام های الله متعال اسم (الباعث) وجود دارد اما در بعضی دیگر این اسم درج نشده است.

مصدر این اسم کلمه (بعث) است و بعث از نظر لغت به معنی بر انگیختن و برپا ساختن، فرستادن و ارسال و زنده ساختن در روز قیامت است و عبارات: يوم البعث يعني روز رستاخیز و البعث بعد الموت- زندگی دوباره بعد از مرگ، و بعث الرُّسُل يعني فرستادن پیامبران به همین معانی کلمه (بعث) ارتباط دارد.

برگزیدن پیامبران و ارسال آنان به سوی اقوام شان و ارسال خاتم النبیین رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- به کافه بشریت، وقوع رستاخیز و قیام قیامت، زندگانی دوباره بعد از مرگ همه از جانب الله -سبحانه و تعالی- و به امر و قدرت او -عزوجل- صورت می گیرد و این امور در قرآن کریم به وضاحت بیان و ثابت شده است، مانند این آیه کریمه: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدًى وَدِينِ الْحُقْقِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُفِّرُوا وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ-التوبه-٣٣-

او (الله -عزوجل) است که رسول خویش (محمد -صلی الله علیه وسلم-) را با هدایت و دین حق (اسلام) فرستاد تا آنرا بر همه ادیان پیروز گرداند و برتری دهد، اگرچه مشرکان ناخوشنود باشند).

و آیه کریمه (وَإِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنِ في الْقُبُورِ- الحج-٧- و به یقین که قیامت آمدنی است، هیچ شک و تردیدی در آن نیست و بدون شک الله (متعال) تمام کسانی را که در قبرها آرمیده اند دوباره زنده میگرددند)

این حقایق ایمانی که از ارکان ایمان بندگان مؤمن محسوب میگردد به مفهوم (بعث) وقدرت و امر الله (الباعث)- جل جلاله) ارتباط مستقیم دارد و از همین رو اسم و وصف (الباعث) در فهرست اسماء الله الحسنی وارد شده و عقیده بر آن در حقیقت مفاهیم ایمانی گذشته را تقویه می بخشد.

الله (جل جلاله)

الشهيد

(٥٨)

(الشهيد) مبالغة (الشاهد) یکی از نامهای مبارک از جمله اسماء الله الحسنى است و بارها در قرآن کریم در حالات لفظی مختلف (از لحاظ اعراب و صرف) وارد شده است.

شهید به معنی شاهد یعنی حاضر و ناظر (ضد غائب) است و نیز شاهد به معنی گواه و باخبر از حقیقت امر میباشد، این مفاهیم در حق بند و مخلوق در ساحة محدود صدق می کند و بند نیز حاضر و ناظر و شاهد و گواه بوده می تواند اما در حالات خاص و به شکل محدود و مقید، در حالیکه معنی شهید و شاهد در حق خالق بند و مخلوق فرق می کند، الله متعال بر همه چیز شهید و شاهد است به این معنی که هیچ ذره ای در ساحة خلقت و کائنات از نظر و مشاهده اوتعالی پوشیده نیست، در همه احوال و همه امور حاضر و ناظر است، هر چیز را می بیند و هر امر را میداند.مفهوم شهادت و گواهی از اسم و وصف (شهید) در مورد الله تبارک و تعالی بازهم به صورت مطلق و کامل و غیر محدود است، در گواهی الله هیچ شک و شبھه نیست و به زمان و مکان و احوال خاص تعلق ندارد بل مطلق و کامل و دائم می باشد.

برخی از دلائل و اثبات این امور در قرآن کریم چنین وارد شده است:

(إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ-الحج-١٧-قطعا" الله در میان آنها (مؤمنان و غیر مؤمنان مذکور در آیه کریمه) در روز قیامت داوری و حکم می کند، بدون شک الله (متعال) بر همه چیز گواه است). (وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ -المائدہ-١١٧- "عیسی علیه السلام در مردم آنچه که به قوم خود گفته بود بیارگاه پروردگار معرفت میدارد و می گوید: " و تاویتی که من در میان آنها بودم شاهد و مراقب احوال شان بودم، اما هنگامیکه مرا از میان آنها بر گرفتی، تو خود مراقب آنها بودی و تو بر هر چیز ناظر و گواهی) عقیده و ایمان به اینکه الله متعال ناظر و گواه همه اعمال در همه احوال بندگان خود است بند را و امیدارد که از حساب و حکم الله غافل نباشد و هر لحظه بیاورد که پروردگارش مراقب احوال و ناظر اعمال او است. (و کفى بالله شهیدا).

الله (جل جلاله)

الحق

(۵۹)

(الحق) از نظر لغت ضد(الباطل) به معنی (ثابت بلاشک و موجود ثابت که در وجود و ثبوت آن هیچ شک و شبهه وجود نداشته باشد) وارد شده است.

(الحق) یکی از اسماء الله الحسنی است و الله(جل جلاله) این کلمه را بحیث یکی از نام های مبارک خود و وصف برخی از حقایق ثابت در قرآن کریم ذکر فرموده است، چنانچه میفرماید: (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ-الحج-۶۲- این همچنان است، به اینکه بدون شک الله حق است و آنچه را که جز او(تعالی) میخوانند و پرستش می کنند باطل است و به یقین که الله بلند مقام بزرگ است) الله تبارک و تعالی حق است در الوهیت خود که معبد بر حق است در ربوبیت خود که خالق و رازق و مدبر امور خلق برحق است، او تعالی حق است اسماء و صفات او حق است، در هیچ یک این امور بر حق و حقانیت وجود و اسماء و صفات الله متعال هیچ شک و شبهه وجود ندارد.

الله سبحانه و تعالی کتاب خود را به حق و ارسال پیامبر برگزیده خود را به حق و دین خود را به حق و خلق آسمان ها و زمین را بحق وصف و ذکر میفرماید:

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ- البقره-۱۷۶- آن همه از آنست که الله کتاب را بحق نازل فرموده است). (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا-البقره-۱۱۹- ای پیامبر ما ترا بحق فرستاده ایم، مژده دهنده(به مؤمنان) یم دهنده (به کافران)-)

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ-التوبه-۳۳- او(الله) است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد)

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ- الانعام-۷۳- و او(الله) است که آسمانها و زمین را به حق آفرید در دعاهای مأثور از رسول الله- صلی الله عليه وسلم - این کلمات وارد شده است: (اللهم انت الحق و قولک الحق و وعدک الحق، و لقاوک الحق، و الجنه حق، و النار حق و الساعة حق...)

ایمان به حقانیت وجود و اسماء و صفات الله و هر آنچه او تعالی حق فرموده است از ارکان ایمان است. عقیده و ایمان به این حقائق بنده مؤمن را در موقف حق و راست و مستقیم قرار میدهد و ماورای آن ساحه باطل گفته میشود- "اللهم ارنا الحق حقا" وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطل "وارزقنا اجتنابه.

الله (جل جلاله)

الوکیل

(۶۰)

(الوکیل) از نظر لغت به معنی کفیل و حامی و کار ساز و مرجع اتکا و اعتماد است، و الله متعال لفظ (الوکیل) را بحیث یکی از نام های نیکو و اسماء الحسنی پسندیده و در قرآن کریم بارها به همین صفت ذکر گردیده است، چنانچه الله - عزوجل - میرفاید:

(لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ حَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَيْلٌ - الانعام-۱۰۲- هیچ معبدی بحق جز او نیست، آفریدگار همه چیز است، پس اورا پرستش کنید و او نگهبان و مدبر همه چیز است)
(وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا - النساء-۸۱- وبه الله توکل نما و الله کافی است کار ساز و مددگار)
(وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَيْلٌ - هود-۱۲- والله برهمه چیز وکیل است) یعنی همه چیز و همه مخلوق در حمایت و تدبیر و تصرف الله است.

توکل بخداند اعتماد به اوتعالی و سپردن امر به هدایت و توفیق الله - عزوجل - در خلال حرکت و سعی در اجرای واجایب و وظائف اسلامی است، توکل که اعتماد به الله وکیل است، با توکل که حالت عجز و ضعف و عدم حرکت می باشد فرق دارد، در توکل مؤمن توکل در استقامت حق و تمسک به ارکان و مبادی و تحمل مشقات وصیر در برابر باطل حرکت و عمل می کند و در عین حال به مدد و توفیق الله و کیل اعتماد دارد و به آن اتکاء می نماید، اما در توکل ثبات و حرکت نیست عجز و ضعف و ناتوانی و اهمال است و این حالت از جانب بندۀ مؤمن مکلف قابل قبول نیست.

ایمان به اسم مبارک (الوکیل) بحیث یکی از اسماء الله الحسنی و کار بستن به (توکل) که اعتماد و اتکاء به مفهوم (الوکیل) یعنی حمایت و سرپرستی الله (الوکیل) می باشد، بندۀ توکل را به نتیجه حرکت و عمل او مطمئن می سازد و همواره احساس می کند که کفالت و حمایت و توفیق الله (الوکیل) با اوست (حَسِبْنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ - آل عمران- ۱۷۳ - الله بما کافی است و او است بهترین حامی و کار ساز).

الله (جل وجلاله)

القوى

(٦١)

از بهترین نام هایی که الله -عز وجل - بخود پسندیده است نام مبارک (القوى) می باشد. این اسم در جمله اسماء الله الحسنی بارها در قرآن کریم ذکر شده چنانچه خداوند میرا ماید: (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ -هود-٦٦- به تحقیق پروردگار تو (ای پیامبر) او خود قوى (توانا، نیرومند، مقتدر) غالب است).

(إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ - المجادلة-٢١- بدون شک الله قوى و نیرومند غالب است)

صفت و نام (قوى و عزیز) برای الله قوت و قدرت و غلبه و کبریایی مطلق و کامل الله عز وجل - را افاده می کند، هیچ قوت و قدرتی در برابر نیرو و توانایی الله (القوى) وجود ندارد، اولتی عزیز و غالب است و هیچ قوتی بر او غلبه ندارد.

الله قوى که قدرت و قوت مطلق دارد به بندگان مؤمن خود در برابر کفر و ظلم قوت می بخشد و قوت و قدرت استکبار و ظلم و کفر را در هم می شکند، اولتی قوى است اگر خواسته باشد قوت بخش است و اگر بخواهد قوت شکن خواهد بود، امر او نافذ است، حکم او قاطع است، رحم و بخاشایش او بی پایان است، عذاب و عقاب او شدید است، اقوام و گروه های متمرد و مستکبر مورد قهر و غضب الله (قوى و عزیز) واقع شدند و از میان رفتند، فرعون ها هلاک شدند، و هیچ قدرت و قوتی در برابر نیرو و قوت الله متعال تاب مقاومت نداشت، مثال های تمد و غرور و تکبر برخی از اقوام مانند قوم نوح (ع) و قوم لوط (ع) و اقوام عاد و ثمود و فرعون و درهم کوبیدن و هلاک این اقوام در قرآن کریم وارد شده مراجعه به آن ها دروس عبرت بزرگ و ایمان کامل به قدرت و عظمت و نیروی مطلق الله (القوى) را افاده می کند.

تکبر و غرور و خاصیت شیطانی احیانا "برخی از انسان هارا از قدرت و مراقبت و احاطه غلبه و توائی الله (القوى) غافل می سازد و فراموش می کند که: (إِنَّ رَبَّكَ لِيَأْمِرُ صَادِ -الفجر-١٤- بدون شک پروردگار تو -ای پیامبر - حتما" در کمین گاه (ناظر و مراقب اعمال هر ظالم و مفسد است)

(المتين) به معنی قوی و شدید و محکم یکی از اسماء الله الحسنی است، در مفهوم (المتين) تأکید (القوی) وجود دارد و الله متعال در حالیکه خویشن را (صاحب قوت و توانائی) ذکر فرموده است، وصف (المتين) را به آن می افراید: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ دُوْلُ الْقُوَّةِ الْمَتِينُ - الذاريات- ٥٨- به تحقیق الله خود (یگانه) روزی رسان صاحب قدرت و نیروی استوار است)

نام و وصف (المتين) که اسم و وصف (القوی و ذوالقوء) را مؤکد می سازد به این معنی که قدرت و توانائی الله - سبحانه و تعالی - نهایت محکم و لا ینقطع و استوار است و صاحب قدرت متین در اجرای توانائی و افعال خود هیچ نوع مشقت و خستگی نمی بیند، و هیچ قدرت و نیرو بجز قدرت قادر مطلق و الله (القوی المتین) دارای چنین وصف مستحکم و استوار و دائم و خستگی ناپذیر بوده نمیتواند.

از کلمات جامع و معجز و موجز که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - آنرا به اُمت شان تعلیم داده اند و خود شان نیز آنرا بکار می برند: (لا حول ولا قوَّةُ إِلَّا باللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ) بود.
هیچ قدرت و هیچ توانائی نیست مگر به یاری الله بلند مرتبه و بزرگ.

ایمان و عقیده به این اسم و وصف الله متعال (القوی المتین) جلو تکبر و غُرور انسان را می گیرد و با احساس ضُعف بشری انسان مؤمن به قدرت و ممتاز نیروی الهی اعتماد می نماید و از طریق (لا حول ولا قوَّةُ إِلَّا باللَّهِ) به یاری پروردگارش اطمینان و اتکاء می نماید و مساعی و اعمال او قرین مؤقتی و مورد قبول پروردگار - جل جلاله - خواهد بود.

الله (جل جلاله)

الولي

(٦٣)

(الولي) به معنی دوست، دوستدار و سرپرست، مددگار و متولی امور خلائق و کائنات از جمله اسماء الله الحسنى است و الله تبارک و تعالی در کتاب کریم خود خویشتن را به همین اسم و صفت ذکر فرموده است: (الله وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - البقره- ٢٥٧- الله متعال مددگار و عهده دار امور مؤمنان است، آنها را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می آورد). ساحة ولایت الله (الولي) به مفهوم متولی امور خلائق و مدیر مقتدر اوضاع و احوال جهان شامل مؤمنان وغیر مؤمنان و سائر مخلوقات می باشد و هیچ مخلوقی از احاطه تدبیر و تصرف امور ولی حقیقی بیرون نخواهد بود اما ولایت الله به معنی دوستی و نصرت و مدد او تعالی مخصوص مؤمنان است و کافران بخاطر ارتکاب کفر و شرك و طغيان، نعمت انعام و احسان و دوستی الله (الولي) را ازدست داده اند، چنانکه الله متعال در ادامه همین آیه مبارکه (٢٥٧) سوره البقره فرموده است: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ - وآنکه کفر اختیار نموده اند یاران شان طاغوت(شیطان و عامل معصیت است، آنها را از نور به طرف تاریکی ها می کشانند)

دوستی و مدد و نصرت الله متعال به ارتباط بندگان مؤمن مستلزم شکر و طاعت و توحید پروردگار است و بندۀ مؤمن پروردگار مهربان را با اطاعت از او تعالی و رسول بر گزیده او – صلی الله عليه وسلم – دوست میدارد، الله متعال دوستی و محبت میان بندۀ و پروردگارش را به اطاعت رسول اکرم – صلی الله عليه وسلم – که در حقیقت اطاعت الله متعال است مربوط میفرماید: (فَلَمَّا كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَإِنَّمَا يُحِبُّنِي يُحِبِّنُكُمُ اللَّهُ وَيَعْفُرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ -آل عمران- ٣١- بگو (ای پیغمبر!) اگر الله را دوست دارید پس مرا پیروی کنید تا خدا شمارا دوست بدارد و گناهان شمارا بیامزد - والله آمرزندۀ مهربان است)

کلمه (ولي و اولیاء) در مورد بندگان فقط به بندگان دارای تقوی و پیروان راستین الله متعال و رسول او – صلی الله عليه وسلم – اطلاق میگردد و همین بندگان اولیاء هستند و بس. عقیده و ایمان به ولایت و عهده داری پروردگار و یاری و مدد او تعالی بندۀ مؤمن را از حیرت و یأس و خوف و اضطراب میرهاند و با تمام آرامی و راحت به بندگی و اطاعت پروردگارش می پردازد، و همواره اطمینان دارد که قدرت بزرگی، عهده دار سرنوشت و حمایت او است.

الله (جل جلاله)

الحميد

(٦٤)

(حمید) به معنی (محمود) یعنی ستوده شده و شایسته حمد و ستایش است، الله متعال این اسم مبارک را در جمله اسماء الله الحسنی پسندیده و بارها آنرا قرین اسمای دیگر از قبیل (مجید، حکیم، غنی، ولی) ذکر فرموده است: (إِنَّهُ حَمِيدٌ^۱ حَمِيدٌ^۲ - هود-۷۳- به تحقیق که او سبحانه و تعالی ستوده و سزاوار ستایش در همه امور و احوال است)

(تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ- فصلت-۴۲- این قرآن کریم فرو فرستاده شده از جانب پروردگار با حکمت در تدبیر امور خلائق و ستوده و شایسته ستایش در هر حالت و هر صفت است) نه فقط پروردگار مهربان خویشن را به نام و وصف مبارک (حمید) ذکر میفرماید بل آموزش و دانستن این اسم را امر میفرماید و از این رو علم و آموختن (حمید) بر بنده مؤمن واجب است، این وجوب ازین جزء آیه کریمه مستفاد میگردد: (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّيْ حَمِيدٌ- البقره- ۲۶۷- وبدانید به یقین الله متعال بی نیاز از همه چیزو محمود و سزاوار ستایش در همه احوال است)

اسم مبارک (الحمید) مفهوم آن عده از اسماء الله الحسنی را احتوا می کند که به ربوبیت رب العالمین تعلق می گیرد از قبیل (جواد، کریم، رحیم، لطیف، خالق و رازق...) عقیده به این اسماء و مفاهیم آن بخوبی میرساند که الله متعال مستحق و شایان حمد و ستایش است و بنده باید پروردگار خود را ستایش نماید و در هر حالت، در عیان و پنهان، در نعمت و مصیبت، در فقر و دارائی، در خوشی و غم و در همه احوال به حمد و ستایش پروردگار بپردازد.

از مظاهر لطف و انعام الله متعال آنست که طریق ستایش و حمد او تعالی را خود بیان فرموده و در حالیکه خود حامد ذات محمود خود است و خویشن را ستایش می کند بندگان خود را نیز به حمد و ستایش تعلیم میدهد و میفرماید (الحمد لله رب العالمين). بنده در ایمان به توحید الله، حمد او تعالی را بجا می آوردم، در آفرینش آسمان ها و زمین و کائنات او تعالی را ستایش می نماید، در برابر نعمت ها و عطایای پروردگار حمد میگوید و ستایش می کند، در فرستادن پیامبران و نازل نمودن کتب آسمانی حمد و ستایش الله (الحمید) را انجام میدهد، در همه امور و همه احوال بنده حامد حمد الله متعال است و ایمان به الله (الحمید) بنده را به انعام و احسان و نعمات پروردگارش مطمئن میسازد و یأس و درد و غم را از قلوب بندگان دور می کند و حمد و ستایش رب العالمین همواره زبان و دلهای مؤمنان را پاک و روشن می سازد. و الحمد لله رب العالمين.

الله (جل جلاله)

المحي - المميت

(٦٥) (٦٦)

(المحي) به معنی زنده کننده و زندگی بخش بحیث یکی از اسماء الله الحسنى در قرآن کریم به همین لفظ (محی) وارد شده و رسم الخط املائی آن(محی) می باشد، اما (المميت) به معنی مرگ دهنده و گیرنده زندگی به همین لفظ (المميت) در قرآن کریم ذکر نشده و البته در فهرست نام های نیکوی الله در حدیث ترمذی وجود دارد، در حالیکه دربیان افعال وقدرت الله متعال بارها مرگ و زندگی و زنده ساختن و میراندن به عبارات (یحی ویمیت - خلق الموت والحيات - ثم یمیتهم، ثم یحیهم...) قرین همدیگر در قرآن کریم وارد شده است (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ - الاعراف-١٥٨- هیچ معبدی بحق جزا تعالی نیست، او تعالی زنده می کند و میمیراند)

(إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمْحِيَ الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ-فصلت-٣٩- به تحقیق آن ذات(توانا که این زمین خشک را) زنده کرده است بی شک که او زنده کننده مردگان است، واقعاً "که او(تعالی) بر همه چیز توانا است) (إِنَّ ذَلِكَ لَمْحِيَ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ-الروم-٥٠- آن ذات(توانا که زمین مرده را با نزول باران رحمت زنده می سازد) زنده کننده مردگان(در آخرت) است و او تعالی بر همه چیز توانا است) زندگی و مرگ دو مخلوق الله و هردو بزرگترین نشانه قدرت و عظمت رب العالمین است، تمام خلائق و هر موجود زنده از هرنوع و جنسی که باشد از مسیر زندگی و مرگ گذشتی است و هیچ قدرتی نمیتواند درین مسیر و سرنوشت تغییر وارد کند- الله متعال خالق مرگ و زندگی است، او تعالی زنده می کند و حیات می بخشد سپس می میراند و در رستاخیز دوباره زنده میسازد، بندۀ مؤمن به همین پدیده خلقت وسیر زندگی و مرگ و نشانه قدرت مطلق الله متعال عقیده کامل دارد و این عقیده میرساند که زندگی مال و ملک بندۀ نیست و مرگ هم از جانب بندۀ نمی آید و به همین سبب است که قتل و انتحار گناه بزرگ و تجاوز در حریم حدود خداوند محسوب می گردد، (لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- الحديد-٢- فرمان روایی و حاکمیت آسمان ها و زمین از آن الله است، و او تعالی بر همه چیز توانا است)

الله (جل جلاله)

الحي - القيوم

(٦٧) (٦٨)

بزرگترین وجامع ترین عنوانی که الله- عزوجل در معرفی ذات ذی الجلال خود پسندیده و خویشن را به آن معرفی میفرماید، این آیه کریمه است : (الله لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُومُ-البقره-٢٥٥-آل عمران-٢- الله، نیست معبدی بحق جز او (تعالی) زنده(جاوید) و قائم(پاینده) است)

(الحي) به معنی زنده و صاحب حیات درمورد مخلوق زنده مفهوم زندگی دارای آغاز و انجام و یا زندگی بعداز مرگ و مرگ بعد از زندگی را افاده می کند، اما(الحي) نام مبارک و صفت و اسم الله متعال معنی زنده پایدار و باقی و پایان ناپذیراست، نه آغاز بعد از مرگ داشته و نه مرگ بعد از حیات در آن متصور است بل حیات ازلی و ابدی و حیات ذاتی مخصوص ذات کبریائی الله متعال می باشد(كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ-القصص-٨٨- همه چیز فانی و نابود می گردد بجز ذات اوتعالی)- (وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِيِ الْقَيُومِ-طه-١١١- (در روز رستاخیز) چهره ها دربرابر الله باقی و پایدار و قاپم و گرداننده کائنات حالت خشوع و فروتنی دارند)

(القيوم) مبالغه قائم به معنی نگه دارنده و گرداننده مخلوقات و امور آنها است، قائم بذات خود و دائم لا يزال، بی نیاز از همه و همه نیازمند او است. الله متعال هنگامیکه ذات کبریائی خود را با اسم اعظم (الحي القيوم) معرفی میفرماید به منظور بیان خصوصیت و کمال حیات و قیومیت اوتعالی و پهنانی قدرت و علم و بلندی مقام و عظمت الله عزوجل بزرگترین آیه کریمه معجز قرآن کریم (ایه الكرسي) را نازل میفرماید: (الله لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةً وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...-البقره-٢٥٥- الله، نیست معبدی بحق جز او (تعالی) زنده(و) پاینده است، هر گزاورانه کسالت خواب گیرد ونه خواب، او است مالک آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است... الى ختم آیه مبارکه) امام(طحاوی) در عقیده معروف خود بنام (عقيدة طحاوی) گفته است: (ان الله حی لا يموت، قیوم لا ينام- بدون شک الله زنده است نمی میرد، قیوم است خواب ندارد) مرگ و خواب هردو از خصوصیت زندگی مخلوق است، زنده جاوید و پایدار وذاتی و ازلی مرگ و فنا ندارد و همچنان قائم بذات و گرداننده و مدبر کائنات نه خواب دارد و نه مقدمات خواب در شأن او است، هردو اسم مبارک (الحي القيوم) که در سه سوره قرآن کریم باهم یکجا ذکر شده اند محور تمام اسماء الله الحسنی و حاوی جمیع صفات کمال الله متعال است و هر نام و صفت به (حي، قیوم) ارتباط مستقیم دارد، و از همین لحاظ این دو اسم از نظر علماء، بزرگترین نام های اسماء الله الحسنی گفته شده و حتی گفته اند که اسم (اعظم) الله همین دو اسم (الحي القيوم) است.

الله (جل جلاله)

الواحد - الواحد

(٦٩) (٧٠)

الواحدُ الأَحَدُ دو اسم از اسماء الله الحسني و دو صفت ذاتی الله- تبارک و تعالی- است. مفهوم(الواحد، الأحد) یک، یکتا، یگانه، بافهم اینکه یک، دو ندارد و قبل ازان هم چیزی نیست، یکتا و یگانه یعنی: بی مثال، بی نظیر و بدون شریک است. (الواحد) در بیش از بیست مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده وحدانیت الله متعال را در ذات و صفات او تعالی تثیت و تأکید می نماید: (وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ- البقرة- ١٦٣- وخدای شما خدای یکتا است) ایمان به وحدانیت الله متعال و شهادت توحید رکن اول اسلام است، رسول الله- صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: (بنی الاسلام علی خمس، شهادت ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله، واقام الصلاه و ايتاء الزکاه وصوم رمضان والحج... اسلام بر پنج رکن بنا شده است: شهادت اینکه هیچ معبدی بحق نیست مگر الله- و اینکه محمد(صلی الله علیه وسلم) فرستاده الله است، و بر پا داشتن نماز، و ادائی زکات، و روزه رمضان و حج بیت الله(سوره مبارکه (اخلاص) توحید خالص الله- عزو جل- را در ذات وصفات او- جل جلاله- ثابت میسازد:)فُلَانْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، الله الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ. ترجمة معنی: ای محمد- صلی الله علیه وسلم-! به کسانی که از تو صفت پروردگارترای پرسند بگو: او الله یگانه و یکتا است (در الوهیت خود، در ذات خود و در صفات خود و هیچ شریک و مانند ندارد) الله بزرگ و بی نیاز است و همه نیازمندان تنها به او روی آورند، هرگز فرزندی نزاد و هرگز زاده نشد (نه فرزند بود و نه پدر) وهیچگاه و هیچکس برای او تعالی شبیه و مانندی نبوده است. وحدانیت الله- جل جلاله- صفت خاص الوهیت او تعالی است و ایمان و تصدیق وحدانیت و توحید خداوند، بزرگ ترین عبادتی است که بنده از طریق آن به خالقش تقرب میجوید، و البته نقیض توحید شرک بخداوند است که در قرآن کریم از آن به (ظلم عظیم و گناه غیر قابل بخشش) تعبیر شده است. در ربوبیت رب العالمین و قدرت و خلقت و پنهانی ملک و فرمان او تعالی وحدانیت و یگانگی الله واحد و احد به وضاحت متجلی است- خداوند میفرماید:)فُلِ اللهٰ حَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْفَهَّارُ- سوره رعد- ١٦- بگو (ای پیامبر! الله آفریننده همه چیز است و او تعالی واحد، یگانه و بسیار توانا و غالب است). رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم- هنگام ذکر و تمجید الله متعال بیشتر اسماء مبارک (الحی، القیوم، الواحد، الأحد) را ذکر میکردند. و بهترین ذکر الله توحید الله و کلمه توحید است، اللهم اجعل آخر کلامنا: لا اله الا الله- محمد رسول الله- الهی آخرین گفتاری که در حیات دنیا بر زبان ما جاری بفرمائی کلمه توحید باشد: لا اله الا الله- محمد رسول الله.

الله (جل جلاله)

الصمد

(٧١)

(الصمد) به معنی بزرگ، غنی و بی نیاز و مرجع نیاز مندی و حوابیج جمیع خلائق یکی از اسماء الله الحسنی است (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ - الاخلاص - ۲-۱- بگو ای پیغمبر! او تعالی‌الله یکتا و یگانه است، الله بزرگ و بی نیاز است، او احتیاجی ندارد و همه به او احتیاج دارند.

اصل کلمه (الصمد) از نظر لغت به معنی (قصد) وارد شده و چون مرجع قصد و اعتماد مخلوق در برآورده شدن حوابیج و مطالب شان الله متعال است، خداوند بزرگ و بی نیاز نام و صفت (الصمد) را بخود پسندیده است. ابن عباس (رضی الله عنهم) در تفسیر (الصمد) و صفت (کمال صفت) را علاوه می کند، مثلاً "میرماید: الصمد به معنی بزرگ در کمال بزرگی، شریف در کمال شرف، حلیم در کمال حلم، وعلیم در کمال علم، و حکیم در کمال حکمت، گویا صفت (الصمد) شامل تمام صفات کمال الله متعال است (ابن کثیر - ۸- مجموع الفتاوى - ۱۷) دانشمندان در تحقیق لفظی (الصمد) به این مطلب اشاره می کنند که در آغاز سوره مبارکة اخلاص (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ) کلمه (احد) بدون لام تعریف اما (الصمد) معاً لام تعریف ذکر شده بخارط اینکه (احد) وصف اثبات برای مخلوق شده نمیتواند و فقط الله احاد است، اما (صمد) بدون لام تعریف در اصطلاح عربی گاهی برای آقا و بادر استعمال شده و ازین لحاظ جهت تخصیص آن بحیث نام و صفت خداوند به لفظ (الصمد) وارد شده است (مجموع الفتاوى - ابن تیمیه - ۱۷)

ایمان و عقیده به الله (الصمد) پروردگار بی نیازی که هیچ احتیاج ندارد و همه خلائق به او محتاج هستند بنده مؤمن از طریق اعتماد و اطمینان به پروردگارش به دربار ارعالی روی می آورد و حاجت و نیاز خود را از او میخواهد، نه فقط بنده بل همه خلائق در زمین و در آسمان ها محتاج خالق خود هستند و ارعالی به علم و حکمت و قدرت کامل خود در تدبیر امور و احوال مخلوق می پردازد (یَسَأَلُونَهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ - الرحمن - ۲۹- همه کس و همه چیز که در آسمان ها و زمین اند از ارعالی در خواست می کنند واو (عزوجل) هر روز (هر لحظه و هر آن) در تدبیر و نظارت مخلوق خود است)

الله (جل جلاله)

القدير - القادر - المقتدر

(٧٤) (٧٣) (٧٢)

هر سه نام و وصف مبارک (القدير، القادر، المقتدر) بحیث اسماء الله الحسنى به صورت مکرر در قرآن کریم ذکر شده و الله متعال آنرا بخود پسندیده است- معنی هر کدام این الفاظ به مصدر (قوت و قدرت) ارتباط داشته الله قدير آن ذات توانا و فعال مایشاء است که آنچه خواسته باشد مطابق حکمت و اراده خود انجام میدهد و هیچ قدرتی آنرا کم یا زیاد ساخته نمیتواند، و قادر آن ذات قوى و توانا است که در زمین و آسمان ها و در تمام کاپنات قدرتی بالاتر ازان وجود ندارد. در میان این دو اسم(قدير و قادر) مفهوم صاحب قدرت و قوت در قدير نسبت به قادر مبالغه بیشتر دارد.اما(مقتدر) در عین مفهوم صاحب قدرت کامل و توانائی بزرگ نسبت به هردو اسم و وصف(قدير و قادر) دارای بلاغت بیشتر می باشد. برخی از موارد ذکر این اسماء الله الحسنى در کتاب جلیل خداوند:

(أَمَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ-البقره-١٠٦- آیا ندانسته ای (ای پیغمبر -صلی الله علیه وسلم - که الله بر همه چیز توانا است)

(فُلُونْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَعْقِثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ-الانعام-٦٥- بگو (ای محمد صلی الله علیه وسلم!- او(جل جلاله) قادر است که از بالای سر شما(از هوا و آسمان) یا از زیر پای شما(از زمین) عذابی بر شما(خطاب به مشرکین) بفرستد.

(وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا-الكهف-٤٥- والله - جل جلاله - بر همه چیز اقتدارو توانا پی کامل دارد) (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَهُنَّ فِي مَقْعِدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيلٍ مُّقْتَدِرٍ-القمر-٥٤- ٥٥- بدون شک پرهیزگاران و اهل تقوی در باغهای بهشت و (در کنار) جویبار های آن قرار دارند، در جایگاه راستین و حق در پیشگاه پادشاه بزرگ و بسیار باقدرت و توانا) اجرای قدرت کامل الله قدير در آفرینش کائنات و خلائق و در ازین بردن آن فقط تابع امر و فرمان او تعالی است، امر او قادر توانا در ایجاد آنچه خواسته باشد تنها دو حرف(گن) یعنی (موجودشو) می باشد و آن معدوم موجود میگردد(وإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ-البقره-١١٧- وچون اراده آفریدن چیزی نماید فقط امر فرماید که موجود شو، و آن چیز موجود شود) - ایمان به قدرت مطلق و کامل الله متعال بنده را وامیدارد تا به جز قدرت پروردگارش به هیچ قدرتی اتکا نکند و صاحبان قدرت های محدود بشری نیز به چنان قدرت های زوال پذیر و ناقص مغور نشوند و آنرا در ستم و آزار بیچارگان استعمال نکنند. الله مقتدر و توانا رسول برحق او - صلی الله علیه وسلم - ارشاد فرموده اند تا بندگان مؤمن با اظهار عجز و بندگی همیشه بگویند:

لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم.

الله (جل جلاله)

الاول - الآخر - الظاهر - الباطن

(٧٥) (٧٦) (٧٧) (٧٨)

این چهار نام مبارک از اسماء الله الحسنی (الاول، الآخر، الظاهر، الباطن) باهم یکجا در یک آیه مبارکه قرآنکریم ذکر شده و الله متعال خویشتن را به آن معرفی میفرماید: **هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** - الحدید-۳- او (الله- جل جلاله) اول است(قبل از اوتعالی هیچ چیزی وجود نداشت) آخر است(هیچ موجودی بعد از اوتعالی وجود ندارد) ظاهر است(پیدا ونمودار است به دلایل قدرت و مظاهر آفرینش و خلقت کائنات به قدرت و اراده اوتعالی) باطن است(پوشیده از انظار و حواس خلائق در دنیا است و هیچ مخلوقی توان دیدار اوتعالی راندارد) یعنی (اول و آخر) در حق خداوند ابتدا و انتهاء نیست بل وجود ازلی و ابدی یعنی وجود قدیم بدون ابتدا و بقای دائم بدون انتها است، آغاز و انجام صفت مخلوق است و فنا و زوال به جهان آفرینش تعلق دارد، الله متعال میفرماید: **كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** - القصص-۸۸- همه چیز به جز ذات اوتعالی فناونابود شدنی است. فرمانروائی و حکم مخصوص اوتعالی است و همه به سوی او برگردانده میشوید) ابن القیم - رحمه الله - از امامان مذهب حنبلی در تفسیر این چهار نام مبارک نظر لطیفی دارد، و آن اینکه: نام های چهار گانه الله متعال (اول، آخر، ظاهر، باطن) مفهوم احاطه کامل زمانی و مکانی را افاده می کند. هرقدر گذشته و(قبل) در احاطه اولیت خداوند است و هر اندازه آینده و(بعد) توسط آخریت خداوند انجام میابد، همچنان هر ظاهر و هر باطن در دائره خلائق و کائنات در احاطه کامل ظاهیریت و باطنیت پروردگار قرار دارد، هیچ ظاهر بالاتر از ظهور و علو مقام الهی نیست و هیچ باطن نزدیکتر و آگاه تر از احاطه باطن خداوند نیست.(معارج القبول- ابن القیم با اختصار).

در قسمتی از دعای مفصل رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - بروایت صحیح مسلم این هرچهار نام الله متعال ذکر شده و آنحضرت(علیه السلام) پروردگار خود را چنین خطاب می کنند: اللهم أنت الاول فليس قبلك شيء، و أنت الآخر فليس بعدك شيء، و أنت الظاهر فليس فوقك شيء، و أنت الباطن فليس دونك شيء، اقض عنا الدين و أغتنا من الفقر) - الهی! تو اول هستی، قبل از تو هیچ چیزی نیست، و تو آخر هستی، بعد از تو چیزی نیست، و تو ظاهر هستی پس بالاتر از تو چیزی نیست، و تو باطن هستی و در پایان باطن غیر از تو چیزی نیست - الهی! دین مارا اداکن، و مارا از فقر نجات بده.

الله (جل جلاله)

البر

(٧٩)

(البّ) از نظر لغت عربی در بزرگترین و معروف ترین قاموس عربی (لسان العرب- ج ١) به معنی (العطوف- الرحيم- اللطيف- الكريم) ذکر شده است، یعنی (البّ) صاحب عطف و شفقت، مهربان، و صاحب لطف و احسان و کرم، که اینهمه در دائره محدود صفات اشخاص نیکو کار و با عاطفه نیز شده می تواند و درین صورت کلمه (بر) به (ابرار) جمع میشود و لفظ دیگر به همین معنی (بار) نیز وارد شده و آنهم نیکو کار و صاحب اخلاق خجسته و اوصاف پسندیده را افاده می کند و کلمه (بار) به (بره) جمع شده است، ازین دو اسم قریب در لفظ و معنی (بر و بار) تنها (بر) در جمله اسماء الله الحسنی وارد شده. الله متعال به حکایت از زبان اهل بهشت بعد از وارد شدن در جنت میفرماید: (إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلٍ نَّدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبُرُّ الرَّحِيمُ - الطور- ٢٨- واقعاً) مادر گذشته (در دنیا) فقط اوتعالی را میخواندیم (از او میخواستیم و اورا عبادت می کردیم) بدون شک که او خود نیکو کار مهربان است) (البّ) صاحب احسان و لطف و کرم بحیث نام مبارک الله مفهوم این اوصاف خجسته را به صورت مطلق و کمال افاده می کند، ساحة لطف و احسان الله متعال به بندگانش حدود و نهايیت ندارد ، اوتعالی (بر و رحیم) است به تمام مخلوق، به بندگان نیکو کار اجر و ثواب مضاعف و به بندگان گناهکار عفو و آمرزش عنایت میفرماید، رزق و روزی و مال و اولاد و نعمت های بی شماری که از آسمان و زمین و فضا و ابحار به مخلوق خدا رسیده است و خوب و بد ازان استفاده می کند، همه از آثار (بر و رحمت و لطف) پروردگار کریم و رحیم است، بندگان با حسن استفاده از آن شکران و عبادت پروردگار خود را بجا می نماید و اینهمه بر و احسان در دنیا یک شمه کوچک از بر و رحمت الله متعال در آخرت است و بندگان مؤمن و نیکو کار در سایه آن رحمت بی پایان وارد بهشت میگردند و مانند آن اهل بهشت که الله متعال از زبان آنان در قرآن کریم فرمود: (إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلٍ نَّدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبُرُّ الرَّحِيمُ - الطور- ٢٨-) آنها نیز نتیجه اعمال صالحه و ایمان و عبادت شانرا که در دنیا داشته اند عملاً "می بینند و میدانند که پروردگار شان همانا (انه هو البر الرحيم) است.

الله قدره ای ازان بحر رحمت بما هم عنایت بفرما، يا ارحم الراحمین!

الله (جل جلاله)

التواب

(٨٠)

(التواب) مبالغة (التأب) به معنى بسيار توبه پذير از جمله اسماء الله الحسني است، توبه آنست که بندۀ گناهکار بعد از ارتکاب گناه از عمل معصیت ندامت میابد و از طریق طاعت و عبادت به سوی پروردگارش رجوع می کند و آمرزش میخواهد، پروردگار تواب آنرا می پذیرد و گناه بندۀ ازین میرود، این عملیه بارها می تواند تکرار شود، هریار بندۀ گناه کرد و با پشمیمانی از آن روی به پروردگارش به عذر و توبه آورد، الله توبه پذیر آنرا می پذیرد، پس بندۀ، تائب و الله، تواب است و او تعالی بارها در کلام مبارک خود خویشن را به همین نام و وصف ذکر فرموده است:

(فَتَلَقَّى آدُمْ مِنْ رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ - البقره- ٣٧- سپس آدم (بعد از لغش و اشتباہ) از پروردگار خود کلماتی چند فرا گرفت، پس خداوند توبه وی را پذیرفت و بی شک که او تعالی توبه پذیر مهربان است. (أَكَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنْ عَبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ - التوبه- ١٠٤- آیا ندانسته اند که همانا الله، خود توبه بندگان خود را می پذیرد و زکات و صدقات را قبول می کند و یقینا "الله، خود توبه پذیر مهربان است)

الله مهربان نه فقط توبه بندگان خود را می پذیرد بل توبه کنندگان را دوست میدارد و وصف توبه پذیری خود را می پسندد، او تعالی در حالیکه خویشن را به (عَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ - غافر- ٣- بخشاینده گناه و توبه پذیر) وصف می کند، میفرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ - البقره- ٢٢٢- به تحقیق الله توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست میدارد)

خداؤند کریم میداند که بندگانش از قصور و اشتباہ بدور نبوده و به همین سرشت خلق شده اند تا مظهر رحمت و بخشایش الله در حیات بندگان نمودار گردد و عامل توبه و رجوع آنها به بارگاه رحمت پروردگار به وجود آید، الله تواب و رحیم دوست دارد تا بندۀ مقصو و گناهگار برحمت و بخشایش پروردگارش پناه برده و ازان مقام والا اغفو بخواهد و الله مهربان آنرا قبول بفرماید.

- در حدیث (٢٧٤٨) صحیح مسلم از ابی ایوب انصاری- رضی الله عنه- روایت شده رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (لو انکم لم تکن لكم ذنوب، یغفرها الله لكم، لجائ الله بقوم لهم ذنوب یغفر هالهم- اگر شما هیچ گناه نمیداشتید که الله آنرا برای شما می بخشدید حتما" خداوند قوم دگری را می آورد که گناه میداشتند تا بخشایش الله نصیب آنها میگردید.

در حدیث صحیح ترمذی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: (کل ابن آدم خطاء و خیر الخطائين التوابون - فرزندان آدم همه خطا کاراند و بهترین خطا کاران توبه کنند گان اند)

نه فقط پروردگار تواب، توبه کنند گان را دوست میدارد بل بند گان مومن را به توبه امر میفرماید و کسیکه مرتکب گناه شده و توبه نکند در جمله ستمگاران محسوب شده است:

(يَا أَئِيْهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا ثُوَبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا... - التحریم-۸- ای مومنان! بدرگاه الله برگردید و توبه صادق و خالص بجا آورید. (وَمَن لَّمْ يَتُّبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ - الحجرات-۱۱- وکسیکه (گناه کرده و) توبه نکرد پس آنها خود ستمگاران اند.

توبه(نصوح) یا توبه خالص و صادق و جازم که درجه بلند توبه می باشد مستلزم آنست که:

۱- بند گناهگار در ک کند که مرتکب گناه و خطا شده و احساس ندامت می کند و میخواهد در روش زندگی و تصرفات خود تغییر وارد نماید.

۲- عملاً در اصلاح احوال اقدام نموده و به عزم توبه بدرگاه رحمت و بخشایش پروردگار روی میآورد و از گذشته آمرزش میخواهد،

۳- در عناصر تقصیر و گناه هرگاه ترک فرائض دینی از قبیل نماز و روزه و زکات باشد در قضا و ادائی آن مطابق احکام فقهی اسلامی اقدام می کند و متباقی تخلفات مربوط به حدود و نواهی شرعی در اثر توبه مؤمن و رحمت الهی بخشیده می شود.

۴- گناهان مربوط به حقوق العباد کسب رضا و قناعت صاحبان حقوق را ایجاب می کند.

۵- بند تائب هنگام توبه بیارگاه الله تواب عزم عدم بازگشت به گناهانی که ازان احساس ندامت کرده است می نماید، اما باز هم هرگاه در اثر قصور و ضعف انسانی گناهی از وی صادر شد، نباید مأیوس گردد و بداند که دروازه توبه باز است، یکبار، دوبار و هر بار که توبه شکست باز هم توبه کند و رحمت بخشایش پروردگار توبه پذیر توبه اورا می پذیرد.

(وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ - الشوری-۲۵- و تنها اوتعالی است که توبه را از بندگانش می پذیرد.

الله (جل جلاله)

المتقم

(۸۱)

اسماء الله الحسنی یا نام های مبارک و نیکوی الله متعال به صورت کل مفهوم تعظیم و تمجید و تقدیس و توحید الله – سبحانه و تعالیٰ - را احتوا می کند، و بنده مؤمن از طریق همین نام های مبارک پروردگار خود را یاد می کند، از بارگاه او تعالیٰ میخواهد و به عظمت و قدرت کامل و مطلق او تعالیٰ پناه می برد. در پهلوی اکثر نام ها و اوصافی که دران رحمت و بخشایش و لطف بی پایان الهی متجلی میگردد و بنده را در حیات دنیا و آخرت امیدوار می سازد، خداوند بزرگ و مقتدر نام هائی دارد که دران وصف عدالت و عظمت و قدرت کبیرائی او تعالیٰ نمودار میگردد- بنده مقصر در بندگی و هر بنده که وصف (سریع الحساب و شدید العقاب) و نام های (الجبار، المتکبر، الحسیب، الرقیب) را بخاطر می آورد بیم عذاب و خوف حساب الله مقتدر اورا تکان میدهد و از راه توبه و اطاعت و کسب رضای خداوند می تواند در سایه رحمت و بخشایش الله متعال قرار بگیرد، در غیر آن و در صورت دوام تخلف و گناه حساب و عدالت الله در کمین است و بنده مجرم ازان خلاصی ندارد. یک نامی از نامهای الله متعال که انسان مجرم و ظالم از قید آن رهایی ندارد نام (المتقم) است، معنی المتقم یا انتقام گیرنده در مورد خداوند مجازات کننده و جزا دهنده مجرمین و ستمگاران را افاده می کند، الله - عز وجل - به همین ارتباط (مجازات منکران آیات خداوند و مجرمان و ستمگاران) سه بار در قرآن کریم خویشن را به وصف (متقم) ذکر فرموده است: (وَمَنْ أَظْلَمُ
مَنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ - السجدة- ۲۲- وچه کسی ستمگارتر ازان شخصی است که به آیات پروردگارش پند داده شود سپس ازان روی گرداند و انکار نماید، ما حتما" مجرمان را مجازات خواهیم کرد). (فَإِمَّا نَدْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ - الزخرف- ۴۱- پس هرگاه ترا (ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم) از میان ببریم (بعد از حیات تو) ما حتما" ازان مجرمان (که در گمراهی آشکار هدایات ترا قبول نکرده اند) انتقام خواهیم گرفت). (يَوْمَ تَبْطِشُ الْبَطْشَةُ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ - الدخان- ۱۶- روزی که به هجوم بزرگ و یورش سخت برآنها (مشرکین و دشمنان اسلام) می تازیم، ما حتما" با مجازات سنگین از آنها انتقام خواهیم گرفت). انتقام نهائی و مجازات سخت کافران و منکران آیات الهی در قیامت صورت می گیرد و یک مثال باز انتقام خداوند از دشمنان سرسخت اسلام در دنیا شکست کفار و مشرکین در غزوه (بدر) بود که در اولین برخورد حق و باطل در حالیکه لشکر مشرکین بیشتر از سه چند مسلمانان بود، به نصرت الهی فتح بزرگ نصیب لشکر کوچک اسلام شد و هفتاد نفر از سران مشرکین مکه به شمول ابو جهل دران کشته شدند.

الله (جل جلاله)

العفو

(٨٢)

العفو صیغه مبالغه به معنی کثیرالعفو یا بسیار عفو کننده است، العفو از آن نام های مبارک پروردگار مهربان است که بنده را همیشه امیدوار می سازد و مخصوصاً "بنده گنه کار به اتکای این نام ها از قید یأس خارج شده و با اطمینان اطاعت و عبادت الله متعال را سر از نو آغاز می نماید.

(عفو) از لحاظ لفظ و معنی به (غفور) نزدیک است، اما مفهوم مبالغه در (عفو) بیشتر از (غفور) بوده، غفور به معنی بسیار آموزنده و عفو بسیار عفو کننده و بخشنده است، در آمرزش اثر گناه از بین میروند و جزای آن بخشیده میشود اما در عفو بر علاوه آن اصل گناه محو میگردد، هم اثر گناه وهم خود گناه از بین میروند، گویا که اصلاً ارتکاب نشده است. این نام مبارک در جمله اسماء الله الحسنی به صورت مکرر در قرآن کریم ذکر شده و خداوند متعال فرموده است: (إِنْ تُبَدِّلُوا حَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا - النساء- ١٤٩) - اگر نیکی را آشکار یا پنهان کنید یا از بدی (دیگران) گذشت نمائید، پس یقیناً "الله بسیار عفو کننده، بسیار توانا است (بخشن را در کمال قدرت دوست دارد).

(إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ عَفُورٌ -الحج- ٦٠) - همانا الله بسیار عفو کننده، بسیار آمرزنده است

(وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ عَفُورٌ -المجادلة- ٢) - وبدون شک الله بسیار بخشنده و بسیار آمرزنده است

از مظاهر عفوپروردگار عفو برای صاحبان عذر در عبادات و مکلفیت های شرعی در وضو، در نماز، در روزه و حج به کثرت دیده می شود و هیچ تکلیف شرعی بالاتر از توان بنده وجود ندارد.

الله بخشاينده مهربان بنده گناهکار را که در خفا مرتكب معصیت شده باشد رسوا نمی سازد و ساحة تویه و برگشت همیشه باز است، الله متعال ازان بندگان مؤمن خود در سیاق مدرج یاد میفرماید که از پروردگار شان عفو می خواهند و از زبان قرآن کریم چنین دعا می کنند: (وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ -البقره- ٢٨٦) - و بما عفو بفرما و مارا ببخش وبما رحمت عنایت کن، تؤیی مولای ما، پس مارا برگروه کافران یاری بخشن

ام المؤمنین عایشه صدیقه - رضی الله عنها - از رسول اکرم - صلی الله عليه وسلم - پرسیدند: در شب قدر چگونه دعا کنم؟ فرمودند بگوید: (اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی - الهی تو بسیار عفو کننده ای، عفو و بخشايش را دوست داری، پس مرا عفو بفرما) چه خوب است اگر این دعا همیشه بر زبان ما باشد: اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی.

الله (جل جلاله)

الرؤوف

(۸۳)

(رؤوف) یکی از اسماء الله الحسنی است که الله متعال آنرا بخود پسندیده و بارها در قرآن کریم ذکر فرموده است. رؤوف به مفهوم مبالغه در رأفت به معنی رحمت و شفقت و مهربانی است، رؤوف و رحیم در عین معنی وارد شده و برخی از دانشمندان مبالغه رأفت در رؤوف را نسبت به مبالغه رحمت در رحیم پیشتر میدانند و برخی رأفت را نسبت به رحمت حالت خاص لطف و عنایت پروردگار گفته و رحمت را لطف و مهربانی عام خداوند گفته اند. اسماء الله الحسنی - دکتور عمر سلیمان الاشقر - به نقل از النهایه - ابن الاثیر - و شأن الدعاء - الخطابی). در آیات قرآن کریم نام و وصف (رؤوف) غالباً مقارن (رحیم) وارد شده و اینهم دلیل قرب معنی در میان هردو اسم از اسماء الله الحسنی است: (وَمَا كَانَ اللَّهُ يُضِيغُ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ - البقره - ۱۴۳ - والله متعال ایمان شمارا ضایع نمی سازد، به تحقیق الله به مردم (مؤمنان) بسیار بخشنده، مهربان است). (وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ - البقره - ۲۰۷ - والله بر بندگان (خود) بسیار مهربان است) (إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ - النحل - ۷ - بدون شک پروردگار شما بسیار بخشنده، مهربان است). مظاهر رحمت و لطف پروردگار رؤوف و رحیم برای بندگانش بیحد و حصر است، در عالم خلقت و کائنات، در عطاها و نعمات و در تسخیر زمین و فضا به استفاده انسان، در اموال، اولاد، ارزاق، قدرت تفکر و تعلق و کسب و نشر دانش و امثال آن و همچنان در دفع اضرار و اخطار و جلب منافع و تحقیق مصالح بندگان آثار رأفت و رحمت پروردگار بر بندگانش همواره نمایان است و هر انسان آنرا بچشم می بیند و در جسم و جان و قلب و فکر احساس می نماید. ایمان و عقیده به رأفت و رحمت پروردگار رؤوف و رحیم لذت عبادت و اطاعت الله متعال را دو چندان میسازد و بندۀ مؤمن از لغزش و اشتیاه و تقصیر در بندگی و عبادت با امید و اطمینان کامل در پناه رأفت و رحمت پروردگارش قرار می گیرد

قرآن کریم التجا و نیاز بیار گاه الله رؤوف و رحیم را از طریق این دعا که هر بندۀ به آن احتیاج دارد تعلیم داده است: (رَبَّنَا أَعْفِرْ لَنَا وَلِلْحَوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ وَلَا تَحْجَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلَالاً لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ - الحشر - ۱۰ - ای پروردگار ما! مارا و برادران مارا که پیشتر از ما ایمان داشته اند بخشای و در دلهای ما هیچ نوع کینه و بد بینی نسبت به مؤمنان راه مده - پروردگارا! تو رؤوف، دارای رأفت فراوان، رحیم صاحب رحمت زیاد هستی.)

الله (جل جلاله)

الغنى

(٨٤)

(الغنى) یکی از اسماء الله الحسنی است و الله متعال نه فقط این نام نیکو را بخود پسندیده و بارها در کتاب کریم خود آنرا ذکر فرموده است بل بندگان خود را امر میفرماید که این نام را بشناسند و بدانند، مانند این آیه کریمه (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّيْ حَمِيدٌ - البقره- ٢٦٧- وبدانید که بدون شک الله بی نیاز، ستوده و شایان ستایش است) اصطلاح(غنى) به شخص ثروتمند که بدیگران احتیاج نداشته باشد یک مفهوم نسبی و اصطلاح مجازی است اما(غنى) بحیث نام و وصف الله متعال به معنی بی نیاز مطلق که هیچ نوع احتیاج به هیچ چیز و هیچ کسی ندارد و بل تمام خلاائق به او (جل جلاله) محتاج اند، بی نیاز مطلق درساحه مخلوق وجود ندارد و غنى و فقیر و هر طبقه انسان در حیات اجتماعی بهم احتیاج دارند و در مجموع همه محتاج پروردگار جهان ها می باشند، و تنها رب العالمین غنى و بی نیاز ذاتی است، چنانکه بنده نیاز مند ذاتی و ذاتا" محتاج خلق شده است.

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَنِّيْ الْحَمِيدُ - فاطر- ١٥- ای مردم! شما فقرا و نیازمندان(در همه احوال) به الله متعال هستید و الله خود بی نیاز، ستوده است) بنده محتاج پروردگار خود است و پروردگار بی نیاز مطلق و به هیچ چیز به شمول عبادات بنده احتیاج ندارد: (لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْعَنِّيْ الْحَمِيدُ - الحج- ٦٤- آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ملک الله است و بدون شک تنها الله بی نیاز و شایان حمد و ستایش است)

احتیاج بنده به پروردگارش در رزق و مال و اولاد و صحت و هدایت و مغفرت و همه نیکی های دنیا و آخرت ودفع ضرر و مصیبت و نجات از آتش دوزخ بنده را و میدارد تا در کسب رضای پروردگار با ایمان و عقیده راسخ بکوشد و اوامر و نواهی الهی را در امثال و اجتناب جدا" مورد توجه داشته باشد، اعطای همه نعمت ها به تمام مخلوق یک سر سوزن از ملک الله کم نمی کند چنانکه گناه و تمرد همه انسان ها برابر یک سر موی به الله ضرر ندارد - خوب و بد به مخلوق تعلق می گیرد و ایمان به بی نیازی الله و اینکه او تعالی غنى مطلق و قابل حمد و ستایش است بنده را همواره متکی به لطف و عطای پروردگارش میسازد و احتیاج بنده به بارگاه الهی مانع غرور و تکبر او گردیده و سر بندگی و نیاز او همیشه به پیشگاه بی نیاز اوتعالی فرود می آید. و این دعای رسول الله- صلی الله عليه وسلم- را می آموزد و صادقانه تکرار می کند: (اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ)

الله (جل جلاله)

النور

(٨٥)

(النور) در جمله اسماء الله الحسنی به مفهوم (الله نور آسمان ها و زمین و روشنی جهان هستی) است. در تفسیر

(النور) علمای علوم قرآن کریم سه نوع تعبیر دارند:

۱- الله نور است، نور کامل و مطلق که به هیچ نوع انوار قابل مقایسه نمی باشد، نور الله رمز وجود و بقا و ظهور است، الله آشکار و ظاهر است و هر قلب آگاه و عقل متغیر آنرا احساس می کند و آثار روشن آن از هیچ چشم بینا پوشیده نیست.

۲- الله، نور بخش است. و جهان هستی را به نور حسی و معنوی روشن ساخته است، او تعالی خالق نور و مصدر نور و مدبیر استفاده و توزیع و سیر انوار فزیکی آفتاب و مهتاب و ستارگان ، و انوار معنوی ملائک و پیامبران و کتب آسمانی می باشد.

۳- نور الله، هدایت و وحی و تدبیر او تعالی است که در روشنی آن جهان هستی انتظام میابد، آیات روشن وحی الهی و تعلیمات ادیان آسمانی و بالخاصه خاتم ادیان و هدایات خاتم کتب آسمانی(قرآن کریم) انسان را از تاریکی جهالت و گمراهی بروشنی علم و هدایت میرساند.

برخی از اسناد و دلائل این تعبیرات به ارتباط اسم مبارک (النور) عبارت اند از:

الف: (الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ -النور-٣٥- الله، نور آسمان ها و زمین است)

(وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا -الزمرا-٦٩- زمین به نور پروردگارش روشن گردید.)

ب: در حدیث متفق علیه (صحیح بخاری و صحیح مسلم) ابن عباس - رضی الله عنهمـ روایت نموده است: رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در قیام نیم شب چنین دعا میکردند: (اللهم لك الحمد، انت رب السماوات والارض، لك الحمد، انت نور السماوات والارض- ای الله! حمد و ستایش برای تو است، تو پروردگار آسمان ها و زمین هستی، حمد و ستایش برای تو است. تو نور آسمان ها و زمین هستی)

در دعای معروف رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در بازگشت از سفر پر مشقت طائف این عبارت وارد شده است: (أعوذ بنور وجهك الذى أشرقت له الظلمات و صلح عليه أمر الدنيا والأخره أن يحل على غضبك، أو أن ينزل بي سخطك - به نور روی تو که همه تاریکی ها با آن میدرخشد و کار دنیا و آخرت به آن آراسته گردد، پناه میجویم، تامباذا خشم تو بر من فرود آید و یا قهر تو مرا فرا گیرد)

آیه کریمه (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) در عین حالی که نام مبارک (نور) را بحیث وصف قائم بذات الله متعال افاده می کند، مفهوم نور بخش و نور دهنده آسمان ها و زمین را نیز میرساند و همچنین هدایت و رهنمائی اهل آسمان ها و زمین بنور مبارک صاحب نور و خالق نور و بخشندۀ نور و مصدر تمام انوار، الله متعال صورت میگیرد. در صحیح عودت از اسراء و معراج رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از آنحضرت پرسیدند: هل رایت ربک؟ آیا پروردگارت را دیدی؟ فرمودند: رایت نورا"- نور را دیدم.

با ایمان کامل به (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) به نور رحمت و هدایت پروردگار مهربان پناه می برمی تا دلهای ما را از ظلمت جهل و گمراهی و گناه پاک بسازد و به نور هدایت و عنایت الهی منور بگرداند. آمين يا رب العالمين.

الله (جل جلاله)

الهادی

(۸۶)

(الهادی) یعنی هدایت کننده و راهنمایی از اسماء الله الحسنی و نام‌های مبارک الله متعال است، صفت هدایت و رهنمود در قرآن کریم به دو مفهوم و دو نوع مصدر هدایت وارد شته است:

یکی هدایت به مفهوم دعوت و ارشاد و بیان راه‌های خیر و تطبیق قواعد(امر بالمعروف و نهی از منکر) است که این ساحة(هدایت) به پیامبران و پیروان شان و دانشمندان و اولیای امور بندگان تعلق می‌گیرد، در رأس این هدایتگران خاتم پیامبران رسول اکرم (محمد مصطفی-صلی الله علیه وسلم) قرار دارند، درمورد این رسالت خداوند متعال خطاب به رسول الله(ص) فرموده است: (وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ-الشوری-۵۲- وبدون شک تو(ای پیغمبر!) حتماً" مردم را به راه راست هدایت می‌کنی).

قرآن کریم از زبان ابراهیم (علیه السلام) حکایت می‌کند که به پدر بُت پرست خود گفته بود(فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا - مريم-۴۳- پس مرآپیروی نما تاترا برآ راست هدایت کنم).

كتب آسمانی هر کدام و مخصوصاً "قرآن کریم کتاب هدایت بشری است(إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰهِي أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا - الاسراء-۹- مسلماً" این قرآن مردم را به راهی که مستقیم ترین و استوار ترین است هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که اعمال صالحه انجام میدهند مژده میدهد که برای آنها پاداش بزرگی خواهد بود) اما مفهوم خاص و کامل هدایت همانا هدایت خالق هدایت گران و صاحب کتب آسمانی الله متعال و هادی حقیقی است(وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ-الحج-۵۴- ویقیناً "الله هدایت کننده مؤمنان برآ راست است)

هنگامیکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از گمراهی قوم خود و اینکه احکام قرآن را کنار گذاشته اند بیارگاه پروردگار به لهجه شکوه یاد می‌کنند، الله متعال میفرماید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى

بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا - الفرقان-٣١- وainچین برای هر پیغمبری دشمنی از جمله مجرمین قرار داده ایم (این سنت الهی است که به منظور امتحان و تفریق خیر و شر، پیامبران دشمنانی میداشته باشد و تو ای محمد(صلی الله علیه وسلم) در برخورد با دشمنان تنها نیستی) وهمین کافی است که پروردگارت راهنمای و مددگار تو است)

هدایت مخصوص الله - سبحانه و تعالی - که صفت خاص او تعالی است و هیچ مخلوقی نمیتواند آنرا داشته باشد، آن هدایت است که با خلق اجزای کائنات هر جزء آفرینش را برسالت و وظیفه ای که خلق شده است هدایت میفرماید، این مطلب درین آیه کریمه منعکس گردیده است: (قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - طه - ٥٠ - فرعون با تکبر و غرور از موسی علیه السلام و برادر شان هارون علیه السلام پرسید: پروردگار شما کیست؟ موسی ع گفت: پروردگار ما آن ذاتی است که به همه چیز آفرینش بخشیده است، سپس (هر پدیده خلقت را به منظوری که خلق شده) هدایت فرموده است

(الله (الهادی) ایمان را در قلوب مؤمنان خلق می کند، سپس بندگان مؤمن را به مقتضای ایمان راهنمائی میفرماید، آنگاه وظیفه بندگان است که اراده و استعداد شانرا مطابق هدایت فطری و تشریعی الله متعال برآ راست سوق میدهند و هدایت میابند و یا به انحراف میروند و گمراه میگردند (مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا ۚ - الکهف - ۱۷ - هر که را خداوند هدایت بفرماید پس او (واقعا") هدایت یافته است و هر که را (دراثر سوء اختیار و اراده منحرف خودش) گمراه نماید هرگز سرپرست و راهنمائی برای او نخواهی یافت)

حمد و ستایش خاص برای پروردگار هادی و حافظ و مهربان است که خواستن هدایت را از مالک هدایت ورد زبان بندگان مؤمن ساخته و هر باری که بنده مؤمن به پیشگاه پروردگارش می ایستاد در هر رکعت نماز در ضمن سوره روح بخش فاتحه (اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) می گوید.

اللَّهُمَّ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

آمين

الله (جل جلاله)

البدیع

(٨٧)

(البدیع) از نظر لغت عربی به معنی فاعل (المبدع) مفهوم پدید آورنده اشیا بدون نمونه قبلی را افاده می کند، نوآور و مخترع که به تنهائی و بدون اشتراک غیر پدیده جدید ایجاد نماید (المبدع) و نوآفرین گفته می شود.

این مفهوم به صورت کامل و مطلق و بی مثال و بی شریک وصف آفرینش آفریدگار حقیقی و مبدع آسمان ها وزمین و کائنات محسوب می گردد، به همین منظور (البدیع) از جمله اسماء الله الحسنی و از نام های مبارک الله متعال است و قرآن کریم آنرا بیان داشته است: (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ -البقره-١١٧- (او تعالی) آفریدگار آسمان ها و زمین است، و هنگامیکه فرمان پیدایش چیزی را صادر نماید فقط به او میگوید: موجودشو، پس موجود می شود) و نیز آیه مبارکه دگری می فرماید: (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبةٌ وَحَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ -الانعام-١٠١- (او تعالی) ذاتی است که آسمان ها و زمین را (از عدم) به وجود آورد چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد در حالیکه او همسری نداشته است، و همه چیز را او آفریده است و او (تعالی) به همه چیز دانا است (دلائل ابداع و آفرینش بلامثال سابق در همه خلائق و در همه اجزای کائنات مشهود است. آسمان ها و زمین و انسان و فرشتگان و جن و سائر اجزای کائنات فقط یک آفریدگار مبدع دارد و همه را او تعالی به قدرت کامل و مطلق خود از نیستی به هستی آورده است، داشتن فرزند بدون همسر ناممکن است و فرزند و همسر باید هم جنس پدر و شوهر باشند که این مفاهیم در مردم الله یگانه و یکتا و بی مثال و بی شریک ناممکن و دور از تصور است و آیه کریمه قبل الذکر چنین مزاعم باطل مشرکین را رد نموده و توحید خالق بدیع و پروردگار عالم هارا تأکید می نماید. ایمان و اعتقاد به خلائقیت بی مثال الله متعال از لوازم توحید و عقیده به وحدانیت او تعالی است. بنده مؤمن هنگام تفکر در آفرینش خودش و در ایجاد پدیده های وجود و خلقت آسمان ها و زمین و آفتاب و مهتاب و ستارگان بخوبی در میابد که این همه مظہر ابداع و ایجاد خالق مبدع و رب العالمین است که به قدرت مطلق و کامل و بفرمان (کن فیکون) جهان هستی را بوجود آورده است. فتبارک الله احسن الخالقین.

الله (جل جلاله)

النصير

(٨٨)

(النصير) مبالغة (الناصر) به معنی کمک کتنده و مددگار از جمله اسماء الله الحسنى و نام های مبارک و نیکوی الله متعال است و به صورت مکرر در آیات قرآن کریم ذکر یافته چنانچه خداوند کریم میفرماید: (فَاعْلُمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَأُكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرِ - الانفال - ٤٠ - پس بدانید، بدون شک الله یار و حامی شما است، چه بهترین یار و سرپرست و چه بهترین کمک کتنده و مددگار.).

ونیز فرموده است: (وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَأُكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرِ - الحج - ٧٨ - وبه الله (دین الله) چنگ بزنید. او (تعالی) حامی و سرپرست شما است، پس چه بهترین یار و سرپرست. و چه بهترین کمک کتنده و مددگار) تعاون و همکاری و کمک میان مخلوق و افراد بشر نیز موجود و مطلوب است اما این کمک و همکاری میان محتاج و محتاج و یا کمتر محتاج وزیادتر نیازمند صورت می گیرد، انسان و مخلوق بی نیاز وجود ندارد، همه فقیر و نیازمند و تنها پروردگار، غنی و بی نیاز است (وَاللَّهُ أَعْلَمُ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ - سوره محمد - والله بی نیاز است و شما فقراء). قرآن کریم موارد زیادی از نصرت و کمک الله - عزوجل - را برای پیامبران و مؤمنان در موافق مشکل و دشوار بیان نموده است، در غزوه (بدر) تعداد کمی از مسلمین در برابر لشکر بزرگ مشرکین و کفار قرار گرفتند و به نصرت و مدد الهی فتح بزرگ نصیب مسلمین گردید.

در غزوه (حنین) بعد از فتح مکه مسلمان ها به فتح و کثربت عدد شان احساس غرور کردند و به نصرت الهی اتکاء ننمودند نخست به شکست مواجه شدند و بعد از گرفتن درس غرور و مراجعته به اتکا و نصرت خداوند دوباره به فتح بزرگ نایل شدند.

در مسائل جنگ و صلح و امور زندگی، انسان به بذل جهد و مساعی کامل و تهیه و سائل واسباب بعد از اراده جازم

مکلفیت دارد و بالاتر ازین امور به توکل و اتکاء به قدرت و نصرت الهی نیز محتاج است و کمک حقیقی و بزرگ، فقط از جانب پروردگار مددگار میسر شدنی است و بس (وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - آل عمران- ۱۲۶- وپیروزی ونصرت جز از جانب الله نیست)

درجمله مثال ها و موافق زیادی از مدد و نصرت الله متعال قرآن کریم بندگان مؤمن را به طلب نصرت از بارگاه پروردگار توجیه و ارشاد میفرماید و از دعا های قرآنی یکی این دعا است که همیشه به آن احتیاج داریم: (رَبَّنَا وَلَا تُحِمِّلنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ - ختم سوره بقره- ای پروردگار ما! بردوش ما منه آنچه که در توان ما نباشد، و بما عفو فرما و مارا به بخش و بما رحمت عنایت کن، توئی مولای ما. پس مارا برگروه کافران یاری بخش)

الله (جل جلاله)

الوارث

(٨٩)

(الوارث) بحیث نام و وصف مبارک الله متعال به صورت مکرر در قرآن کریم ذکر شده است. معنی وارث بازمانده و باقی بعد از گذشته و فانی و به ارث گیرنده املاک فانی توسط باقی می باشد، وازانجا که مالک حقیقی آسمان ها و زمین و تمام کائنات الله - جل جلاله - است و یک قسمت از املاک خود را از طریق استخلاف به بندگان خود عنایت فرموده و بندگان آنرا در میان خود به توارث و تناقل طرف استفاده و استعمال املاک قرارداده اند، و چون در پایان زندگی تمام خلائق فنا پذیراست و هیچ مخلوق باقی نمی ماند و یگانه باقی و دائم، خالق آسمان ها و زمین و انسان و جن و ملک و تمام کائنات می باشد، از آنروهمه انواع میراث و همه املاک به مالک حقیقی برمیگردد و یگانه وارث جهان، یگانه باقی، الله (ذو الجلال والاکرام) خواهد بود.

در برخی از آیات کریمه که صفت(وارث) به الله متعال تعلق گرفته است: (وَزَكَرِيَا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَدْرِي فَرْدًا وَأَنَّتَ حَيْرُ الْوَارِثِينَ - الانیا- ٨٩- و(بیاد آور) ذکریا - علیه السلام - را، هنگامیکه پروردگارش را ندا کرد (و گفت:) پروردگارا ! مرا تنها مگذار (و به من فرزندی عنایت کن تا وارث من در تبلیغ دعوت باشد و در غیر آن هم باکی نیست) در حالیکه تو بهترین وارثانی)

(وَإِنَّا لَنَحْنُ لُحْبَيْ وَمُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ - الحجر- ٢٣- و به تحقیق ماهستیم که همانا زنده میگردانیم و میمیرانیم و ما وارث (یگانه باقی و مالک جهان) می باشیم).

عقیده به اینکه تمام هستی فنا پذیراست و مالک اصلی جهان خالق هستی و پروردگار جهان می باشد، بندۀ باید بداند، آنچه که از مال و متعاع در دست او است چند روزی امانتی بیش نیست، نظام مالک اصلی آن مال و متعاع باید رعایت شود و حقوق و واجبات مربوط به آن ادا گردد.

در غیر آن هرگاه صاحبان اموال و املاک در کسب و استعمال آن قصور و تخلف داشته باشند و در حقوق بینوایان و مدارک خیریه بُخل ورزیده باشند، و عید شدیدی درین آیه کریمه متوجه آنها است: (وَلَا يَحْسَبَنَ الَّذِينَ

يَبْخَلُونَ إِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ حَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرُّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيراثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ إِمَا تَعْمَلُونَ حَيْرٌ -آل عمران- ۱۸۰- ونه پندارند آنانکه بُخل میورزند نسبت به آنچه که خداوند از لطف خویش به آنها عطا فرموده است که این بُخل به خیر آنها خواهد بود بلکه آن وسیله شر و بزیان ایشان است، در روز قیامت آنچه که دران بُخل ورزیده اند طوق گردن شان گردد، و میراث آسمان ها و زمین خاص به الله متعال تعلق می گیردو الله به آنچه انجام میدهید آگاه است).

الله (جل جلاله)

الصادق

(٩٠)

(صادق) به معنی راست، راستگو و راست کار در قرآن کریم در محل مدح و ستایش بحیث وصف اخلاقی خجسته و نیک برای پیامبران، مؤمنان و بندگان محبوب خداوند ذکر شده و از پاداش نیکوی صدق و راستی در آخرت نیز توصیف به عمل آمده است.

الله متعال میفرماید: (هذا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ بَخْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَهْمَارُ حَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ دَلِيلُ الْقُوْزُ الْعَظِيمُ - المائدہ- ١١٩- این روزی است که راستی راست گویان به آنها منفعت می بخشد، برای آنها باغهائی است که از زیر درختان آن جوی ها جاری است، دران جاودانه میمانند، خداوند از آنها راضی است و آنها از پروردگارشان خوشنود اند، این رستگاری بزرگ است)

در مقابل ضد صادق و صدق کاذب و کذب است که لعنت خداوند در برابر آن وارد شده است. اما(صادق) و همچنان (صدق) به معنی صادق ترین بحیث نام و صفت الله متعال نیز چند بار در قرآن کریم ذکر شده و از جمله خداوند میفرماید: (ذَلِيلٌ جَزِينٌ أَهُمْ بِيَعْيِهمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ- الانعام- ١٤٦- به این حکم ما آنها را بخاطر ظلم و تجاوزی که مرتكب شده اند مجازات نمودیم و البته ما(درهمه احکام و اخبار) صادق بوده ایم)

(وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا - النساء- ٨٧- وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا - النساء- ١٢٢-) وکیست که در حدیث و در گفتار از الله صادق تر باشد؟ (فُلُونَ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبَعُوا مِلَّةً إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا - آل عمران- ٩٥- بگو(ای پیغمبر!) الله راست فرمود، پس از آئین ابراهیم پیروی کنید که حق و راست است)

قول الله- وعده الله- حکم و خبر الله همه راست و حق است و هیچ شایبه و ذره ای از شک دران نیست، او تعالی مالک الملک و احکم الحاکمین است، همه هستی و خلقت از او و در تصرف او است، او تعالی اصدق القائلین است و صادقان را دوست دارد. هنگامیکه آیاتی از کتاب الله تلاوت می کنیم و در انجام هر ذکری از قول خداوند بربازان ما این شعار ایمانی جاری میگردد: (صدق الله العظیم) راست فرمود الله بزرگ.

الله (جل جلاله)

الجامع

(٩١)

اسم(الجامع) به معنی جمع کننده و گرد آورنده خلائق در روز قیامت بحیث نام و صفت الله متعال در قرآن کریم ذکر شده است، مانند این آیات مبارکه:

(رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ -آل عمران-٩- ای پروردگارما! بی شک که تو همه مردمان را باهم جمع کنی برای روزی که دران هیچ شبیه نیست(روز قیامت) الله هرگز خلاف و عده نمیکند) (إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا -النساء-١٤٠- یقینا" خداوند منافقان و کافران را باهم یکجا در دوزخ جمع خواهد کرد)

در روز قیامت یا روز آخرت و یا روز جزا که بدون شک آمدنی است و عقیده به حقانیت آن و اینکه الله متعال به قدرت کامل خود همه را دران روز جمع می کند و از همین رو آن روز به (یوم الجمع) نیز یاد شده است، اعتقاد به آن روز یکی از ارکان شش گانه ایمان است(ایمان به الله - عز وجل - وفرشتگان او، وکتاب های او، و پیامبران او و روز آخرت، و قضا و قدر الله) انکار از هر کدام این ارکان ایمان شخص را از دائره ایمان خارج می سازد. از جمله نام های روز آخرت یکی (یوم الحساب) است، و اصل (بعث بعد الموت) یعنی زنده شدن بعد از مرگ به منظور حساب اعمال بندگان و نتایج زندگانی فانی دنیوی و اثبات حجت در میزان اعمال و سرنوشت مجازات و پاداش نیک بندگان در حیات دائمی اخروی می باشد.

هنگامیکه به امر الله متعال و جامع بندگان اجسام از بین رفته مردگان و ارواح جداشده از ابدان آنها بهم یکجا و دوباره زنده می شوند در میان آنانکه از میان قبور بر میخیزند و کسانیکه حریق شده اند و یا غریق بوده اند و یا در هوا و زمین تلف شده اند هیچ تفاوتی نیست و همه به رستاخیز گرد آورده می شوند، در این مورد خداوند میرماید:

(أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - البقره-١٤٨- هر کجا باشید، الله همه شمارا باهم جمع می کند، بدون شک الله به همه چیز توانا است).

الله (جل جلاله)

الكافی

(۹۲)

(الكافی) به معنی کفایت کننده و بسنده در هر امری که خواسته باشد و (کافی) بحیث نام و وصف الله متعال در قرآن کریم وارد شده و خداوند فرموده است: **أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ** - الزمر - ۳۶ - آیا الله (به حفظ و نصرت و حمایت) بنده اش کافی نیست؟

چنین روش استفهام (أليس؟) برای تأکید اثبات است به این معنی که بدون شک الله حتماً به مدد و حفاظت و حمایت بنده اش کافی است، زیرا الله به احوال بنده اش آگاه است، نیاز بنده اش را میداند، اوتعالی بی نیاز است، بخیل نیست، محتاج نیست، احتیاج و نیاز بنده اش خزانه رحمت و نعمت اورا کم نسازد، او بر همه چیز قادر و توانا است. مراد از (بنده اش) در آیه کریمه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و سائر بندگان الله است. هر بنده که بندگی و عبادت پروردگارش را انجام میدهد و به اوتعالی اعتماد و توکل می نماید و به عهد **إِنَّا كَنَّا نَعْبُدُ وَإِنَّا كَنَّا نَسْتَعِينُ** - خاص ترا می پرسیم و خاص از تو یاری میجوییم پابند است و به آن ایمان دارد، الله برای او بس است و سعادت و موفقیت دنیا و آخرت او در دست رحمت و عنایت پروردگار است.

کفایت و بسنده‌گی الله متعال به حمایت و رعایت و نجات بنده اش در وقایع تاریخی زندگانی پیامبران و بندگان مؤمن مثل های بارز و متعدد دارد. آتش سوزان برای ابراهیم - علیه السلام - سرد و منبع آرامش میگردد، برای موسی - علیه السلام - و قوم شان در میان بحر راه نجات باز می شود و لشکر فرعون دران غرق می شوند - در غزوات رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرشتگان به امر پروردگار فرود می آیند و لشکر اسلام را حمایت می نمایند و دشمنان شان را شکست میدهند.

الله متعال پیامبر محبوب خود محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - را اطمینان میدهد که در صورت اعراض دشمنان از ایمان به الله و رسول او پروردگارش به حمایت او کافی است (**فَسَيَكُفِّرُهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** - البقره - ۱۳۷) - پس الله (به حمایت و یاری) تو کافی است و اوتعالی شنوا، دانا است)

الله (جل جلاله)

المستعان

(٩٣)

(المستعان) از مصدر الاستعانه) گرفته شده و استعانت به معنی عون و معاونت و مدد و ياري خواستن است و (مستعان) يگانه مرجع استعانت و ذاتي که بنده از وي ياري ميخواهد و نياز مند مدد و معاونت او است، به همین مفهوم اسم(المستعان) در قرآن كريم وارد شده الله تعالى و مستعان ميفرماید: (قَالَ رَبِّ الْحُكْمِ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ -الأنبياء-١١٢- (پیغمبر اکرم- صلی الله علیه وسلم- در برابر کسانی که دعوت و رسالت اسلام را قبول نکردند خطاب عاجزانه به پروردگارند و) گفت : پروردگارا ! (در میان ما و اینها) بحق داوری و حکم فرما، پروردگار ما بسیار مهربان است، در برابر آنچه که شما بیان میدارید تنها از او تعالی استمداد و ياري خواسته میشود)

آیه کریمه (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) در سوره مبارکه فاتحه ورد زبان و قوت قلب هر مؤمن است و بنده مؤمن ایمان دارد که يگانه معبد بحق و مستعان مطلق پروردگار عالم ها است

هربنده در حیات خود و در امور زندگانی خود به وقایع و مسائلی مواجه میگردد که در تسهیل و اجرای آن به کمک و معاونت ضرورت دارد، يگانه مدد گار و دستگیر بنده پروردگار او است، الله مستعان دوست دارد که بنده از او تعالی مدد بخواهد و او - عزوجل - بنده را ياري نماید. قرآن کريم از زبان یعقوب - عليه السلام - در (احسن القصص) یوسف - عليه السلام - حکایت می کند: هنگامیکه اولاد یعقوب - عليه السلام - با دسیسه و دروغ خبر مرگ برادرشان یوسف - عليه السلام - را به پدر شان رسانده و گفتند: ما مصروف مسابقه بودیم و یوسف نزد سامان ولوازم ما باز مانده بود که گرگ رسیده و اورا خورده است، یعقوب - عليه السلام - در برابر دسیسه و خیانت برادران یوسف - عليه السلام - گفت: (فَصَبَرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ - یوسف - ۱۸ - پس (حالت من) صبر جمیل (صبر بدون ناله و فغان) است در برابر آنچه که شما ادعا می کنید الله (مستعان) يگانه مدد گار است.

الله (جل جلاله)

المنان

(۹۴)

(المنان) مبالغه صاحب منت و احسان به معنی بسیار منت گزار، کثیر العطاء والانعام یعنی آنکه عطاى وافر و انعام زیاد و احسان بزرگ دارد. المنان بحیث یکی از اسماء الله الحسنی و نام های نیک و مبارک الله متعال در حدیث صحیح سنن ابی داود و ترمذی بروایت انس بن مالک- رضی الله عنه- وارد شده است: راوی حدیث (انس رض) میگوید: بحضور رسول الله- صلی الله علیه وسلم- نشسته بودیم، شخصی در حالت ادای نماز بود، بعد از نماز چنین دعا کرد: (اللهم انى اسألک بأن لك الحمد، لا اله الا أنت، المنان، بديع السماوات والارض، ياذا الجلال والاكرام، يا حي يا قيوم !) الهی ! من از تو میخواهم، همانا حمد و ستایش خاص برای تو است، هیچ معبدی بجز تو وجود ندارد، تو منان (صاحب منت و احسان بزرگ هستی) خالق آسمان ها و زمین، ای صاحب عظمت و جلال و شکوه و تعظیم ! ای زنده و باقی ای پاینده و دائم ! رسول الله- صلی الله علیه وسلم- با شنیدن دعای آن نماز گزار فرمودند: واقعاً " بنام عظیم الله دعا کرد. به آن نام که الله دعا را به آن اجابت نماید و آنچه به آن خواسته شود عطا فرماید. الله متعال برهمه بندگان خود منت گذاشته و احسان نموده و صاحب فضل و انعام بزرگ و نعمت های بی شمار در نظام خلقت و در حیات انسان است، آفرینش حواس و استمدادات بشری و تسخیر کائنات برای استفاده انسان از مظاهر منت و احسان بزرگ الهی است. اسم مبارک (منان) به همین صورت و بحیث نام در قرآن کریم وارد شده و از حدیث صحیح نبوی گرفته شده است اما مثال های منت و احسان خداوند به بندگانش در موارد متعددی در کتاب خداوند ذکر شده و بزرگترین منت و نعمت و احسانی که الله متعال عنایت فرموده است برگزیدن و بعثت رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- برای هدایت بشری است (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتَّلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ - آل عمران- ۱۶۴- واقعاً" خداوند بر مؤمنان منت گذاشت آنگاه که رسولی از خود آنها در میان آنان بر انگیخت(پیغمبری) که بر آنها آیات اوتعالی را تلاوت می کند و ایشان را از آلایش گناه پاک میسازدو به آنها کتاب (قرآن، احکام و معارف شرعی) و حکمت(سنت و حقائق و معارف فکری) می آموزد). دنیای خلقت و اجزای کائنات در واقع کتاب بزرگ نعمت ها و عطایای پروردگار است که بنده از شکران یک فصل آنهم برآمده نمیتواند، بهتر آنست که همه در حد توان فرمانبر و شکر گزار پروردگار منان باشیم. الحمد لله رب العالمین.

الله (جل جلاله)

الدّيَان

(٩٥)

(الدیان) که بخارط ورود آن در حدیث صحیح رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از جمله اسماء الله الحسنى محسوب گردیده است از نظر لغت به معنی حاکم، حکم ، قاضی و محاسب می باشد. بروایت امام بخاری(رح) در کتاب معروف شان(الادب المفرد) و روایت امام احمد با سند حسن و تایید و تصحیح شیخ ناصر الدین البانی محقق معروف حدیث، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: (یحشر الله تعالی العباد او یحشر الله الناس... فینادی بصوت یسمعه من بعد، كما یسمعه من قرب، أنا الملک أنا الدیان، لا ینبغی لاحد من اهل الجن، ان یدخل الجنه واحد من اهل النار یطالبه بمظلمه، و لا ینبغی لاحد من اهل النار ان یدخل النار واحد من اهل الجنه یطالبه بمظلمه، ... بالحسنات و السیئات). الله متعال بندگان یا مردم را(در روز رستاخیز) جمع می کند و به آوازی که دور و نزدیک آنرا می شنو ند میفرماید: من پادشاه هستم، من دیان(حاکم و داور) هستم، هیچ احدی از اهل بهشت را نه شاید که داخل بهشت گردد درحالیکه یک تن از اهل دوزخ بروی مطالبه ظلم و ستم داشته باشد، و نیز احدی از اهل دوزخ نباید داخل آتش گردد درحالیکه یک تن از اهل بهشت بروی مطالبه ظلم و ستم داشته باشد... تصفیه تمام حقوق از طریق تبادله حسنات و سیئات صورت می گیرد(برای مظلوم از حسنات ظالم داده میشود، هرگاه ظالم حسنات نداشت از سیئات مظلوم بروی تحمل میگردد). ازمفهوم این حدیث مبارک و نام ووصف (دیان) بر می آید که الله متعال در روز قیامت نامه اعمال بندگان خود را که توسط فرشتگان ثبت شده است یک یک مراجعه و محاسبه میفرماید و اعمال خیر و شر و کفر و ایمان وطاعت و معصیت بندگان درمیزان محاسبه الله(دیان) وزن می شود و به اساس آن پاداش هریک تشخیص میگردد(فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ -الزلزله- ٧) -٨- پس هرکس به اندازه و وزن یک ذره عمل خیر انجام داده باشد(پاداش نیک) آنرا می بیند و هرکس که به اندازه و وزن یک ذره عمل شر(کاربد) کرده باشد(جزای) آنرا می بیند. در میدان عدالت و محاسبه خداوند(دیان) هیچ حق و ظلم و ستمی از هیچکس برهیچکس باقی نمانده و نامه عمل همه دردسترس شان وجود دارد و به هرکس گفته میشود(أَفْرُكِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا -الاسراء- ١٤) -کتاب(اعمال) خود را بخوان (وسرنوشت خودرا دریاب) و کافی است که امروز خودت محاسب(اعمال) خود باشی).

الله! در آن روز مارا از رحمت و عفو خود محروم نه سازی. آمين

الله (جل جلاله)

الشافی

(۹۶)

(الشافی) یعنی شفا بخش و شفا دهنده از هرنوع بیماری(جسمی و روحی) یکی از نام های مبارک الله متعال است که در حدیث متفق علیه صحیح بخاری و صحیح مسلم به همین لفظ (الشافی) ذکر شده است. ام المؤمنین عائشه- صدیقه- رضی الله عنها روایت می کند: رسول الله- صلی الله علیه وسلم- هنگامیکه برخی از اهل شانرا در حالت مریضی عیادت میفرمودند، دست مبارک راست شانرا در محل شکایت در جسم مریض تماس میدادند و می گفتند:

"(اللهم رب الناس أذهب البأس، اشفه وأنت الشافي لأشفاء الا شفاؤك، شفاء لا يغادر سقما"

الهی ! ای پروردگار مردم ! درد و عذاب را نابود بگردان، (مریض) را شفا به بخش، درحالیکه تو شافی (شفابخش) هستی، هیچ شفای (حقیقی) نیست مگر شفای تو، آن شفا که هیچ (اثری) از بیماری بجا نگذارد.

ابراهیم- علیه السلام- هنگامیکه پروردگار خویش- سبحانه و تعالی- را ستایش نموده و آثار قدرت و رحمت او تعالی را یاد می کند می گوید: **(الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِنِي وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِيْنِي وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِيْنِي**- (الشعراء-۷۸-۸۰-پروردگار من) ذاتی که مرا آفریده است، پس او تعالی مرا (به راه راست و سعادت دارین) رهنمایی می نماید، و ذاتی که او به من غذا و آشامیدنی عنایت میفرماید (رزق و روزی من از جانب او تعالی میرسد) و هنگامیکه مریض شدم پس او تعالی مرا شفا میدهد). خداوند کریم شافی حقیقی هر نوع امراض است، شفای الله متعال مانع مراجعته به طبیب و استعمال ادویه نیست، شفا از جانب الله می آید و طبیب و دوا را الله متعال بحیث وسائل و اسباب شفا خلق نموده است.

الله- سبحانه و تعالی- قرآن کریم را برای مؤمنان شفا و رحمت نازل فرموده چنانچه آیه کریمه شماره (۹۲) سوره اسراء آنرا تأکید می نماید: **(وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ**- واز آیات قرآن آنچه که او شفا و رحمت مؤمنان است نازل می کنیم). شفای پروردگار هرنوع بیماری ناشی از جهل و شرك و کفر و نفاق و انواع امراض را از بین می برد و رحمت او تعالی وسیله آرامش و سعادت دنیا و آخرت بندگان مؤمن می باشد.

الله (جل جلاله)

المحسن

(۹۷)

(المحسن) در جمله نام های مبارک الله متعال بخاطر ذکر آن در حدیث صحیح رسول الله -صلی الله علیه وسلم- وارد شده است، در (المعجم الكبير- طبرانی) از شداد بن اوس -رضی الله عنہ- روایت شده که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: (ان الله محسن يحب الاحسان- بدون شک الله محسن است و احسان را دوست دارد)

در سلسله احادیث صحیحه که توسط الشیخ ناصر الدین البانی جمع شده است در جزء یک حدیث صحیح ذکر شده: (ان الله محسن يحب المحسنين- به تحقیق الله محسن است و محسنين را دوست دارد). محسن که اسم فاعل از مصدر احسان است و احسان حاوی مفهوم (حسن) به معنی انجام عمل نیک بوجه احسن و یا اجرای کار نیکو به بهترین وجه گفته می شود، این مفهوم در روابط بشری و انجام وظائف و اعمال بندگان نیز در حدود توان مطلوب است و مخصوصاً "در ساحة عبادت، رسول کریم- صلی الله علیه وسلم- در تفسیر (احسان) فرموده اند (ان تعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فانه يراك- الله متعال را چنان عبادت کنی گویا که او تعالی را می بینی، پس اگر تو توان دیدن او تعالی را نداشتی متیقن باش که او- عز وجل- ترا می بیند).

وصف احسان به معنی اتقان عمل و انجام آن به بهترین وجه بدون هیچ خلل و نقصان در افعال الله- جلت عظمته- و در آفرینش او تعالی در کامل ترین صورت آن دیده می شود. الله -سبحانه و تعالی- می فرماید: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ- السجده- ۷- (الله) آن ذاتی است که هر چه آفرید به بهترین صورت آفرید، و آفرینش انسان (اول) را از گل آغاز کرد).

(فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ- المؤمنون- ۱۴- پس مبارک و بزرگ مقام است الله، بهترین آفرینندگان است)

الله- تبارک و تعالی- که خود محسن به معنی مطلق و کامل کلمه است و احسان او تعالی ساحة خلقت را احتوا میکند، بندگان خود را نیز به احسان امر میفرماید: (وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ- البقره- ۱۹۵- و نیکی کنید، به تحقیق الله نیکو کاران را دوست میدارد)

الله (جل جلاله)

المعطى

(۹۸)

در حدیث صحیح بخاری بروایت معاویه - رضی الله عنہ - رسول الله - صلی الله علیہ وسلم - فرموده اند: (من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین، والله المعطی و انا القاسم - کسیکه الله به وی اراده خیر بفرماید، اورا در امور دین دانشمند بسازد، والله عطاکننده است و من قسمت کننده) یعنی الله کریم متعال عطا میفرماید، نعمت ها و عطایای مادی و معنوی و ارزاق و غنائم، خیر و فضیلت از جانب پروردگار عنایت می شود و رسول اکرم - صلی الله علیہ وسلم - پیام خداوند و طرق کسب و استفاده از عطایای الهی را به مردم میرساند.

انعام و احسان و عطای الله - عزو جل - حدود و قیود ندارد، آنچه خواسته باشد به بندگان خود عنایت فرماید، از عطای خداوند در دنیا تمام بندگان اعم از خوب و بد و از مؤمن و کافر همه بهره مند میگرددند، چنانچه خداوند میفرماید: (كُلَّا مِنْ هُؤُلَاءِ وَهُؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءَ رَبِّكَ مُحْظُورًا - الاسراء - ۲۰ - ما هریک اینها) (مؤمنان و آخرت خواهان) وسائل آنها (کافران و دنیا طلبان) را از عطای پروردگارت بهره مند می سازیم، و عطای پروردگارت هیچگاه (در دنیا) از کسی باز داشته نشده است)

عطای و انعام پروردگار در آخرت به مؤمنان تعلق می گیرد و کفار دران استحقاق ندارند، خداوند کریم از آنچه که در آخرت به مؤمنان تخصیص داده است در قرآن کریم ذکر فرموده و از جمله در سوره (نباء) میفرماید: (إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأسًا دِهَافًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا - النباء - ۳۶ - یقینا)" برای متقيان کاميابي (رسیدن به بهشت) است، باعهای (انبوه) و انگور ها، و همسران جوان همسن و سال، وجام پر و لبریز (از شراب پاک)، در آنجا (در بهشت) سخن پوچ و بیهوده نمی شنوند و نه دروغ و دروغگوئی دران است، این پاداش از جانب پروردگار تو است و عطایی به حساب کافی و بسنده) عطای پروردگار به پیامبر محبوبش محمد مصطفی - صلی الله علیہ وسلم - تاحد خوشنودی و رضای آنحضرت - صلی الله علیہ وسلم - بیان شده و الله متعال میفرماید: (وَلَسُوفَ يُعْطِيكَ رَبِّكَ فَتَرْضَى - ضحی - ۵ - وَحْتَماً) پروردگارت به تو

(آنچه خواسته باشی در دنیا و آخرت) عطا فرماید تا آنکه تو خوشنود شوی) و اوتعالی فرموده است: (إِنَّا أَعْظَمُنَاكَ الْكَوْثَرَ - کوثر-۱- ای محمد- صلی الله علیه وسلم- ما به تو کوثر(منزلت بزرگ، خیر و نعمت و برکت فراوان ، و نهری در میان بهشت) عطا کردیم)

عطای خداوند در دنیا به همه بندگان و در آخرت به مؤمنان بی حد و حصر است و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - که خوشنودی شانرا به نجات امت شان مربوط ساخته اند و پروردگار شان در آخرت (مقام محمود) و مقام شفاعت را به ایشان وعده فرموده است ان شاء الله تمام مؤمنان از فیض شفاعت و نور رحمت آن رحمه للعالمین ، بهره مند خواهند شد.

الله (جل جلاله)

الصبور

(۹۹)

(الصبور) مبالغه صابر به معنی بردبار و متتحمل، شکیبا و صبر کتنده از جمله نام های مبارک الله متعال است که به دلیل حدیث صحیح رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- شامل فهرست اسماء الله الحسنی گردیده است.

بروایت ابی موسی الاشعربی رضی الله عنہ در صحیح مسلم رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرموده اند:

(لا احد اصبر على اذى سمعه، من الله، يجعلون له الولد وهو يعافيهم و يرزقهم - هيچ احدی بردبارتر و صبور در برابر اذیت و آزاری (که از منافقین و دشمنان به وی میرسد) و او آنرا شنیده است، بردبارتر از الله وجود ندارد، به اوتعالی فرزند قرار میدهد و او (پروردگارصبور) به آنها عافیت و رزق می بخشد)

در حدیث قدسی صحیح بخاری و نسائی الله متعال میفرماید: (کذبنا ابن آدم ولم يكن له ذلک و شتمنا ابن آدم ولم يكن له ذلک - فأما تکذیبه ایای فقوله: لن یعینی کما بدأني وليس أول الخلق بأهون على من اعادته- و أما شتمه ایای فقوله: ان لى ولدا" و أنا الواحد الأحد الفرد الصمد الذي لم يلد ولم يُولَد ولم يَكُنْ لَّهُ كُفُواً أَحَدٌ - فرزند آدم مرا تکذیب کرد و نباید چنین میکرد، و فرزند آدم مرا دشنام داد و حق نداشت چنین کند، و اما تکذیب او در مورد من این گفتار او است: (چنانکه مرا خلق کرد هرگز دوباره زنده نمی کند) درحالیکه آغاز خلقت برای من آسانتر از اعاده آن نخواهد بود- و اما دشنام او در حق من این گفتار او است:

(من فرزند دارم) درحالیکه من یگانه، یکتا، فرد، بی نیاز هستم، و ذاتی که هرگز فرزندی نزاد و هرگز زاده نشد و هیچکس به او شبیه و مانند نبوده است)

این نمونه جهالت و عناد برخی از فرزندان آدم و آن پیمانه عظمت و صبر خالق آدم و فرزندان او است، اوتعالی در دنیا به دوست و دشمن انعام و احسان دارد و حتی در برابر تکذیب و دشنام بنده اش صبر می کند و بوی مهلت میدهد تا به رشد و صواب برگردد و هرگاه تا ختم زندگی به عناد و انکار ادامه بدهد خداوند در آخرت باوی حساب می کند. الله صبور چنانکه صفت صبر و بردباری را بخود پسندیده است پیامبران و مؤمنان رابه صبر و شکیبائی

امر میفرماید و صابرین را دوست میدارد.

مثال ها و موارد متعدد و مکرر به ارتباط صبر و تحمل و پاداش آن در قرآن کریم ذکر گردیده و از آنجا که زندگی انسان بعضاً "به حوادث سخت و وقائع درد ناک مواجه میگردد و یگانه وسیله مقاومت و گذشت از مصائب زندگی همانا صبر و تحمل و اتکا به قضا وقدر الهی است از آنرو صبر ثمر اجر دارد و صبر مصیبت را به نعمت تبدیل می کند. الله متعال میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِنُو بِالصَّبَرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ-البقره-١٥٣-

مؤمنان! از صبر و نماز یاری بجوپید، بدون شک الله با صابران است) یعنی در برابر وقایع مشکل و حالات امتناع از منکرات و تحمل تکالیف صبر و بردباری مشکل را آسان می سازد و نماز که بهترین عامل راحت نفس و ترکیه نفس است و نماز گزار را به پروردگارش وصل می کند و از فحشا و منکرات باز میدارد.

مجالات صبر که انسان در برخورده به آن به صبر و نماز نیاز دارد، ساحة مصاپب و حوادث ناگوار و اجتناب از معاصی و گناهان و تمسک به طاعات و عبادات است و هر کدام این سه مجال مهم و بعضاً "مشکل به صبر و تحمل احتیاج دارد و الله صبور بندگان صابر خود را در این موارد کمک می نماید و آنها دوست دارد.

مفهوم (صبر) به معنی (حلم) نزدیک است پروردگار حلیم و صبور در برابر اعمال و احوال بندگان حلیم است و صبور است با یک فرق که الله متعال بحیث حلیم بنده را می بخشد و بحیث صبور به وی مهلت میدهد و در جزای او شتاب نمی ورزد.

بندۀ مؤمن هنگام مصیبت و سختی به (انا الله و انا اليه راجعون) پناه می برد و با تجدید پیمان بندگی و اتکای کامل به الله متعال و ایمان به برگشت به سوی پروردگار یگانه انتخاب او (صبر جمیل) است و صبر جمیل همان صبر بدون ناله و فغان و شکوه بی امان است که قرآن کریم مثال آنرا از زبان یعقوب عليه السلام در برابر مصیبت وارد از سوء قصد برادران خائن یوسف عليه السلام در مورد آن فرزند محبوب بیان داشته است: (فَصَبَرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ - یوسف-۱۸-).

یارب یاکریم! یارب یارحیم! ازان چشمہ صبر و راحت وازان دریای کرم و رحمت قطره ای به ما نیز عنایت بفرما بر حمتك یا ارحم الراحمین.

عجزو نیاز

به بارگاه الله بی نیاز (جل جلاله)

الحمد لله الذى بنعمته تتم الصالحات والسلام على المبعوث هادياً و بشيراً و سراجاً منيراً و رحمة للعالمين سيدنا محمد المصطفى صلى الله وسلم عليه وعلى آله و اصحابه اجمعين.

زبان من، قلم من، اندیشه و تفکر من، و دانش اندک و ناچیز من به هیچ صورت توان آنرا نداشت و ندارد تا ذره ای از حقوق شرح و بیان این (اسماء الله الحسنی) و بهترین نام های مبارک الله متعال را ادا کرده باشم، اسماء واوصافی که الله (جل جلاله) خود به ذات پاک و صفات مبارک خود پسندیده و خویشتن را به آن معرفی میفرماید، اسماء و اوصافی که الفاظ مبارک آن اجزاء و الفاظ آیات کریمه قرآن کریم و احادیث صحیحة رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بوده و اساس ایمان مارا به پروردگار ما تشکیل میدهد، این اسماء مبارک و اوصاف مقدس شامل اعجاز قرآن کریم و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) است، پهنهای معانی اسماء الله الحسنی و مقام عظمت و قدسیت آن فقط در علم ازلی ذات کبیرائی الله متعال (جل جلاله) است و بس، و بنده در حالی که توان احاطه به آنرا قطعاً ندارد اما در حدود توفیق پروردگار و دانش محدود خود به آن ایمان داشته و از طریق آن به پروردگار خود وصل میگردد.

تعظیم و تمجید، حمد و ثناء، ستایش و نیایش، تسبیح و تقدیس الله متعال و همچنان استغفار و استرحم و اظهار خوف و رجاء و ذکر و توحید الله - جل جلاله - به وسیله ایمان و عقیده به همین اسماء الله الحسنی و توسل به آن به بارگاه الله (جل جلاله) صورت میگیرد، اما نزدیکترین بندگان برگزیده الله متعال به پیشگاه پروردگار و در رأس آنها پیامبر اکرم محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) هنگام ذکر و ستایش الله سبحانه و تعالی اظهار عجز و تقصیر میکردن، به عفو پروردگار پناه می بردندو از عذاب الهی بیم داشتند و رحمت و آمرزش الله غفور و رحیم را استدعا مینمودند.

مادر مؤمنان عایشه صدیقه (رضی الله عنها) حدیث معروفی دارد که تمام کتب صحاح احادیث آنرا روایت نموده اند، ام المؤمنین عایشه (رضی الله عنها) میفرماید: شبی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را در بستر خواب شان ندیدم، متوجه شدم که دستم به کف پای آن حضرت اصابت نمود و دیدم که در حالت سجود با این کلمات با

پروردگارشان راز و نیاز دارند: "اللهم انی اعوذ بر ضاک من سخطک و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک، لا أَحْصِي شَاءٌ عَلَيْكَ ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ"

"الله! ای الله! من برضاء و خشنودی تو پناه می برم از غصب تو، و به عفو تو پناه می برم از جزای تو، و پناه می برم به(رحمت) تو از (عذاب) تو، من توانستایش (سزاوار) ترا ندارم، تو (قایم و دائم بر) آنی که خود ستایش خویشتن فرموده ای، من نتوانم بر تو شنا و ستایش بگویم، چنانکه تو خود شنای خود گفته ای."

این عجز و نیاز بهترین خلق به حضور خالق شان در دل شب و در حالت سجود بود، عین این کلمات و این عجز و نیاز را رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) (به روایت علی بن ابی طالب رضی الله عنہ) در نمازهای وتر شان تکرار میکردند.

اگر این پیمانه ناتوانی و عجز، وعدر تقصیر، و نیاز عفو و بخایش از جانب خیر البشر و محظوظ رب العالمین و انسان برگزیده و معصوم و نبی کریم و رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) که خود رحمت الهی برای جهانها بودند و الله متعال صفت (رؤوف و رحیم) خود را به آن پیامبر محظوظ خود عنایت فرموده است، (بالمؤمنین رؤوف رحیم - التوبه- ۱۲۸). اگر این نور و رحمت الله متعال به بارگاه خالق آسمانها و زمین و به پیشگاه رب العالمین سر تعظیم و عذر بر زمین میگذارد و در سجده و قیام با چنان کلمات ایمانی به رضاء و عفو پروردگار پناه می برد و در شنا و ستایش الله متعال اظهار عجز و ناتوانی میکند، وای به حال این بندۀ ناجیز و ناتوان و این (عبدالستار سیرت) سراپا تقصیر و فقیر دربار مالک الملک قادر به کدام توان، به کدام زبان، و حتی به کدام ایمان میتواند شمه ای از حقوق حمد و ستایش و تعظیم و تمجید الله ذوالجلال و بیان عظمت و قدسیت اسماء و اوصاف مبارک او تعالی (جل جلاله) را ادا نماید؟ سبحانک ربی ما اعظم شأنک؟

آنچه که من و امثال من میتوانیم اینست که سرتسلیم و بندگی و عجز و نیاز به بارگاه الله بی نیاز فرود آوریم، و به اقتدا به پیشوای بزرگ ما رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) به عفو پروردگار از غصب او تعالی پناه بجوئیم و توفیق الهی را از کرم و لطف الله متعال در قبول ایمان ما به الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات الله الرحمن الرحيم التجاء نمائیم، و آن دعا و اعتذار رسول اکرم محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) را همواره نقش دلها و ورد زبان های خود داشته باشیم: "اللهم انی اعوذ بر ضاک من سخطک و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک، لا أَحْصِي شَاءٌ عَلَيْكَ ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ"

یارب یارحنون یارحیم، یا الله یا کریم! اگر کارمن ناقص و ناجیز است به آن اعتراف دارم اما این سعی متواضع و اندک الله الحمد در پرتو انوار و فیوضات بهترین نام های مبارک و اوصاف مقدس تو به عمل آمد.

الهی دست آورد من به پیشگاه کبریائی تو عمل ناچیز من نیست بل اتکا و پناه گاه من کتاب کریم تو
و اسماء مبارک توست و خالصانه آرزو دارم در سایه : **الله لا اله الا هو الرحمن الرحيم، الغفور الکريم، الوهاب**
التواب، الودود الرؤف، العظيم الحليم، و در تحت لواى رسول محبوب تو محمد مصطفى(صلی الله عليه وسلم)
عزت دیدار و رضای تو نصیب من گردد.

باذن الله ومنه و كرمه

پروردگارا ! از فیض و نور اسماء الله الحسنی و از چشمۀ رحمت و دریای بخشايش خود به همه بندگانی
که به این اسماء الله الحسنی ایمان دارند نصیب وافر ارزانی بفرما، و وعدۀ پیامبر محبوب خود را که فرموده است:
(من أحصاها دخل الجنه) در حق این بندگان مؤمن بر آورده بگردان . آمين

حسبنا الله ونعم الوکيل، نعم المولى ونعم النصیر وصلی الله وسلام علی سید الاولین وآل‌الاخرين و
المبعوث رحمه للعالمين ، سیدنا محمد و علی آله واصحابه اجمعین.
والحمد لله رب العالمين اولا" و آخرا"

فهرست برخی از مراجع:

- ۱ قرآن کریم
- ۲ تفسیر طبری (محمد بن جریر الطبری)
- ۳ التفسیر المنیر (دکتور وہبہ الزحلی)
- ۴ تفسیر نور (دکتور مصطفی خرم دل)
- ۵ ترجمه معانی و تفسیر مختصر ده جزء اول و جزء اخیر قرآن کریم (عبدالستار سیرت)
- ۶ صحیح البخاری (ابو عبد الله محمد بن اسماعیل البخاری رح)
- ۷ صحیح المسلم (امام مسلم بن الحجاج القشیری النیشاپوری)
- ۸ صحیح الترمذی (محمد بن عیسی الترمذی)
- ۹ مختار الصحاح (محمد بن ابی بکر الرازی)
- ۱۰ مجموع الفتاوی (شیخ الاسلام ابن تیمیه)
- ۱۱ معراج القبول (ابن القیم الجوزیه)
- ۱۲ اسماء اللہ الحسنی (دکتور عمر سلیمان الاشقر)
- ۱۳ المعجم المفہرس لألفاظ القرآن لکریم (محمد فؤاد عبدالباقي)
- ۱۴ لسان العرب (ابن منظور الافریقی المصری)
- ۱۵ المعجم الوسیط (مجمع اللغة العربية القاهرة)
- ۱۶ دعا و نیايش (انجینیر محمد مسعود نسیمی)
- ۱۷ یادداشت های درسی نویسنده در سالهای تدریس در پوہنتون (جامعه ام القری) در مکه المکرمه از سال ۱۹۷۵ -- ۲۰۰۲ میلادی.

فهرست

اسماء الحُسْنَى (بهترین نام های الله - جل جلاله)

صفحه

۱	مقدمه	-۱
۲	اسماء الله الحسنی در قرآن کریم	-۲
۶	ترجمه معانی اسماء الله الحسنی	-۳
۷	تحقيق تعداد و تحديد اسماء الله الحسنی	-۴
۱۰	جدول اسماء الله الحسنی	-۵
۱۱	جدول اسماء الله الحسنی	-۶
۱۲	شرح اسماء الله الحسنی	-۷

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى - طه - ٨ -

صفحة	الاسماء الحسنی	صفحة	الاسماء الحسنی
٢٩	الفتاح	-٢١	الله - جل جلاله - ١٢
٣٠	العليم	-٢٢	الرحمن - ٢
٣١	القابض	-٢٣	الرحيم - ٣
٣١	الباسط	-٢٤	الملك - ٤
٣٢	الخافض	-٢٥	القدس - ٥
٣٢	الرافع	-٢٦	السلام - ٦
٣٣	المعز	-٢٧	المؤمن - ٧
٣٣	المذل	-٢٨	المهيمن - ٨
٣٤	السميع	-٢٩	العزيز - ٩
٣٤	البصير	-٣٠	الجبار - ١٠
٣٦	الحكيم	-٣١	المتكبر - ١١
٣٦	الحكم	-٣٢	الخالق - ١٢
٣٨	العدل	-٣٣	الباريء - ١٣
٣٩	اللطيف	-٣٤	المصور - ١٤
٤٠	الخير	-٣٥	الغافر - ١٥
٤١	الحليم	-٣٦	الغفور - ١٦
٤٣	العظيم	-٣٧	الغفار - ١٧
٤٥	الشاكر	-٣٨	القهار - ١٨
٤٥	الشكور	-٣٩	الوهاب - ١٩
٤٦	العلی	-٤٠	الرزاق - ٢٠

<u>الصفحة</u>	<u>الاسماء الحسني</u>	<u>الصفحة</u>	<u>الاسماء الحسني</u>
٦٢	القوى -٦١	٤٦	الاعلى -٤١
٦٣	المتين -٦٢	٤٦	المتعال -٤٢
٦٤	الولي -٦٣	٤٧	الكبير -٤٣
٦٥	الحميد -٦٤	٤٨	الحافظ -٤٤
٦٦	المحيي -٦٥	٤٨	الحفظ -٤٥
٦٦	المميت ٦٦	٤٩	المقيت -٤٦
٦٧	الحي -٦٧	٥٠	الحسيب -٤٧
٦٧	القيوم -٦٨	٥١	الجليل -٤٨
٦٨	الواحد -٦٩	٥٢	الكريم -٤٩
٦٨	الاحد -٧٠	٥٢	الاكرم -٥٠
٦٩	الصمد -٧١	٥٤	الرقيب -٥١
٧٠	القدير -٧٢	٥٤	القريب -٥٢
٧٠	ال قادر -٧٣	٥٤	المجيد -٥٣
٧٠	المقتدر -٧٤	٥٥	الواسع -٥٤
٧١	الاول -٧٥	٥٦	الودود -٥٥
٧١	الآخر -٧٦	٥٧	المجيد -٥٦
٧١	الظاهر -٧٧	٥٨	الباعث -٥٧
٧١	الباطن -٧٨	٥٩	الشهيد -٥٨
٧٢	البر -٧٩	٦٠	الحق -٥٩
٧٣	التواب ٨٠	٦١	الوكيل -٦٠

<u>صفحه</u>	<u>الاسماء الحسنى</u>	<u>صفحه</u>	<u>الاسماء الحسنى</u>		
٨٩	الجامع	-٩١	٧٥	المتنقم	-٨١
٩٠	الكافى	-٩٢	٧٦	العفو	-٨٢
٩١	المستعان	-٩٣	٧٧	الرؤف	-٨٣
٩٢	المنان	-٩٤	٧٨	الغنى	-٨٤
٩٣	الديان	-٩٥	٧٩	النور	-٨٥
٩٤	الشافى	-٩٦	٨١	الهادى	-٨٦
٩٥	المحسن	-٩٧	٨٣	البديع	-٨٧
٩٦	المعطى	-٩٨	٨٤	النصير	-٨٨
٩٨	الصبور	-٩٩	٨٦	الوارث	-٨٩
			٨٨	الصادق	-٩٠

١٠٠

عجز ونياز به دربار الله بى نياز

